





دانشگاه پیام نور

واحد تهران جنوب

دانشکده الهیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته تاریخ تشیع

بررسی جایگاه علامه میرحامد حسین هندی در تاریخ تشیع

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر اصغر قائدان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر کریم نجفی برزگر

نگارش:

احسان قنادزاده

تابستان ۹۳

چکیده

علامه میرحامدحسین هندی از علمای بسیار بزرگ شیعه و مؤلف کتاب‌های کلامی مهمی در زمینه دفاع از حریم تشیع در مقابل هجمه‌های مخالفین علی‌الخصوص ردیه شاه عبدالعزیز دهلوی بر شیعه با نام تحفه اثنی عشریه است که توانست با نگارش این کتاب‌ها مخصوصاً کتاب عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار اثری ماندگار از خود در تاریخ تشیع بر جای بگذارد. لکهنو که مرکز حکومت نواب اوده بود، در زمان علامه میر حامد حسین از نابسامانی سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی بسیاری رنج می‌برد. چراکه ضعف حکومت نواب و به تبع آن افزایش نفوذ استعمار از یک سو و تبلیغات دینی ادیان و مذاهب دیگر و ردیه نویسی‌های آنان علیه تشیع از سوی دیگر، شرایط دشوار را برای شیعیان هند ایجاد کرده بود. علامه میر حامد حسین در چنین شرایطی کمر به دفاع از حریم اهل بیت بست و به‌رغم اینکه کتاب‌های دیگری از سوی علمای شیعه و حتی علمای خاندان میر حامد حسین در رد بر تحفه شاه عبدالعزیز نگاشته شد، اما هیچ‌کدام نتوانست تأثیری این چنین شگرف در جامعه شیعی هند و سایر بلاد اسلامی داشته باشد. همین حمایت علمی و فکری علامه از شیعیان هند موجب شد که از ایشان نقشی ماندگار در تاریخ تمدن شیعی بر جای بماند. خاندان میرحامدحسین هندی نیز خدمات زیادی در جهت نشر معارف شیعی انجام دادند که کتاب عبقات الانوار یکی از آن‌ها محسوب می‌شود. بررسی سیره علمی و عملی این عالم بزرگ شیعی و تبیین خدمات خاندان عبقات می‌تواند ضمن تکریم مجاهدت‌های ایشان در جهت دفاع از فکر شیعی، نقش مهمی در جهت الگوسازی علمی اخلاقی برای محققین ایفا کند.

کلیدواژگان: علامه میرحامدحسین هندی، تاریخ تشیع در هند، عبقات الانوار، لکهنو، آل عبقات

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول

کلیات ۱۰

سؤالات و فرضیات ۱۱

پیشینه تحقیق ۱۲

ضرورت و اهمیت تحقیق ۱۳

روش تحقیق ۱۳

منابع و مصادر پژوهش ۱۳

فصل دوم

نحوه ورود اسلام و تشیع به شبه‌قاره هند ۱۵

اسلام در هند ۱۶

ورود اسلام به صورت صلح‌آمیز ۱۶

فتوحات ۱۷

ورود تشیع به شبه‌قاره هند ۱۹

اقدامات حکومت اوده در تحکیم تشیع ۲۱

۱- حمایت معنوی از مجتهدان و افزایش نفوذ آنها در دستگاه حاکم ۲۱

۲- حمایت مالی از مجتهدین و حوزه‌های علمیه شیعه ۲۳

۳- تجهیز حوزه‌های علمیه شیعه ۲۳

۴- ارائه کمک‌های مالی جهت ساخت بناهای شیعی ۲۴

۵- ترویج عزاداری امام حسین علیه‌السلام ۲۶

۲۷..... خاندان میر حامد حسین

فصل سوم

۲۸..... شرح احوال و جایگاه

۲۸..... علامه میر حامد حسین

۲۹..... تبارشناسی

۲۹..... نسب

۳۰..... خاندان

۳۱..... سید محمدحسین معروف به سید الله کرم موسوی کنتوری نیشابوری

۳۲..... مفتی سید محمدقلی موسوی

۳۳..... سید سراج حسین

۳۳..... سید اعجاز حسین

۳۴..... مختصات دوران زندگی علامه میر حامد حسین

۳۵..... شرایط سیاسی

۳۵..... نواب اوده

۳۸..... معرفی کمپانی و نحوه شکل گیری و تسلط

۴۳..... شرایط دینی دوره میر حامد حسین در اوده

۴۳..... جایگاه شیعه پیش از دولت اوده

۴۴..... ادیان و مذاهب هند در دوره میر حامد حسین

۴۴..... شیعیان

۴۵..... نهادهای مذهبی شیعی

۴۵..... نماز جمعه

۴۶..... تأسیس محاکم شیعی در اوده

۴۷..... حوزه‌های علمیه اصولی شیعی

۴۷	اهل سنت
۴۹	هندوها
۵۰	صوفی‌ها
۵۱	شرایط فرهنگی اجتماعی دوره میر حامد حسین
۵۳	جایگاه دینی علامه میر حامد حسین
۵۴	جایگاه اجتماعی سیاسی علامه میر حامد حسین
۵۶	ویژگیهای شخصی و زندگی علمی علامه میر حامد حسین
۵۶	(۱) عشق به اهل بیت
۵۷	(۲) جدیت و پشتکار و سخت کوشی
۵۹	(۳) اهتمام به آموزش
۵۹	(۴) زهد و تقوا
۶۰	(۵) تاییدات الهی
۶۲	(۶) اهتمام به عزت مسلمانان
۶۲	زندگی علمی علامه میرحامد حسین
۶۳	جمع آوری کتب ضد شیعه جهت ردیه نویسی بر آنها
۶۵	مصادر تحقیقی میر حامد حسین
۶۶	اسلوب علامه در گفتگوی دینی
۶۶	آثار علمی علامه
۶۸	استقصاء الافحام
۶۹	کتاب شوارق النصوص

فصل چهارم

۷۱	توصیف و تشریح
۷۱	کتاب عبقات الانوار

۷۲	عبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار.....
۷۲	شاه عبد العزیز و تحفه اثنی عشریه
۷۳	علت تصنیف تحفه اثنا عشریه
۷۴	موضوعات ابواب تحفه اثنی عشریه
۷۸	عواقب نوشتن تحفه و کتابهایی که در رد تحفه نوشته شد.....
۷۸	بخش اول: کتبی که در جواب تمام کتاب تحفه نوشته شده اند:.....
۷۹	بخش دوم: کتبی که در رد بعضی از ابواب تحفه اثنا عشریه نوشته شده اند:.....
۸۱	بخش سوم: کتبی که در رد برخی از شبهات تحفه نوشته شده اند:
۸۲	اهمیت کتاب عبقات با توجه به دوره کتابت آن.....
۸۲	ساختار کلی عبقات
۸۷	چگونگی بحث و سبک استدلال در کتاب عبقات الانوار
۸۸	قدرت علمی کتاب عبقات الانوار
۸۸	رعایت آداب مناظره و قواعد بحث در کتاب عبقات الانوار
۸۸	شیوه رد کردن در کتاب عبقات الانوار
۹۱	ناتوانی در پاسخگویی به عبقات
۹۱	تقاریظ بر عبقات الانوار.....

فصل پنجم

۹۴	نقش علامه میرحامد حسین در تقویت تشیع
۹۵	تأثیر روش علمی علامه بر علمای کلام بعدی و تشیع هندوستان.....
۹۷	تربیت شاگردان
۹۷	زندگانی ناصر حسین
۹۹	نامه هایی که در ستایش میر حامد حسین نوشته شد
۹۹	کتابخانه ناصریه

اشعاری که در سوگ میر حامدحسین سروده شد.....	۱۰۰
نتیجه گیری.....	۱۰۱
ضمائم	۱۰۲
منابع.....	۱۰۶

مقدمه

مکاتب مختلف فکری در حرکت پر فراز و نشیب خود در مسیر تاریخ و در جهت تبلیغ منویات خود با پیروزی‌ها و شکست‌های متعددی ممکن است مواجه باشند. اما نگاهی گذرا به تاریخ تشیع به راحتی این مساله را ثابت می‌کند که حیات و نمو فکر شیعی فقط و فقط مرهون مجاهدتها و جان فشانیهای ائمه مذهب سلام الله علیهم اجمعین و علمای بیدار شیعه است. مجاهدتهایی که بلافاصله پس از ارتحال نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آغاز شد، در دوران حیات ائمه اطهار نیز ادامه داشت و در دوران غیبت امام معصوم نیز تا به امروز منقطع نگردیده است. اما پس از ائمه اطهار سلام الله علیهم، بیشترین تلاشها از آن علمای محقق است که با پاسخگویی به شبهات وارده به آموزه‌های شیعی و طرح فعالانه مباحث علمی با رعایت ادب اختلاف و پرهیز از هرگونه اهانت به جریانات فکری مخالف، اجازه نمی‌دهند که مذهب تشیع در میان مذاهب اسلامی در موضع انفعال قرار گیرد و حقانیت آن در اذهان مسلمین ذره‌ای خدشه دار گردد. به واقع این دسته از علمای مذهب با مجاهدتهای علمی و سراسر مخلصانه خود، میراث دار جان فشانیهای بزرگان مذهبند و به درستی اثبات کردند که خون شهدای شیعه در راه دفاع از مذهب برکتی از برکات حبر و قلم آنان است. بررسی زندگانی عالمی وارسته چون میرحامدحسین هندی و بیان مجاهدت خاموش این مدافع راستین مکتب امیرالمومنین علیه السلام و تشریح نقش فعال ایشان در محافظت از حریم مذهب اهل بیت در هندوستان و جهان تشیع، گامی کوچک است در جهت تکریم مقام علمی بزرگوارانی که اجازه ندادند ساحت تشیع به لوث شبهه پراکنی‌های عنودان و تهمت‌های متعصبان آلوده گردد و به همین جهت است که شیعیان و امدارهمیشگی مجاهدتهای ائمه مظلوم و علمای تشیع خواهند ماند الی الابد.

بررسی زندگی علمی علمایی چون علامه میرحامد حسین هندی فارغ از اینکه موجب تکریم مقام دینی و علمی علمای شیعه خواهد شد، بیانگر نقش والای این دسته از علما در سیر تاریخی شیعه و تحقق تمدن شیعی است. عالمی که با نوشتن کتابهای بی نظیر کلامی توانست دست مخالفان را از دست اندازی به حریم فکری شیعه کوتاه نماید و مجال پاسخگویی را چنان از مخالفین سلب کند که با گذشت قرن‌ها هنوز حتی فردی نتواند مدعی شود که توانسته پاسخی به استدلال‌های منطقی و کوبنده علامه، دراستقصاء الافحام، شوارق النصوص و یا عبقات الانوار به زبان جاری سازد و یا به رشته تحریر درآورد.

فصل اول

کلیات

تحقق تمدن اسلامی با تمام مظاهر آن از صدر اسلام به عنوان یکی از مهم‌ترین غایات تکاملی دین مبین بوده است که در عصر ما با توجه به ویژگی‌های خاص خودش، اهمیتی دوچندان یافته است. چنانچه بخواهیم این مقوله مهم را از دو بعد پشتوانه اندیشه‌ای و مظاهر عینی مورد بررسی قرار دهیم نقش و جایگاه علمای اسلامی در حوزه محتوایی آن نمودی خاص پیدا می‌کند. چراکه مادامی که آموزه‌های اسلامی حول موضوع تمدن در شکل تصوری و به صورت جامع و مانع تدوین نشده باشد، انتظار تحقق این مقوله در حوزه عینی آن امری محال به نظر می‌رسد.

اما نکته مهم‌تر این است که با توجه به جایگاه شیعیان در تمدن اسلامی، تمدن شیعی نیز به عنوان مفهومی اخص، از قاعده فوق مستثنی نیست. چراکه از آنجاکه اقتدای به ولایت الله روح و سرچشمه همه خلاقیت‌ها و فعالیت‌های تمدنی شیعه بوده و هست مرزبانی از حریم این مفهوم متعالی که در پیروی از اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین متجلی است، عقلا امری واجب و ضروری بوده که موجب شده تعداد زیادی از علمای بزرگ تشیع بیشتر عمر علمی خود را در جهت اقامه این امر مهم سپری کنند.

علمای مجاهدی که توانسته‌اند به برکت قلمشان آن چنانکه شایسته مکتب اهل بیت است با نگاهی علمی، محققانه و به دور از تعصب معارف مکتب اهل بیت را به درستی تبیین کنند و در مقابل آماج حملات مخالفان متعصب ایستادگی نموده، با زبانی منطقی و لاین به شبهات پاسخ‌گویند بدون اینکه ذره‌ای موجبات تفرقه امت اسلامی را فراهم آورند و جایگاه شیعه را از موضع پاسخگویی به پرسشگری بدل کنند. تا به آنجا که برای نهادهای سازی این تفکر ناب در جامعه اسلامی حتی جان خود را فدا سازند.

به همین خاطر است که نام علمایی چون میر حامد حسین موسوی هندی بر تارک همه دستاوردهای تشیع چونان نگینی می‌درخشد هرچند که غبار غفلت حجاب اندیشه‌های معاصرین شده باشد. عالم بزرگواری که تنها نتیجه بخشی از مجاهدت‌های مظلومانه‌اش عبقات الانوار بود که حجت کبرای شیعیان در مرزبانی از حریم ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان بزرگوارش شد. بازخوانی حیات علمی این بزرگواران و نقش ایشان در تاریخ تشیع می‌تواند اولین گام - ولو کوچک - باشد در جهت تبیین اندیشه‌های تمدنی آن‌ها و کمکی در جهت نیل به تمدن اسلامی به معنای اتم و اکمل آن در آینده ان شاء الله.

سوالات و فرضیات

اما آنچه در بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین و نقش ایشان در تاریخ شیعه باید مشخص شود این است که:

جایگاه و نقش علمی علامه میر حامد حسین در گسترش تشیع چه بوده است؟

و به صورت مشخص تر اینکه:

خاندان میر حامد حسین چه نقشی در زمان خود در گسترش تشیع در هند ایفا نموده‌اند؟
عصر میر حامد حسین از نظر ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی چگونه بوده است؟
میر حامد حسین از نظر شخصیتی چه اوصاف و ویژگی‌هایی داشته است؟
و اینکه آثار میر حامد حسین به‌ویژه عبققات الانوار چه جایگاهی در تمدن اسلامی خصوصاً شیعه داشته است؟

فرضیه‌های این پژوهش:

به نظر می‌رسد که روش علمی علامه میر حامد حسین در مراجعه به متون، سبک پاسخگویی منطقی و بر پایه استدلال به هجمه مخالفین و ویژگی‌های شخصیتی وی بر علمای کلام بعدی و گسترش تشیع بسیار تاثیرگذار بوده است.

خاندان میر حامد حسین نیز که همگی عالم و مجاهد بودند جایگاه رفیعی در ترویج مذهب اهل بیت علیهم السلام به خصوص در هند داشته‌اند.

علیرغم نکات مثبتی که درباره حکومت نواب در اوده ذکر شده، اما تشیع آماج حملات شدیدی بوده که منجر به خانه نشینی علامه میر حامد حسین و ادامه فعالیت به دور از هیاهوی بیرونی در برهه‌ای از زمان شده است.

کتاب عبققات الانوار با روشی بسیار علمی و به دور از تعصب به بحث ادله امامیه بر امامت امیر مومنان علی علیه السلام پرداخته است. قوت و ادله مستحکم این کتاب واکنش‌های گوناگونی را چه در میان شیعه و چه در اهل سنت باعث شده است.

پیشینه تحقیق

تابه حال مطالب مختلفی درباره زندگی علامه میر حامد حسین نوشته شده است که به دلایل زیر آن‌چنان‌که باید نمی‌تواند مورد استفاده مخاطب قرار گیرد.

برخی از آن‌ها عبارت است از مطالبی که در کتاب‌های ترجمه و شرح حال علمای شیعه به صورت پراکنده آمده است مانند شرح احوالات علامه در کتاب‌های تذکره نجوم السماء کشمیری،

برخی کتاب‌هایی است محدود که مستقلاً درباره زندگی علامه نوشته شده و هنوز چاپ نشده‌اند مانند کتاب ضیاء العین در شرح زندگانی علامه میر حامد حسین

کتابی نیز که جناب استاد محمدرضا حکیمی با عنوان میر حامد حسین به رشته تحریر درآورده‌اند که مختصراً به بیان ابعادی از زندگانی میر حامد حسین پرداخته‌اند.

اما با توجه به اهمیت جایگاه میر حامد حسین و نقش ایشان در دفاع از مذهب شیعه به‌ویژه در هند این تحقیقات چنانچه باید نتوانسته تمامی ابعاد و جایگاه علمی ایشان را روشن سازد و همچنان نیاز به تحقیقات گسترده‌تری احساس می‌شود.

لذاست که نگارنده در نظر دارد با انجام این پژوهش اثبات نماید که میر حامد حسین هندی رحمه‌الله علیه با فعالیت‌های گسترده خاصه تألیفات احتجاجی و کلامی خود نقش قابل‌توجهی در حفظ و گسترش تشیع علی‌الخصوص در منطقه شبه‌قاره داشته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

پژوهش درباره سیره علمای طراز در حوزه مطالعات مذاهب اسلامی، از این جهت دارای ضرورت است که علاوه بر نقل مجاهدتهای دلسوزانه و یاد آوری زحمات ایشان در جهت مرزبانی حریم مکتب اهل بیت، از جهات بسیاری جوابگوی مسائل روز دنیای اسلام است. شیوه‌های تحقیق، تالیف و مباحثات علمی علمای مجاهد می‌تواند الگوی بسیاری از پژوهشگران حوزوی و دانشجویان باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای توصیفی می‌باشد.

منابع و مصادر پژوهش

غالب کتابهایی را که در این پژوهش مورد رجوع و استفاده قرار گرفته می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد:

دسته اول آثار خود علامه میرحامد حسین می‌باشد که بارزترین آنها کتاب عبقات الانوار فی مناقب ائمه‌الاطهار است که در این پژوهش یک فصل به خصوصیات و مختصات کتاب اختصاص داده شده است و مهمترین اثر به جای مانده از علامه میر حامد حسین می‌باشد و می‌توان از آن به عنوان برجسته‌ترین نقش علامه در تمدن شیعی نام برد. از کتابهای دیگر علامه نیز در این پژوهش استفاده شده است که می‌توان از کتاب شوارق النصوص، استقصاء الافحام و الدرر السنیة نام برد که با توجه به اینکه از میان کتابهای علامه تنها دو کتاب ایشان به زیور طبع آراسته شده است، از سایر نسخ خطی آثار علامه کمتر استفاده شده است. دسته دوم کتابهایی هستند که درباره حیات شخصی و علمی علامه مستقلاً نگاشته شده و یا اینکه زندگینامه علامه میرحامد حسین نیز در آنها ذکر شده است. از جمله این کتابها می‌توان به کتاب ضیاء العین در زندگینامه میرحامد حسین اشاره کرد که نوشته سعادت حسین خان شاگرد علامه سید ناصر حسین موسوی هندی می‌باشد و یا کتب دیگری که در شرح علمای شیعه نگاشته شده و در آنها نشانی از زندگینامه گرانقدر علامه نشانی یافت می‌شود مانند ریحانه‌الادب مدرسی و یا فوائد الرضویة اثر شیخ عباس قمی و یا تکمله نجوم السماء که توسط دانشمند گرانقدر میرزا محمد مهدی کشمیری است. دسته سوم نیز کتابهایی است که درباره شرایط سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی هند در عصر حیات علامه میرحامد حسین نوشته شده است و به ابعاد مختلف زندگی مردم در دوره نواب اوده می‌پردازد. مهمترین کتابهایی که در این زمینه مورد

استفاده قرار گرفته است، کتاب ریشه های تشیع شمال هند در ایران و عراق نوشته خوان کل مورخ آمریکایی و تشیع در هند هالیستر است. خوان کل در کتاب خود به بررسی رابطه متقابل نهادهای دینی و علی الخصوص مجتهدین اصولی و حکومت اوده می پردازد و نقش علمای شیعه را در تمدن قرن هجدهم و نوزدهم اوده بررسی می کند و هالیستر نیز بررسی ورود و رشد تشیع در ادوار مختلف تا زمان تشکیل حکومت های شیعی بررسی می کند.

فصل دوم

نحوه ورود اسلام و تشیع به شبه‌قاره هند

اسلام در هند

درباره عوامل اصلی و اولیه ورود اسلام و فرهنگ اسلامی به هند در منابع متفاوت نظرات مختلفی به چشم می‌خورد و نمی‌توان زمان دقیقی را نیز برای آن مشخص نمود. چراکه تاریخ ورود اسلام به هند با افسانه‌ها و موهومات نیز آمیخته شده است. برخی قدمت ورود اسلام را به هند را حتی همزمان با دوره حیات نبی مکرم اسلام صلوات الله و سلام علیه می‌دانند که آن چنان قابل پذیرش به نظر نمی‌رسد. اما در یک جمع‌بندی ورود اسلام را به سرزمین هند می‌توان به دو شکل کلی زیر در نظر گرفت.

۱- ورود صلح‌آمیز

۲- ورود نظامی یا به عبارت دیگر فتوحات^۱

ورود اسلام به صورت صلح‌آمیز

درباره ورود صلح‌آمیز اسلام به هند نمی‌توان زمان دقیقی را مشخص نمود. به خصوص اینکه همان‌طور که گفته شد تاریخ نفوذ اسلام در هند با افسانه‌ها نیز آمیخته است و قلت گزارش‌های تاریخی نیز به ابهام این موضوع افزوده است.

اما آنچه تا حدودی مسلم به نظر می‌رسد این است که پیش از ورود اسلام به هند، هندیان به واسطه ارتباطاتی که بازرگانان با منطقه حجاز داشتند با حوادث این منطقه تا حدودی آشنا بودند^۲ و از ظهور دین جدیدی به اسم اسلام مطلع بودند. چراکه جاده تجاری ادویه از منطقه حجاز می‌گذشت و موقعیت ممتاز جزیره‌العرب میان بازرگانان باعث می‌شد که مردم سرزمین‌های دیگر نسبت به وقایع جزیره‌العرب توجه نشان دهند.^۳

روایات مختلفی نیز در باب اولین دیدارها بین مسلمانان و هندیان نقل شده است. بنا بر روایتی نادر، وقتی که خبر ظهور اسلام به راجه مالابار در جنوب غربی هند رسید، وی هیبتی به جزیره‌العرب فرستاد تا درباره این دین جدید پرس‌وجو و نتیجه را به وی گزارش کنند. وقتی که این گروه به مدینه رسید، پیامبر (ص) از دنیا رفته بود، از این رو نمایندگان راجه مالابار با ابوبکر دیدار و درباره اسلام گفتگو کردند. اعضای این گروه پس از این ملاقات به اسلام گرویدند و پس از بازگشت، مردم سرزمین خود را به دین اسلام خواندند. مؤلف تاریخ فرشته درباره چگونگی اطلاع هندیان از ظهور اسلام به داستان شق‌القمر اشاره می‌کند.^۴

۱. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۱
۲. اطهررضوی، سید عباس (۱۳۷۶) شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ترجمه: واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی
۳. موسوی، جمال (۱۳۷۷) نخستین مراحل ورود اسلام به هند، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴، ص ۱۱۶
۴. همان ص ۱۱۷

سر توماس آرنولد نیز از اعزام یک هیئت عرب به سند در سال ۱۵ رحلت پیامبر خبر داده است.^۱ اما با توجه به مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که علیرغم تردیدهای موجود درباره روایات فوق، آشنایی هندیان با اسلام پیش از فتوحات امری قطعی بوده و دروازه ورود مسالمت‌آمیز اسلام به هند نیز همان منطقه جنوب غربی هند بود. چراکه علیرغم وجود برخی زمینه‌های پذیرش اسلام در هند آن دوره مانند ناآرامی‌های سیاسی و مذهبی و وجود نظام طبقاتی که خود زمینه نفوذ فکری اسلام را به هند فراهم می‌کرد، اما فرمانروایان این مناطق نیز برای توسعه فعالیت‌های تجاری و بهبود وضع اقتصادی منطقه خود با مسلمانان همکاری می‌نمودند. نومسلمانان بومی نیز از امتیازات و احترامی که بازرگانان خارجی برخوردار بودند استفاده می‌کردند درحالی‌که همین افراد قبل از پذیرش اسلام غالباً از جمله پایین‌ترین طبقات اجتماع هند محسوب می‌شدند.^۲

فتوحات

اما ورود اسلام به روش‌های نظامی نیز به دو صورت عمده بوده است:

۱- فتوحات

۲- هجوم سلطان محمود غزنوی

نخستین درگیری‌های بین مسلمانان و هندیان پس از فتح کامل ایالت‌های جنوبی و شرقی ایران در زمان خلیفه دوم به سال ۱۵ هجری اتفاق افتاده است. درواقع فتح ایران و عراق دروازه تهاجمات به بلوچستان و بنادر سند را گشود.^۳

بنا به گزارش بلاذری در زمان عمر، عثمان بن ابی العاص والی عمان و بحرین لشکری به تانه (نواحی بمبئی) فرستاد. البته طبری به این شکل لشکرکشی‌ها اشاره‌ای نکرده است. اما در ذیل حوادث سال ۲۳ هجری گزارش داده که مسلمانان به فرماندهی حکم بن عمرو تغلبی از راه مکران وارد هند شد و با پادشاه هند جنگیدند و بر او پیروز شدند. اما از آنجاکه شرایط مکران برای سپاهیان مناسب نبود و غنیمت آن‌چنانی نصیب مسلمانان نمی‌شد عمر به حکم تغلبی و سهیل بن عدی دستور داد که "به این سوی رود سند بسنده کنید"^۴

این مسئله که در زمان خلافت امیرالمؤمنین به چه میزان به هند توجه شده محل بحث است. اگرچه بنا به گزارش بلاذری در اواخر سال ۳۸ و اوایل سال ۳۹ هجری حارث بن مره عبدی داوطلبانه و با اجازه امام علی به همراه شماری از مسلمانان به هند رفت و بنا به گفته برخی در زمان خلافت

۱. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۲
۲. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۲
۳. موسوی، جمال (۱۳۷۷) نخستین مراحل ورود اسلام به هند، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴، ص ۱۱۸
۴. همان، ص ۱۱۹

امام علی علیه‌السلام نیروهای عرب از مرز سند گذشتند^۱، اما آنچه صحیح به نظر می‌رسد این است که قطعاً در زمان امام علی هیچ نقطه‌ای فتح نشده است.

در زمان معاویه بن ابی سفیان با توجه به جدیت بیشتر بنی‌امیه در لشکرکشی و این مسئله که راه کابل نیز برای ورود سپاهیان مسلمان به هند باز شد، فتح هند پیشرفت چشمگیری داشت.^۲ عبد الرحمن بن سمره والی سیستان و مکران بخش وسیعی از سند را به سرزمین‌های اسلامی ملحق کرد. در سال ۴۴ مهلب بن ابی صفره از کابل به هند لشکرکشید. اگرچه مؤلف تاریخ فرشته وی را اولین مسلمانی می‌داند که قدم به سرحدات هندوستان نهاده اما با توجه به مواردی که پیش‌تر گفته شد این مسئله نادرست به نظر می‌رسد.^۳

علیرغم اینکه در زمان معاویه حملات مهمی به هند صورت گرفت اما دوران حکمرانی حجاج بن یوسف در عهد ولید بن عبد الملک نقطه‌ای برجسته در تاریخ فتوحات در هند به حساب می‌آید. چراکه محمد بن قاسم ثقفی در اوج پیشروی مسلمانان در شرق و غرب بلاد، شمال غربی هند را به تصرف درآورد. وی در حدود سال ۹۲ هجری (۷۱۲ میلادی) به هندوستان حمله برد و تا مولتان و دامنه هیمالیا پیش رفت و در سند دولت تشکیل داد.

اهمیت فتح محمد بن قاسم تا حدی است که در مورد فتح هند توسط مسلمین، عده‌ای وی را نخستین فاتح هند می‌دانند.^۴

محمد بن قاسم به نقاط مختلف هند از جمله بنج گور، ارمائیل و دیبل ادامه داد و به غنائم زیادی دست پیدا کرد.

وی ۴۰۰۰ نفر از مسلمانان را در دیبل اسکان داد و در آنجا مسجدی بنا نمود. فتح دیبل باعث شد که بسیاری از شهرها از جمله بیلمان، سرست و بیرون نیز بدون جنگ تسلیم محمد بن قاسم شوند. پس از فتح بدون خونریزی چند شهر، داهر پادشاه سند خود را برای جنگ با محمد بن قاسم آماده کرد و با وی به جنگ پرداخت که نهایتاً وی نیز شکست خورد و محمد بن قاسم نیز فتح‌نامه سند را نزد حجاج فرستاد.

پس از آن نیز راور و برهمن آباد فتح شد که عده بسیاری نیز کشته شدند. اما پس از آن شهر مهم دیگری که توسط محمد بن قاسم گشوده شد مولتان بود که این شهر نیز با درگیری و خونریزی فتح شد.

۱. اطهررضوی، سید عباس (۱۳۷۶) شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ص ۲۲۱
۲. موسوی، جمال (۱۳۷۷) نخستین مراحل ورود اسلام به هند، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶، هند ص ۱۱۹
۳. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۲
۴. طباطبایی، سید ابوالفضل (۱۳۵۵) اسلام در هند، گوهر، شماره ۴۳، ص ۱

محمد بن قاسم در مولتان به تنظیم امور اداری و دولتی پرداخت و متصرفات خود را سامان داد و حکمرانی وی تا پایان دوره ولید بن عبدالملک ادامه داشت. اما با روی کار آمدن سلیمان بن عبدالملک مورد خشم وی قرار گرفت و عزل شد.^۱

پس از روی کار آمدن سلیمان بن عبدالملک اوضاع به کلی دگرگون شد و پیروزی و پیشروی مسلمانان در تمام جبهه‌ها متوقف شد. پس از آن نیز علیرغم اینکه در زمان عمر بن عبدالعزیز فرصت برای اقدامات مسالمت‌آمیز فراهم شد، اما پیشرفت آن‌چنانی در گسترش اسلام در هند حاصل نشد.

حمله سلطان محمود

عامل دیگر حمله سلاطین غزنوی از ناحیه شمال غربی از آسیای مرکزی و خراسان و سواحل جیحون از سده چهارم به بعد بود که منجر به فتح گسترده‌ای از هند شد سبکتکین سردودمان غزنوی نخستین غازی مسلمان است که در سال ۳۶۷ ه از راه تنگ خیبر به شمال غربی هند هجوم برد و مساجدی بنا کرد با مرگ او در سال ۳۸۷ هجری پسرش سلطان محمود بر تخت نشست و در سال ۳۹۱ آهنگ تسخیر هند کرد و با لشکرکشی‌های متناوب از سال ۳۹۱ تا ۴۰۱ پیشاور ملتان و غور را فتح کرد و غنائم بسیاری از طلای خالص و نقره به غنیمت گرفت. به گفته فرشته او در غور بسیاری از غرامطه ملاحظه را کشت گویا آنان شیعیان اسماعیلی بوده اند. او به حملات خود ادامه داد تا اینکه در سال ۴۱۶ ق معبد سومنات را که یکی از معابد مهم شیوایی در هند بود ویران نمود.

پس از غزنویان معزالدین غوری در سال ۵۶۸ ق آخرین بازماندگان غزنوی را مطیع خویش ساخت. او قطب‌الدین ایبک یکی از غلامان خود را مأمور ادامه فتوحات کرد و قطب‌الدین نخستین سلطان اسلامی دهلی است. از تاریخ فوت معزالدین یعنی ۶۰۲ تا ۹۳۰ ق سی و چهار پادشاه مسلمان از پنج سلسله در دهلی و نواحی اطراف حکومت کردند.^۲

ورود تشیع به شبه‌قاره هند

در تاریخ هند مسلمان به‌دقت نمی‌توان زمان ورود تفکر شیعی را به هند مشخص نمود. البته عوامل مختلفی در ابهام نسبی این مسئله می‌تواند مؤثر باشد. دلیل اول اینکه همان‌طور که گفته شد تاریخ نفوذ اسلام در شبه‌قاره با بعضی موهومات آمیخته است و به تبع این ابهامات درباره نفوذ تفکرات شیعی نیز موجود است. اما مسئله دیگر این است که معمولاً مهاجرت شیعیان به سرزمین‌های دیگر برای فرار از حکومت‌های سنی بوده و همین مسئله باعث شده تا بسیاری از شیعیان به تقیه متوسل شوند و سرزمین هند نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۱. موسوی، جمال (۱۳۷۷) *نخستین مراحل ورود اسلام به هند*، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴، ص ۱۲۶
۲. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) *عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی*، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۳

اما به نظر می‌رسد از همان ابتدای ورود اسلام به هند محبت اهل بیت نیز در میان مسلمانان وجود داشته است. بنا به گفته ابن اثیر مردم جات ارادت عمیقی به امام علی داشته تا جایی که او را خدا می‌خواندند و این امر موجب برانگیخته شده خشم ایشان شده بود.^۱

روایت دیگری که درباره ورود تفکر شیعی به هند مطرح است این است که شنسب که سرسلسله شنسبانی هاست به دست امام علی اسلام آورد و حضرت فرمانداری ناحیه غور را به ایشان سپرد. حتی در زمان حکومت بنی‌امیه نیز این ناحیه به دلیل کوه‌های غیرقابل صعود آن توانست از تسلط و نظارت بنی‌امیه مصون بماند و حتی رفته‌رفته با ضعف امویان این منطقه و ناحیه سند مرکز قیام‌های شیعی و پناهگاه سادات و شیعیان شد.^۲

به‌مرور زمان نیز عواملی باعث رشد تفکر شیعی در ناحیه سند گردید.

با مهاجرت جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر الاطرف بن علی بن ابیطالب به مولتان و پیوند با خانواده‌های حکام محلی، حضور شیعیان در شبه‌قاره پررنگ‌تر شد.

مهاجرت‌هایی که از ایران و سایر کشورهای مسلمان مانند عراق به هند اتفاق افتاد نیز به این موضوع کمک کرد. چراکه فرار شیعیان از حکومت‌های سنی مانند سلجوقیان و تیموریان باعث شد که تعداد زیادی از علماء، شعرا، اطبا و... از ایران و عراق به هند مهاجرت کردند.^۳

به‌خصوص اینکه بر اثر مهاجرت ایرانیان شیعه عنصر ایرانییت کمک زیادی به ترویج تشیع در هند کرد. دکتر ضابط در این باره گفته است:

متفکران و دانشمندان شیعه در هند به طور چشمگیری علوم و فلسفه را غنا بخشیده‌اند. از آغاز تاریخ اسلام تا پایان قرن هجدهم، بیشتر متفکران شیعی در هند، مهاجران ایرانی بودند. از پایان قرن هجدهم شیعیان تولد یافته در هند، غنی ساختن حیات فکری کشور را آغاز کردند. در نتیجه، تاریخ حیات فکری شیعیان در هند، همان تاریخ مهاجران ایرانی است که آمیزه‌ای از بهترین آثار فکری کشور خود با فرهنگ و جامعه هندی را فراهم آوردند.^۴

از عوامل بسیار مهم دیگری که درباره پیشرفت تشیع در شبه‌قاره می‌توان نام برد تشکیل حکومت‌های مستقل در مناطق مختلف شبه‌قاره بود که تأثیر بسیار زیادی در گسترش فرهنگ و تفکر شیعی در شبه‌قاره داشت. تأسیس حکومت بهمنیان در شبه‌قاره که استقبال از شاعران فارسی‌زبان شیعی را نیز به دنبال داشت و حتی سیر حکومتی دربارهای عادل شاهی، نظام شاهی و قطب شاهی که از نظر

۱. اطهررضوی، سید عباس (۱۳۷۶) شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ترجمه: واحد ترجمه مرکز مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ص ۲۲۹

۲. همان ص ۲۳۱

۳. راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه‌قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام ص ۴

۴. ضابط، حیدر رضا (۱۳۷۷) تشیع در شبه‌قاره، پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره سیزده ص ۱

رویکردهای دینی در ادامه حکومت بهمنیان به حساب می‌آمدند باعث نفوذ روزافزون تفکر شیعه در هند شد.

منطقه اوده در اواخر قرن دوازدهم به تصرف مسلمانان درآمد. در سال ۱۱۷۵ میلادی، محمد غوری به هند حمله کرد و در شمال هند، پادشاهان راجپوت را شکست داد و بر دهلی مسلط شد. او حکومت و سلطنت قدرتمندی تشکیل داد ولی خود به غور بازگشت و حکومت را به قطب‌الدین واگذار کرد. در این زمان، از طرف مرکز برای مناطق مختلف هند جاگیردارانی معین شدند و بختیار خلجی به‌عنوان والی و استان دار ایوده‌یه معین شد.

اما آنچه موجب ورود تشیع به شمال هند شد مهاجرت سادات نیشابوری از نیشابور به اوده بود و به دنبال آن تأسیس حکومت شیعی در اوده باعث شد که تشیع در شمال هند نفوذی چشمگیر پیدا کند.

در زمان علاءالدین خلجی (۶۹۶-۷۱۶ قمری) علما، شعرا و هنرمندان و فرماندهان ارتش، از ایران به هند مهاجرت کردند و در امپراتوری مسلمانان شبه‌قاره، صاحب‌منصب و مقام می‌گردیدند. پس از سقوط حکومت صفویان (۱۱۴۵ ق) تعدادی از شیعیان و بازرگان برجسته ایرانی، کشور را به مقصد ملتان در پنجاب ترک کردند و از آنجا به سوی شهرهای گجرات، دهلی و بنگال پراکنده شدند. بعد از تأسیس حکومت شیعه در ایالت اوده در شمال هند، شماری از آنان به فیض‌آباد مهاجرت نمودند و حاکمان شیعه به آنان، منصب‌هایی اعطا کردند.^۱

چنانچه بخواهیم نحوه ورود شیعیان اثناعشری را طبق تقسیم‌بندی زمانی هالیستر مورد بررسی قرار دهیم یکی از مهم‌ترین مقاطع رشد تشیع در هند، ورود به ناحیه شمالی هند و یا همان لکهنو می‌باشد که حتی امروزه نیز مرکز اصلی شیعیان هند به حساب می‌آید.^۲ میر محمدامین موسوی بنیان‌گذار پادشاهی اوده از خاندان‌های اصیل نیشابور بود و در خراسان از جایگاه برخوردار بود. پدر وی از خادمان بهادر شاه بود و پس از مرگش فرزند وی به هند مهاجرت نمود و حکومت نواب اوده را تأسیس نمود که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

اقدامات حکومت اوده در تحکیم تشیع

۱- حمایت معنوی از مجتهدان و افزایش نفوذ آن‌ها در دستگاه حاکم

در آغاز تشکیل دولت اوده، هیچ عالم شیعی در آنجا وجود نداشت و علمای اهل سنت کارهای مذهبی شیعیان را انجام می‌دادند و تمام مراسم عامه بین شیعیان رواج داشت. اما رفته‌رفته نفوذ

۱ اطهررضوی، سید عباس (۱۳۷۶) شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ترجمه: واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ص ۲۵۳

۲ جان نورمن هالیستر (۱۳۷۳) تشیع در هند، مترجم آذر میدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی ص ۱۷۲

علما در مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر شد. اگرچه از ابتدای حکومت نواب شرایط شیعیان در اوده نسبت به گذشته بهبود چشمگیری یافت و حتی قبل از اینکه پایتخت به لکهنو منتقل شود در دوران حکومت نواب شجاع الدوله فیض آباد پایتخت اوده به بزرگ‌ترین مرکز مذهبی و علمی شیعیان در هند تبدیل شد و تعداد زیادی از علمای شیعه از ایران و مناطق مختلف هند به شهر فیض آباد مهاجرت کردند، اما تا انتهای حکومت نواب نیز رواج برخی عقاید و رسوم اهل سنت باعث نگرانی علمای شیعه بود و باعث شد که علامه دلداری علی مذاکراتی با سرفراز الدوله داشته و بر اساس آن سید دلداری علی نقوی مأمور شد تا برای تحصیل علوم دینی به نجف اشرف برود.^۱ علامه سید دلداری علی پنج سال در نجف اشرف ماند و به درجه اجتهاد رسید. سپس به هندوستان بازگشت و شاگردانی پرورش داد که نقش بسیار مهمی در اوده ایفا کردند. علامه سید دلداری علی علیرغم مخالفت اخباری‌ها تا حد توان در مسائل سیاسی اجتماعی اوده دخالت می‌کرد و این امر باعث افزایش نفوذ علما در امور شد. تا جایی که علامه دلداری علی با استمرار برپایی نماز جمعه و جماعات و با وعظ و خطابه و تربیت طلاب و تألیف کتاب‌های گوناگون در علوم اسلامی، در گسترش تشیع در شبه‌قاره هند نقش حیاتی ایفا نمود. علامه دلداری علی فقیهی بسیار پرهیزکار بود و سراسر زندگی او در تدریس و تألیف سپری گشت. سلطان و امرای اوده و شیعیان شبه‌قاره هند فتاوی او را می‌پذیرفتند.^۲

مفتی سید محمدقلی موسوی نیشابوری کنتوری (متولد ۵ ذوالقعدة ۱۱۸۸ق) پدر بزرگوار علامه میر حامد حسین از شاگردان برجسته علامه سید دلداری سبزواری غفران مآب بود وی در سال ۱۲۵۳ق به‌عنوان صدر الصدور سلطنت اوده منصوب گردید.^۳

در بین شاهان اوده حاکمی که بیشترین همکاری را با علمای اصولی شیعه داشت امجد علی شاه (۱۸۴۷) بود.^۴

نفوذ علما در دوره امجد علی‌شاه در حکومت اوده تا حدی گسترش یافت که در سال ۱۲۵۸ق / ۱۸۴۲م که امجد علی شاه بعد از فوت پدرش محمدعلی شاه سلطان اوده گردید، اعلان نمود که حکومت اوده را تحویل سلطان العلماء علامه سید محمد فرزند سید دلداری علی می‌دهد؛ زیرا حاکم واقعی امام مهدی (عج) است و در عصر غیبت آن حضرت، سلطان العلماء به‌عنوان فقیه برجسته نائب امام زمان (عج) و ولی و حاکم محسوب می‌گردد. سلطان العلماء نیز در حکمی امجدعلی شاه را به‌عنوان نائب خود منصوب کرد و بدین‌سان حکومت وی مشروعیت یافت.^۵

-
۱. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۱
 ۲. زیدی، سید سبط حیدر (۱۳۸۵) نقش سید دلداری علی نقوی در گرایش شیعیان شبه‌قاره به مسلک اصولی، سفیر، ویژه نامه و پیش شماره ۳، ص ۲۰۸ - ۲۲۵
 ۳. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۷
 ۴. خوان کل (۱۴۱۵ه) الملکیه الدینیة و البنیة الشیعیة، الموسم، شماره ۲۰، قسمت هشتم، ص ۴۸
 ۵. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۳

روند رو به رشد میزان نفوذ علما در جامعه حدوداً تا نیمه قرن نوزدهم ادامه داشت. خوان کل مورخ امریکای در کتاب ریشه‌های تشیع شمال هند در ایران و عراق در این باره می‌گوید:

دهه چهارم قرن نوزدهم هجری شاهد بیشترین میزان تأثیر علما و ثروتمندان در اوده هستیم. سیاست‌های غیردینی در سال ۱۸۳۰ و پس از آن دچار تغییراتی شد و این تأثیر در لکهنو و فایز آباد و حتی شهرهای کوچک‌تری که تحت سیطره شیعه بود مثل سیتاپور و ناصرآباد و کنتور مشاهده می‌شد. دهه چهارم قرن نوزدهم شاهد اوج قدرت مجتهدین بود و به وجود آمدن مجموعه‌ای از مؤسسات جدید و دستیابی علما به ثروت و سلطه سیاسی نشانه این نفوذ بود اما دهه پنجم از قرن نوزدهم شاهد افول سریع اغلب علمای شیعه بود.

حتی نفوذ مجتهدین در اوده به جوامع غیر شیعی دیگر در شمال و شرق هند که انگلیسی‌ها بر آن مناطق حکومت می‌کردند کشیده شد ولی بیشتر جوامع حاشیه‌ای در اوده از تغییراتی که دربار شیعه در لکهنو اتفاق افتاد دور بودند و بیشتر کشاورزان نیز در روستاهای کوچک زندگی می‌کردند و در دنیایی حاشیه‌ای دینی که حول شخصیات دینی مثل رامانند کرشنا بودند تمرکز داشتند و اسلام سنی و تصوف نیز در فرهنگ شهرها تأثیر داشتند.^۱

۲- حمایت مالی از مجتهدین و حوزه‌های علمیه شیعه

نواب اوده در حمایت مالی از مجتهدین شیعه چه در داخل هند و چه در خارج هند و حتی حوزه‌های نجف و کربلا گام‌های مهمی برداشتند. به دستور پادشاهان اوده وجوهات شرعی اعم از خمس و زکات و صدقات در اختیار مجتهدین قرار می‌گرفت و بسط ید بزرگان تشیع در مسائل مالی باعث نفوذ بسیار زیاد آنان حتی در جوامع غیر شیعی می‌شد.

مثلاً امجد علی شاه از پادشاهانی بود که اموال حاصل از صدقات را در اختیار مجتهدین قرار داد و در جهت اختصاص زکات به فقرا از درآمد سالیانه گامی برداشت. تا جایی که میزان مبلغ اختصاصی اجمالاً به ۱.۷ میلیون روپیه رسید و این مسئله در دوره ۵ ساله حکومت او بود و پادشاه به سید محمد و سید حسین ناصرآبادی درباره زکات فقرا و خمس وکالت داد.^۲

اگرچه که این موضوع در دوران علامه سید دلدار علی به اوج خود رسید و ایشان نیز اشخاصی مطمئن را برای توزیع وجوهات انتخاب می‌کرد، اما این مسئله حتی باعث انتقاد برخی از شیعیان مانند کمال‌الدین حیدر نیز شده بود. این افراد به حکومت نواب انتقاد داشتند که چرا این میزان از وجوهات را در اختیار مجتهدین قرار داده است.^۳

۳- تجهیز حوزه‌های علمیه شیعه

۱. خوان کل (۱۴۱۵هـ) الملكية الدینیه و البنيه الشیعیه، الموسم، شماره ۲۰، قسمت هشتم، ص ۴۷

۲. همان ص ۵۲

۳. همان ص ۵

حوزه‌های علمیه شیعه در دوران حکومت نواب از پشتوانه مالی خوبی برخوردار شدند. در داخل هند به واسطه تلاش علما حوزه‌های جدیدی تأسیس شدند و در خارج هند نیز حوزه‌های نجف و کربلا که قدمتی دیرینه داشتند مورد توجه ویژه زمامداران اوده قرار گرفتند و مبالغی سالیانه و ثابت برای آن‌ها دربار اوده در نظر گرفته شد. درباره تأسیس حوزه‌های شیعی اصولی مسلک در اوده خوان کل می‌گوید:

در اوایل قرن نوزدهم هجری حلقه تعلیم اصولی در خانه‌ها تشکیل می‌شد ولی بعد از اینکه امجد علی شاه و وزیر اول او امین الدوله در یک سال متولی امور بودند مجتهدین زعیم امثال محمد و حسن ناصرآبادی قرار گذاشتند که حکومتی داشته باشند که در آن بتوانند از نزدیک با آن همکاری کنند.^۱

و پیشنهاد دادند که حکومت کمک‌هزینه مالی برای تأسیس مدرسه دینی در نظر بگیرد. و دوایر دولتی با این مسئله با بخشش برخورد کردند و برنامه‌ای برای ایار سال ۱۸۴۳ وضع کردند و این همان زمانی بود که پادشاه مبلغ ۳۱۲۰۰ روپیه را در سال به حوزه اختصاص داد و در آن چهارده مدرس اصلی، ۷ مدرس متوسط، ۵ مشاور و ۳ نفر اداره‌کننده حضور داشتند.^۲

در برهه‌ای مدرسه اصغر در فایز آباد را نیز تجهیز نمود و امجد علی شاه دعم مالی رسمی برای تعلیم علوم دینی پرداخت.

با کوشش‌های سلطان العلماء و برادر وی سید العلماء علامه سید حسین، سلاطین اوده کمک‌های مالی را برای حوزه‌های علمیه در نجف، کربلا و مشهد ارسال نمودند.

یکی دیگر از اقدامات بسیار مهم شاهان اوده در حمایت از حوزه‌های نجف و کربلا اختصاص مبلغی سالیانه بود که به وثیقه هندی، پول هند، تنخواه هند و از همه مهم‌تر موقوفه اوده مشهور شد و پس از سقوط نواب و در دوره تسلط انگلیسی‌ها بر اوده در خدمت اهداف استعماری آن‌ها قرار گرفت.^۳

۴- ارائه کمک‌های مالی جهت ساخت بناهای شیعی

کمک به ساخت و تعمیرات عتبات در عراق و ساخت بناهای شیعه، علی‌الخصوص حسینیه‌ها و امام باره‌ها در قرن نوزدهم رونق زیادی یافت و مبالغ هنگفتی توسط نواب به این امر اختصاص داده شد. مثلاً با کوشش‌های علامه دلدار علی نواب آصف الدوله حاکم اوده نهری در کربلا احداث و مقابر امامان را در عراق مرمت و بازسازی نمود. علاوه بر این نواب آصف الدوله نیم میلیون روپیه به حاجی محمد تهرانی یکی از تجار معروف ایرانی مقیم بنگال هند داد و وی برای تأمین آب شهر نجف، به کانال‌کشی آب از کوفه به نجف اقدام کرد.

۱. همان ص ۵۳

۲. همان ص ۵۳

۳. ابوالحسنی مندر، علی (۱۳۸۳) *موقوفه اوده، ریشه و روند تاریخی، زمانه، سال سوم، شماره ۲۰، ص ۲۴ - ۳۲*

مادر آصف الدوله به نام بهویگم هدایایی گران قیمت به مبلغ صد هزار روپیه به نجف اشرف و کربلای معلی ارسال نمود و صدر جهان بیگم (م ۱۲۱۰ ق / ۱۷۹۶م) مادر بزرگ آصف الدوله نیز حسینی بزرگی در شهر فیض آباد احداث نمود

زمانی که پس از ناصرالدین حیدر محمدعلیشاه بر اریکه قدرت تکیه زد شروع به بنای ساختمانی جدید برای برگزاری مراسم عزاداری اهل بیت و همچنین مساجد نمود. و به واسطه این اقدامات تکریمش به مذهب شیعه نمایان شد و وظیفه علما سنگین تر شد. همان طور که دارایی های اوده فرصت پرداخت مبالغی به مجتهدین کربلا و نجف را پدید آورد.

و در نامه ای مورخ سال ۱۸۳۹ (۱۲۵۵ ه) علمای دینی در شمال هند به علمای عراق خبر دادند که پادشاه جدید اوده با توجه به اماکن مقدسه و تمام مجاورین آن راغب است که قنات آصفیه در نجف را که شنیده بود خشک شده است را اصلاح کند.

کارهای دیگری نیز در دوران زعامت سلطان العلماء انجام شد که بدین قرار است:

۱. اهدای سی هزار روپیه برای طلاکاری در ورودی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و تعمیر ایوان طلا در داخل این حرم.

۲. احداث گنبد و بارگاه بر روی قبور حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کوفه در سال ۱۲۶۳ق، که مبلغ پانزده هزار روپیه در این خصوص هزینه گردید.

۳. بازسازی کانال آب شهر نجف معروف به «شهر آصفی» با هزینه صد و پنجاه هزار روپیه. این کانال آب به اهتمام نواب آصف الدوله با هزینه نیم میلیون روپیه احداث شده بود.

۴. احداث کانال آب در کربلا که به کانال حسینی معروف شد، با هزینه صد و پنجاه هزار روپیه.

۵. احداث چهار دیواری برای حرم مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در شهر سامرا و طلاکاری گنبد امام حسن عسکری علیه السلام.

۶. ساخت گلدسته برای مسجد کوفه.

۷. احداث مسافرخانه ای به نام فردوس، برای زائران در شهر سامرا^۱

هزینه انجام کارهای عمرانی یادشده در عراق به حکم سلطان العلماء توسط سلاطین اوده برای مؤلف جواهر الکلام، علامه محمد حسن نجفی از مراجع بزرگ آن دوران و مقیم حوزه علمیه نجف ارسال گردید

در دوران حکومت واجد علی شاه (۱۲۶۴-۱۲۷۳ق / ۱۸۴۷-۱۸۵۶م) با کوشش های سلطان العلماء کمک مالی فراوانی به حرمین شریفین و مراقد ائمه اطهار علیهم السلام در شهرهای مقدس نجف، کربلا و مشهد ارسال گردید.

۱. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۴

در دوران حکومت نواب شبیه بارگاه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام، با همان عظمت و شکل واقعی در اوده ساخته شده بود. همچنین در این شهر محل‌هایی به نام «کربلا» توسط آن‌ها احداث گردید. در شبه‌قاره هند و پاکستان «کربلا» به محل‌هایی گفته می‌شود که در روز عاشورا مراسم راهپیمایی عزاداری به آنجا ختم می‌شود. اماکنی که در لکهنو شبیه بارگاه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام در حجم و شکل واقعی آن احداث گردیده‌اند به‌قرار زیر می‌باشند:

(۱) حرم مبارک امام رضا علیه‌السلام.

(۲) حرم عسکریین (شبیه روضه امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما‌السلام در سامرا عراق).

(۳) حرم امام حسین علیه‌السلام. در شهر لکهنو، هفت شبیه روضه امام حسین علیه‌السلام ساخته شده است.

(۴) حرم کاظمین (شبیه بارگاه امام موسی کاظم و امام جواد علیهما‌السلام در کاظمین عراق).

(۵) حرم حضرت عباس علیه‌السلام. در این شهر پنج حرم شبیه حرم حضرت عباس ساخته شده است.

(۶) حرم حضرت زینب علیها‌السلام.

(۷) بارگاه دو طفلان مسلم.

(۸) حرم امام علی علیه‌السلام. در شهر لکهنو، که شبیه حرم امام علی علیه‌السلام احداث شده است.

(۹) حرم فاطمیین. این شبیه روضه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در مدینه منوره قبل از انهدام توسط وهابیان می‌باشد.

گفته‌اند که شهر تاریخی لکهنو به دلیل وجود حسینیه‌های بزرگ و شبیه بارگاه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام شهرت جهانی دارد.^۱

۵ - ترویج عزاداری امام حسین علیه‌السلام

بعد از انتقال پایتخت به لکهنو با کوشش‌های حاکمان و علمای شیعه و ایرانی، این شهر به مرکز عزاداری‌های باشکوه در مناسبت‌های مختلف مذهبی تبدیل گردید. نواب آصف الدوله برای ترویج مراسم عزاداری مبالغه‌بسیاری هزینه می‌کرد؛ از جمله در مراسم عزاداری ماه محرم از سوی دولت همه‌ساله بیش از شش صد هزار روپیه هزینه می‌شد.

دوران حکومت نواب آصف الدوله عصر طلایی حاکمان اوده و اقتدار و عظمت تشیع در ایالت اوده تلقی می‌شود. در این دوران مراسم عزاداری شهیدان کربلا در ماه‌های محرم و صفر باشکوه

و عظمت در سراسر اوده برگزار می‌گردید و سنت‌های عزاداری که در اوده رایج شد در میان شیعیان و مسلمانان سراسر شبه‌قاره هند گسترش یافت.^۱

ساخت امام باره‌ها و بناهای مذهبی بانام کربلا که پیش‌تر ذکر شد نقش مهمی در جهت گسترش عزاداری امام حسین علیه‌السلام داشت. عزاداری سیدالشهدا در اوده آن‌چنان فراگیر شد که از سایر مکاتب و مذاهب نیز در این‌گونه مراسم شرکت می‌کردند.

در همان زمان میرانیس (۱۲۶۵ق.) شاعر برجسته، فضایل و مناقب اهل‌بیت (علیه‌السلام) را به‌وسیله شعر به مردم می‌رساند. هفت نسل بعد از او همه شاعر بودند و فقط درباره اهل‌بیت شعر می‌گفتند. شاهان اوده از زمان شجاع الدوله تا واجد علی شاه به این خانواده احترام می‌گذاشتند.^۲

خاندان میر حامد حسین

از جمله کسانی که در زمان علاءالدین خلجی به هند مهاجرت نمودند، خانواده کنتوری بودند که از نیشابور به آنجا مهاجرت کرده بودند.^۳

در دوران حکومت محمدبن تغلق (۷۲۵-۷۵۲ق / ۱۳۲۵-۱۳۵۱م) سید شرف‌الدین ابوطالب موسی معروف به سید اشرف ابوطالب همراه برادرش سید محمد به‌سوی دهلی حرکت کردند و از سوی سلطان محل کنتور واقع در بهرایچ شرق لکهنو عنوان «مدد معاش» به وی عطا گردید و آن‌ها این منطقه را که جولانگاه راهزنان شده بود پاک‌سازی کردند.^۴

همان‌طور که گفته شد مفتی سید محمدقلی موسوی نیشابوری کنتوری پدر بزرگوار علامه میر حامد حسین از احفاد سید اشرف ابوطالب بوده‌اند.

دلیل شهرت علامه به کنتوری این بود که شخصی از اجداد ایشان به نام سید اشرف‌الدین پس از مهاجرت از نیشابور در منطقه کنتور ساکن شد و خاندان نیشابوری کنتوری یعنی فرزندان سید اشرف‌الدین جایگاه بسیار والایی در بین مردم پیدا کردند.

۱. همان ص ۱۰۰

۲. منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۹) *تقش شاعران و صوفیان در گسترش تشیع در اوده*، سخن تاریخ، شماره نهم، ص ۷۸

۳. شیعه در هند

۴. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) *تقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند*، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۷

فصل سوم

شرح احوال و جایگاه

علامه میر حامد حسین

تبارشناسی

نام این بزرگوار سید مهدی بن سید محمدقلی بن سید محمدحسین بن سید حامد حسین....

ملقب به علامه بزرگوار میر حامد حسین کتوری لکهنوی موسوی هندی

کنیه ایشان ابوالمظفر بود^۱

در سال ۵ محرم الحرام سال ۱۲۴۶ هـ ق در میرتهه متولد شد و در سال ۱۸ صفر ۱۳۰۸ هـ ق

در لکهنو از دنیا رفت.

در خاندانی متولد شد که پیوسته پرچم دار مجاهدت های علمی در دفاع از مذهب امامیه

اثنا عشریه بودند و علمای بزرگی از این طایفه برخاسته اند و در راه دفاع از مذهب اهل بیت از هیچ

تلاشی فروگذار نکردند.

درباره شهرت ایشان به میر حامد حسین گفته اند:

وجه شهرت آن است که والد ماجدش در عالم منام متشرف به زیارت جد امجدش سید حامد

حسین رحمه الله بود بعد الانتباه خبر مسرت بخش ولادت این نور نظر سمع مبارکش رسید لاجرم به نام

جد امجدش او را شهرت بخشید.^۲

نسب

نسب این بزرگوار با چندین واسطه به حضرت موسی بن جعفر می رسد:

سید حامد حسین بن سید محمدقلی بن سید محمدحسین (الله کرم) بن سید حامد حسین بن

سید زین العابدین بن سید محمد المعروف بالسید بولاقی بن السید محمد معروف به السید مدا بن سید

حسین معروف به سید میثهر بن السید حسین بن سید جعفر بن السید علی بن السید کبیرالدین ابن

السید شمس الدین بن السید جمال الدین بن سید شهاب الدین ابی المظفر (ملقب به سیدالسادات

معروف به سید علاءالدین اعلی بزرگ) بن سید محمد (سید عزالدین) بن سید اوحد شرف الدین

ابی طالب (سید اشرف) بن سید اطهر ذی مناقب محمد (ملقب به مهدی معروف به سید محمد

محروق) بن حمزه بن علی بن ابی محمد بن جعفر بن مهدی بن ابی طالب بن علی بن حمزه بن ابی

القاسم حمزه بن امام موسی الکاظم بن امام جعفر صادق بن امام محمد بن باقر بن امام زین العابدین بن

ابی عبدالله الحسین علیه السلام بن امیر المومنین علیهم السلام^۳

۱. سعادت حسین خان، ضیاء العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school

Chicago ص ۲

۲. همان ص ۳ و ۲

۳. همان ص ۳

دلیل شهرت علامه به کنتوری این بود که شخصی از اجداد ایشان به نام سید اشرف‌الدین پس از مهاجرت از نیشابور در منطقه کنتور ساکن شد و خاندان نیشابوری کنتوری یعنی فرزندان سید اشرف‌الدین جایگاه بسیار والایی در بین مردم پیدا کردند.^۱

خاندان

میر حامد حسین در دامان خاندانی چشم گشود که همه عالم و مجاهد بودند. نه تنها بسیاری از رجال این خاندان از علمای طراز اول تشیع بودند، بلکه در مواردی فرزندان انان این خاندان نیز افراد فاضلی بودند. سعادت حسین خان^۲ می‌گوید:

"در این سلسله جلیله علمیه افراد از امام ابو ابراهیم موسی بن جعفر علیه‌السلام تا علامه سید حامد حسین ارباب علم و دانش و صاحب فهم و ذکا و حامل صفات صوریه و معنویه و اکثر ایشان صاحب تصنیف و تألیف هم بودند. بعضی از مصنفه این‌ها در مکتبه ایشان محفوظ و مصون می‌باشند و بعضی کتب خطیه به خط نیکو و پاکیزه از این بزرگواران در کتاب‌خانه آن مرحوم علامه هم موجود می‌باشد که برهان واضح و دلیل بین جلالت عظیمه این سلسله طیبه است. اگر جلالت جمیع افراد این سلسله علمیه نوشته می‌شود کتابی بی مرتب و مؤلف می‌شود مهم و مصنفی می‌شود"^۳

آقابزرگ تهرانی نیز در بیان جلالت خاندان عباقت این چنین می‌فرماید:

ان هذا البيت الجليل من البيوت التي غمرها الله برحمته فقد صب سبحانه و تعالی علی اعلامه المواهب، و امطر عليهم المؤهلات، و اسدل عليهم القابليات و غطاهم بالالهام، و احاطهم بالتوفيق، فقد عرفوا قدر نعم الله عليهم فلم يضيعوها، بل كرسوا حياتهم، و بذلوا جهدهم، و أفنوا أعمارهم فی الذب عن حياض الدين، و سعوا سعياً حثيثاً فی تشييد دعائم المذهب الجعفري، فخدماتهم للشرع الشريف دون اعلان كلمه الحق غير قابله للحد و الاحصاء، و لذا وجب حقهم علی جمیع الشيعة الامامية ممن عرف قدر نفسه و اهتم لدينه و مذهبه...

این خاندان با جلالت در زمره آن کسان اند که خداوند آنان را مشمول عنایت خویش قرار داده است. زیرا خداوند بزرگان این خاندان را از موهبت و نبوغ برخوردار ساخته است و استعداد و قابلیت بخشیده است و از فروغ الهام بهره‌مند کرده است و سایه توفیق را بر سر آنان گسترده است. ایشان نیز این نعمت‌های خدایی را پاس داشته‌اند و همه ایام زندگی را در دفاع از حریم سپری کرده‌اند و برای استحکام پایه‌های مذهب جعفری به جان کوشیده‌اند. آری خدمات این بزرگواران به دین مقدس و فداکاری‌های آنان برای برپاداری کلمه حق از حد شمار بیرون است. از این رو اینان بر گردن همه شیعه

۱. همان ص ۴

۲. از علمای منطقه هندوستان و شاگرد علامه سید ناصر حسین که برای ادامه تحصیل به نجف رفت و نزد علمای بزرگ نجف تلمذ نمود (خورشید خاور)

۳. همان ص ۱۲

حق دارند شیعه‌ای که ارزش عقیده خود را بداند و به دین و مذهب خود اهمیت دهد و برای نشر آیین والا و دین قویم و صراط مستقیم تشیع بکوشد.^۱

نخستین فرد شاخص خاندان بعد از حضرات معصومین علیهم‌السلام ابوالقاسم حمزه بن الامام موسی الکاظم علیه‌السلام هستند. عظمت و جلالت این امامزاده جلیل و فخیم در کتاب تحفه الازهار و زلال الاخبار فی نسب ابناء الائمه الاطهار آمده است.

علامه سید ناصر حسین فرزند ارشد علامه میر حامد حسین در سفری که به عتبات داشته‌اند بخشی از کتاب تحفه الازهار را که در رابطه با حمزه بن موسی الکاظم علیه‌السلام است را این‌طور نقل می‌کنند:

ابوالقاسم حمزه بن الامام موسی الکاظم امه ام ولد کان عالماً فاضلاً کاملاً جلیلاً رفیع المنزله عالی المرتبه عظیم الحظ و الجاه و العز و الابتهاال محبوباً عند الخاص و العام سافر مع اخیه الامام علی الرضا علیه‌السلام الی خراسان و کان واقفا فی خدمته...^۲

در این خاندان به علمای بزرگ دیگری مانند سید مشرف‌الدین و میر سید حسین بن عزالدین ملقب به سید علاء‌الدین نیز برمی‌خوریم که جایگاه رفیعی در ترویج مذهب اهل بیت علیهم‌السلام داشته‌اند. شرح حال بسیار مختصر تنی چند از این علما را در ادامه ذکر خواهیم کرد:

سید محمدحسین معروف به سید الله کرم موسوی کنتوری نیشابوری

وی جد میر حامد حسین و از زهاد زمان و صاحب کرامت بود که در نیمه دوم قرن دوازدهم می‌زیست. هرگز نمازهای مستحبی‌اش ترک نمی‌شد. کراماتی هم به وی نسبت داده‌اند. در هنر خوشنویسی هم دستی داشت. ایشان علاقه زیادی به استنساخ قرآن کریم و کتب نفیسه به خط خود داشته است و قرآن و حق‌الیقین، تحفه الزائر و جامع عباسی به خط او در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است.^۳

میرزا محمد مهدی کشمیری در تکمله نجوم السماء می‌نویسد:

سید محمدحسین عالم جلیل و فاضل نبیل زاهد متورع و عابد تارک الدنیا بوده از تلامذه مولانا عبد الرب بن قاضی ولی محمد حضرت پوری است. ایشان در سال ۱۱۸۱ هجری درگذشته است.^۴

۱. الکرام البرره (از طبقات اعلام الشیعه) ج ۱ / ۱۴۸-۱۴۹

۲. ضیاء‌العین ص ۱۳

۳. کنتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه علمیه، مقدمه

۴. همان ص ۱۷

مفتی سید محمدقلی موسوی

علامه مفتی سید محمدقلی خان بن سید محمدحسین بن حامد حسین بن سید زین العابدین موسوی نیشابوری هندی دوشنبه پنجم ماه ذی قعدة سال ۱۱۸۸ هـ ق متولد یافت، تحصیلات نزد افاضل عهد خود همچون آقای سید دلدار علی غفران مآب (۱۱۶۶، ۱۲۳۵ هـ) کسب کرد علامه بزرگوار تا مدتی در منصب قضاوت منصوب و مفتی میروت بود، رساله ای هم به نام عدالت علویه در موضوع احکام قضاوت و افتاء و شرایط قاضی و مفتی دارد^۱ مطالعه و دقت نظر ایشان درباره علم کلام و تفسیر و مناظره بی نظیر بود^۲ به همین خاطر علماء وقت ایشان را به عنوان علامه و محقق یاد می کردند، شیخ عباس قمی، وی را یکه تاز معرکه فضل و کمالات و مناظر میدان مناظرات و مباحثات و از اکابر متکلمین عظام می داند. این متکلم عظیم در لکهنو در ۹ محرم ۱۲۶۰ هـ ق به لقاءالله پیوست^۳،

بعضی از آثار به جای مانده از ایشان عبارت است از:

- ۱- تطهیر المومنین عن نجاسة المشركين
- ۲- نفاق الشيخين بحکم احاديث الصحيحين
- ۳- تکميل الميزان في علم الصرف
- ۴- سيف ناصري در جواب باب اول تحفه اثنا عشرية
- ۵- تقليب المكائد جواب باب سوم تحفه
- ۶- برهان السعادات جواب باب هفتم تحفه
- ۷- تشييد المطاعن در رد باب دهم تحفه
- ۸- مصارع الافحام جواب باب يازدهم تحفه
- ۹- تقريب الافحام في تفسير آيات الاحكام
- ۱۰- احكام عدالت علويه
- ۱۱- اجوبة فاخره در رد اشاعره در رفع شبهات فاضل رشيد
- ۱۲- فتوحات حيدريه در رد بر الصراط المستقيم عبد الحق دهلوي
- ۱۳- حکم احاديث صحيحين
- ۱۴- الکبائر
- ۱۵- الشعلة المظفريه
- ۱۶- التقيۀ^۴

۱. زیدی، سید سبط حیدر (۱۳۸۸) متکلم نابغه /میر کلام، سفیر، شماره یازده ص ۵۲
۲. سعادت حسین خان، ضیاء العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school Chicago ص ۱۴
۳. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتابهای اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی ص ۹۸
۴. کنتوری، سید محمد قلی، تشييد المطاعن لكشف الضغائن ص ۴

سید سراج حسین

وی برادر ارشد میر حامد حسین و از عالمان و فرزندگان روزگار خود بوده است. در نزد پدرش و سید العلماء السید حسین بن السید دلدار علی شاگردی نموده است.

در احوالات ایشان آورده‌اند سید سراج حسین فردی متواضع و ساده‌زیست بود و ملجأ و مورد احترام مردم بود. سید مرتضی حسین در مطلع الانوار گفته است:

او حالات امیرانه در لباس فقیرانه را دوست می‌داشت. لباس او از نوع پارچه دستباف نخی بود و از لباس عالمانه پرهیز می‌کرد. در لکهنو خانه‌ای بزرگ داشت که در جنگ آزادی در سال ۱۸۵۷ میلادی ویران شد. وقتی برادرش سید اعجاز حسین خبرش را به او داد. وی با بی‌توجهی پاسخ داد: خوب شد. اسباب خودبینی شکست.

نان خشک را بر غذای لذیذ ترجیح می‌داد. بیماران را معالجه و به مردم کمک می‌کرد. سلیمان نایب بریتانیا به او بسیار احترام می‌گذاشت. راجه رتن سنگه او را به منطقه حکومت خود به چرک‌های دعوت کرد. اما او به شهریه بیش از صد روپیه را رد کرد و در آن منطقه به بهبود وضع فقرا پرداخت.^۱ بیشتر تألیفات وی در علوم ریاضی از جمله کتاب حل معادلات، جبر و مقابله، و رساله‌ای در مخروطات منحنی است. ایشان همچنین فیلسوف و پزشکی نامی بوده است. وی به حدی بر زبان انگلیسی، فلسفه جدید و علوم ریاضی تسلط یافته بود که بزرگان انگلیس به حیرت فرورفته بودند که یک عالم مسلمان چگونه تا این حد در فنون حکمت غرب ماهر گردیده است. بنا به گفته مؤلف تکمله نجوم السماء وی در ۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۲۸۲ رحلت نمود^۲

فرزند ایشان سید کرامت حسین نیز پس از فقدان والدینش نزد عمویش میر حامد حسین رفت و به تحصیل علوم دینی روی آورد. علاوه بر علوم دینی علوم دیگر مانند تاریخ و جغرافی و طب و نجوم و چندین زبان را فراگرفت.

سید اعجاز حسین

این بزرگوار نیز معروف به کنتوری و برادر میر حامد حسین است. وی فرزند میانی سید محمدقلی بوده و در ۲۱ رجب سال ۱۲۴۰ به دنیا آمده است و مانند پدر و برادر فرهیخته‌اش از دانشمندان نامی شیعه در کشور هند است. نزد پدرش و علمای دیگر فقه، اصول، تاریخ، حدیث، رجال، کلام و تفسیر را فراگرفت و از سید حسین سید العلماء و سید محمد سلطان العلماء اجازات علمی دریافت کرد.

۱ انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم: دلیل ما ص ۲۳۷
۲. کنتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه علمیه ص ۱۷

ایشان نیز به مانند سایر افراد خاندان کنتوری فردی بلندهمت و بی توجه به دنیا و ساده زیست بوده است. تا جایی که از اموال موروثی پدر نیز استفاده نکرده و همه در راه خیر مصرف نموده است. مؤلف ریحانه الادب می نویسد: سید اعجاز حسین کنتوری عالمی است متبحر و در تمامی علوم متداوله بصیر و خبیر و از بزرگان علمای شیعه بوده و علوم متنوعه را از والد معظم خود یاد گرفته است.

میرزا محمد مهدی کشمیری در تکمله نجوم السماء می نویسد:
به عهد والد ماجد در حفظ و حراست خزانه الکتب آن مرحوم مساعی جمیله فرمود تا آنکه متولی آن گردید و بعد فوت آن مغفور در افزایش آن نهایت جهد به منصف ظهور رسانید و در تصنیف و تألیف اشتغال ورزید.

و در جای دیگر می گوید:

عظمت و جلالتش بر ارکان دین و اعیان دنیا هردو تسلط تام پیدا کرد به حدی که علماء اعلام لکهنو در جمله امور خود آن جناب را ملجأ و ملاذ خود می دانستند.^۱
و به برادر خود در کار تألیفات کمک بسیار کرده است. به ویژه در کتاب «استقصاء الافحام» که به نام میر حامد حسین شهرت یافته است و در رد بر کتاب منتهی الکلام نوشته شد. از دیگر تألیفات او می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- شذور العقیان فی تراجم الاعیان» که شرح احوال علمای شیعه است.

۲- کشف الحجب و الاستار عن احوال الکتب و الاسفار» که در آن حدود ۳۵۰۰ نوشتار علمای شیعه معرفی شده است.

۳- رساله در مناظره با مولوی جان محمد لاهوری

۴- رساله در حال عمده المتکلمین میرزا محمد دهلوی مؤلف نزهه اثنی عشریه

۵- القول السدید فی الرد الرشید

ایشان در ۱۷ شوال ۱۲۸۶ ه. ق رحلت فرمود^۲

مختصات دوران زندگی علامه میر حامد حسین

دوران زندگی علامه میر حامد حسین هندی از لحاظ سیاسی، مذهبی و اجتماعی دارای مختصات و ویژگی هایی بود که شاید از بسیاری جهات کم نظیر و حتی در برخی موارد بی نظیر می نمود و دوران زندگی ایشان را تا حدود زیادی از سایر دوره ها متمایز می کرد.
استقرار حکومت نواب در اوده، اوج گیری فعالیت استعماری انگلستان در قالب کمپانی هند

۱انصاری قمی، ناصرالدین(۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم:دلیل ما ص ۲۳۹
۲کنتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار، قم:جماعه المدرسین
فی الحوزه علمیه ۱۷

شرقی، قدرت گرفتن و توسعه فعالیت تبلیغی ادیان و مذاهب و حتی گرایشهای فکری مختلف و در گیری مباحثات فکری عقیدتی میان آنها، و بسیاری مسائل دیگر همه از مواردی بود که تاثیرات قابل توجهی در جامعه آن روز هند داشت. جامعه ای که علامه میر حامد حسین به عنوان عضوی از همین جامعه و تحت تأثیر همین مسائل فراز و فرودهای زیادی را در مسیر زندگی شخصی و علمی خود تجربه کرد. بررسی هرچه بیشتر شرایط مختلف دوره زندگی علامه میر حامد حسین ما را در شناخت بیشتر نسبت به جایگاه این عالم وارسته یاری می نماید.

شرایط سیاسی

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیر گذار در شرایط مختلف هند و علی الخصوص منطقه اوده^۱ که محل زندگی علامه بود عوامل سیاسی بود که در بسیاری موارد تاثیرات آن بر سایر شئون اجتماعی و مذهبی و... نیز سایه انداخته بود.

از نظر سیاسی در اوده قرن نوزدهم و بیستم شاهد اتفاقاتی هستیم که تا پیش از این بی سابقه بود و اهالی اوده برای اولین بار چنین شرایطی را تجربه می کردند:

از نظر سیاسی دوره حیات علامه میر حامد حسین مصادف است با دومسئله قابل بررسی که نمی توان تاثیرات متقابل این دو عامل را نادیده گرفت:

دوره زندگی علامه در حکمرانی نواب اوده که حدود سی سال از عمر مبارک علامه را شامل می شود و مصادف است با پادشاهی نصیر الدین حیدر، محمدعلی شاه، امجدعلی شاه و واجد علی شاه و شدت گرفتن استعمار بریتانیا در هند که در نهایت منجر به وقوع شورش هند بر علیه استعمارگران و شکست نواب در مقابل استعمارگران انگلیسی و تسلط کمپانی هند شرقی بر اوده می شود.

نواب اوده

بعد از اینکه سلطنت تیموریان رو به ضعف نهاد و حکام ولایات هر کدام در منطقه خود ادعای استقلال کردند و حکام ایالت اوده یعنی فرزندان امیر محمد نیشابوری هم اعلام استقلال نموده و ارتباط خود را با دهلی مرکز سلطنت تیموریان قطع کردند و از این تاریخ به بعد در این منطقه مستقلاً به سلطنت پرداختند. پادشاهان اوده در حدود دو قرن در منطقه اوده حکومت و سلطنت نمودند و چون پیرو مذهب تشیع بودند در منطقه تحت نفوذ خود مذهب شیعه را ترویج و تبلیغ کردند.

۱ اوده ولایتی در شمال هند است که از مراکز گسترش فرهنگ تشیع به شمار می آید. نام آن برگرفته از شهر باستانی آیودها است. از آنجایی که زادگاه "راما" اسطوره مذهبی هندوان است، برای هندوان نیز شهر مهمی محسوب می شود و در حال حاضر اوتارپرادش خوانده می شود. مراکز مهم فرهنگی مسلمانان شبه قاره بسان لکهنو، رامپور، فیض آباد، بیلگرام و همچنین شهر مقدس هندوان یعنی بنارس در آن قرار گرفته بود

در طول سالیانی که نواب بر اوده حکومت کردند ثبات و آرامش سیاسی نسبی بر اوده حاکم بود. چراکه نواب علی‌الخصوص سعادت خان تلاش زیادی در جهت یکپارچه کردن اوده از خود نشان داد و تا پایان دوره نواب به استثنای جنگهایی که با انگلیسی‌ها در گرفت این ثبات نسبی بر اوده حکمفرما بود. حتی در خود دربار اوده نیز اختلافات آن‌چنانی بر سر جانشینی و قدرت مشاهده نمی‌شد. غیر از یک مورد که در آن مورد نیز می‌توان رد پای کمپانی هند شرقی را به وضوح دید. علمای شیعه در دوره حکومت شاهان اوده نفوذ زیادی دربار داشتند و رجال دینی و پادشاهان تعامل سازنده و خوبی با یکدیگر داشتند. فقه شیعه تا حد قابل توجهی نسبت به گذشته جای خود را در زندگی اجتماعی مردم باز کرد و شیعیان از حجاب تقیه بیرون آمدند. پادشاهان اوده افرادی علم دوست و اهل فرهنگ بودند و در حمایت از اهالی ادب و هنر گام‌های مهمی برداشتند. مدارس علوم دینی زیادی در این دوره تأسیس شد و کتابخانه‌ها با حمایت ویژه شاهان اوده رونق گرفت و تشیع نیز به شکلی خاص گسترش یافت.^۱

در ادامه مختصراً به نحوه استقرار حکومت اوده و شرایط دوران حکومت چهارتن از نواب اوده که معاصر با دوره حیات علامه میر حامد حسین بود، می‌پردازیم.

نام‌اعضای سلسله اوده و مدت حکومت آنان به شرح زیر است:

۱. سعادت‌خان برهان‌الملک (۱۱۳۲-۱۱۵۲) (ق)؛
 ۲. ابوالمنصورخان صفدرجنگ (۱۱۵۲-۱۱۶۸) (ق) داماد و خواهرزاده سعادت خان؛
 ۳. میرزا جلال‌الدین حیدر شجاع الدوله (۱۱۶۸-۱۱۸۹) (ق) فرزند صفدر جنگ؛
 ۴. آصف‌الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲) (ق) فرزند شجاع الدوله
 ۵. میرزا وزیر علی‌خان (۱۲۱۳-۱۲۱۲) (ق) پسرخوانده آصف‌الدوله؛
 ۶. سعادت‌علی خان‌یمین الدوله (۱۲۱۳-۱۲۳۰) (ق) فرزند آصف الدوله؛
 ۷. سلطان‌غازی‌الدین حیدر (۱۲۴۳-۱۲۲۹) (ق) فرزند سعادت‌علی؛
 ۸. سلطان‌نصیرالدین حیدر (۱۲۴۳-۱۲۵۳) (ق)؛
 ۹. محمدعلی‌شاه (۱۲۵۳-۱۲۵۸) (ق) فرزند سعادت‌علی؛
 ۱۰. امجد علی شاه (۱۲۵۸-۱۲۶۳) (ق)؛
 ۱۱. واجد علی شاه (۱۲۶۳-۱۲۷۲) (ق) فرزند امجدعلی؛
 ۱۲. برجیس قدر (ذی‌قعدة ۱۲۷۳ - شعبان ۱۲۷۴) فرزند واجدعلی.^۲
- سعادت خان (۱۷۱۳م) بنیانگذار سلسله نواب اوده:

۱ منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) تاریخ سیاسی اوده در هند، سخن تاریخ، شماره ششم، ص ۴۹ - ۸۱

۲ جان نورمن هالیستر (۱۳۷۳) تشیع در هند، مترجم آذر میدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی ص ۱۷۳

همزمان شدن تقریبی حکومت مغولان در هند و صفویان در ایران با توجه به شیوه حکومت داری مرسوم در هر دو حکومت، زمینه مناسبی را برای تعاملات گسترده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فی ما بین ایجاد نمود. تا جایی که این تعاملات در حد سطوح پایتتر جامعه نیز به چشم می خورد. چراکه پس از زوال صفویه خاندان‌های مشهور ایرانی به هند مهاجرت کردند و حاکمان مغول نیز، تحت تأثیر عوامل و مصالح مختلف توجه ویژه ای به ایرانیان نمودند. محمد نصیر پدر محمد امین مؤسس حکومت نواب نیز از همین مهاجران بود. وی داماد وزیر شاه عباس دوم بود که به هند مهاجرت کرد و پس از مدتی از دنیا رفت. پسرش محمد امین فردی زیرک بود و توانست لیاقت خود را در زمینه مسائل مختلف علی‌الخصوص مباحث نظامی اثبات کند و اعتماد مغول‌ها را جلب کند. تا جایی که به مقام فرماندهی لشکر دست یافت و محمدشاه نیز در قبال خدمات بسیار زیادش به وی لقب سعادت خان عطا نمود.

محمدشاه پس از وقایع متعدد به محمدامین اعتماد بسیار زیادی کرد. در همان زمان (دوازده ژانویه سال ۱۷۲۱) به او حکومت و ولایت آگره را داد. در همان زمان، در اوده نیز ناآرامی‌هایی به وجود آمده بود و فرمان داران شورش کرده بودند. محمدشاه، سعادت خان را برای سرکوبی شورش‌ها انتخاب کرد و به اوده فرستاد. گفتنی است که حاکمان و راجاها از زمان اورنگ زیب، در اوده فتنه، فساد و شورش ایجاد می‌کردند؛ به‌ویژه شیخ زادگان لکهنو بسیار قدرت مند شده بودند و در برابر هیچ قدرتی سر تسلیم فرود نمی‌آوردند. سعادت خان این شیخ زادگان را شکست داد. او پس از فراغت از این کار، کنار رودخانه گاگره سکونت اختیار کرد و برای سعادت و رفاه مردم کارهای چشم‌گیری انجام داد.

برهان الملک حاکمی هوش مند و بیدار بود و به دنبال شخصی مورد اعتماد می‌گشت. لذا خواهرزاده خویش، محمد مقیم را از ایران فراخواند. پس از آمدن او برهان الملک، دختر بزرگش را به ازدواج او درآورد و برای او مقام ولی عهدی اوده را از محمدشاه گرفت و وی را به ابوالمنصور ملقب ساخت. بدین ترتیب برهان الملک توانست ابوالمنصور را در اوده جانشین خویش قرار دهد و خودش اکثر اوقات در دهلی باشد و در مرکز، دخالت و اقتدار خویش را حفظ نماید.

پس از برهان الملک دامادش ابوالمنصور و پس از وی پنج نفر دیگر از سلسله نواب اوده به قدرت رسیدند تا اینکه نوبت به نصیر الدین حیدر رسید. شاهان اوده در اداره سرزمین تحت امر دارای کفایت نسبتاً خوبی بودند. ولی با این وجود و علیرغم اینکه شاهان اوده سعی داشتند از نفوذ انگلیسی‌ها جلوگیری کنند در ایام حکومت چهار پادشاه انتهایی نواب اوده به دلیل افزایش روزافزون دخالت‌های انگلیس، ضعف حکومت و به تبع آن ناآرامی‌های سیاسی تا حدودی رو به افزایش گذاشته بود و در نهایت موجب سقوط حکومت نواب و تسلط انگلیسی‌ها بر اوده شد.

نواب اوده کارهای عمرانی خوبی در اوده انجام دادند و اوده همان‌طور که گفته شد دروازه ورود فرهنگ و علوم مختلف به سایر نقاط هند شد. ادبیات و هنر موردتوجه خاص نواب بود و در

مجموع اوده در دوران حکومت نواب علیرغم وجود ضعفهای قابل بررسی شرایط سیاسی نسبتاً خوبی را تجربه کرد.^۱

معرفی کمپانی و نحوه شکل گیری و تسلط

کمپانی هند شرقی شرکتی بود بازرگانی که ملکه الیزابت اول در دسامبر سال ۱۶۰۰ فرمان تأسیس آن را برای تجارت با هند شرقی صادر کرد و به آن امتیاز نامه‌ای سلطنتی اعطا کرد و این امتیاز نامه شاهی باعث شد که کمپانی هند شرقی سالها نبض تجارت را در هند شرقی به صورت انحصاری در اختیار داشته باشد. البته فعالیت کمپانی هند شرقی از فعالیت‌های اقتصادی فراتر رفت و تا جایی پیش رفت که تا زمان انحطاط نقش پشتیبان حکومتی و نظامی را در هند ایفا می‌کرد.

می‌توان گفت دوره تسلط کمپانی بر هند دوره غارت هند توسط انگلستان محسوب می‌شود که در پوشش روابط اقتصادی، زمینه ساز نفوذ سیاسی در هند گردید.

البته با عین حال که کمپانی هند شرقی خطر بزرگی برای استقلال هند محسوب می‌شد ولی کسی جرات بیرون راندن آن‌ها از هند را نداشت.

کمپانی همزمان با حکومت نواب در اوده شدیداً فعال بود و از دوره حکومت شجاع الدوله به بعد خطر آن به شکل جدی تری احساس می‌شد. چراکه دخالت در امور اوده را در دستور کار خود قرار داده بود. شاهان اوده نیز این خطر را تا حدود زیادی درک کردند و همین مسئله باعث شد تا اوده آخرین ایالتی باشد که به تسخیر کمپانی در می‌آید.

شجاع الدوله برای مقابله با استعمار انگلیس با آن‌ها به مبارزه پرداخت و حاصل دو بار مبارزه او با نیروهای کمپانی چیزی جز شکست نبود. چراکه ارتش کمپانی مجهز به سلاحهای جدید بود و شجاع الدوله نتوانست در مقابل آن‌ها کاری از پیش ببرد و در نهایت دو طرف راضی به صلح شدند. صلحی که مفاد آن نتایج زیر را به دنبال داشت :

• استانهای اله آباد و گور کمپور و توابع آن‌ها به تصرف هند درآمد و از قلمرو اوده خارج شد.

• شجاع الدوله صد و پنجاه هزار روپیه به کمپانی هند شرقی غرامت داد.

• انگلیسی‌ها در تمام اوده می‌توانستند تجارت کنند.

• در رویارویی با قدرت سوم هر دو باید به هم کمک می‌کردند.^۲

استاد مرحوم علی ابوالحسنی مندر در این باره می‌گوید:

سیاست استعمار در محو تدریجی حکومت اوده طبق پیمانی که در ۱۷۷۳ م با جبر و زور بر

شجاع الدوله تحمیل شد وی متعهد گشت ماهانه ۲۱۰ هزار روپیه به قشون کمپانی - که به اعتراف

^۱ سید منظرعباس رضوی، تاریخ سیاسی اوده، سخن تاریخ، شماره ششم پاییز ۸۸، ص ۷۵

^۲ سید منظرعباس رضوی، تاریخ سیاسی اوده، سخن تاریخ، شماره ششم پاییز ۸۸، ص ۶۸

خود انگلیسی‌ها، حکومت اوده هیچ نیازی به آن نداشت - بپردازد. وارن هستینگس، رئیس کمپانی و نخستین فرمانروای کل انگلیسی هند، در سال نخست حکومت آصف الدوله (فرزند و جانشین شجاع الدوله) این رقم را تا ۲۶۰ هزار روپیه در ماه بالا برد و او را وادار ساخت که از خالصجات بنارس و جَوَنپور و غازی پور نیز که درآمد آن بیش از ۲ میلیون روپیه بود چشم پوشد (۱۱۸۹ ق / ۱۷۷۵ م) ۲۵. هستینگس این مبلغ را در سالهای ۱۱۹۱ و ۱۱۹۳ ق / ۱۷۷۷ و ۱۷۷۹ م باز هم افزایش داد و به اعتراض آصف الدوله که از این همه اجحاف به تنگ آمده بود اعتنایی نکرد.^۱

کمپانی هند شرقی سیاست دخالت در امور اوده را از زمان آصف الدوله یعنی چهارمین فرد سلسله نواب به صورت علنی افزایش داد تا جایی که افسران و وزیران از طرف کمپانی انتخاب می شدند و البته در مقابل نیز نواب اوده سعی داشتند که از میزان نفوذ انگلیسی‌ها در اوده بکاهند و در مقابل دخالت‌های آنان مقاومت کنند. البته گاهی اوقات در دوره های بعد این مقاومت دربار در مقابل کمپانی به جنگ مابین این دو نیز می انجامید که پیروزی نهایی از آن کمپانی بود. برای مثال در مورد محمدعلی شاه که با حمایت خود کمپانی در مقابل مناجان به پیروزی رسید و به تخت نشست، کار به جایی رسید که اختیارات خود او نیز کاهش یافت و در بار در اختیار کمپانی قرار گرفت.

استعمار انگلیس همچنان ادامه داشت و انگلیسی‌ها در دوره واجد علیشاه نیز به دنبال بهانه بودند تا اوده را کاملاً در کنترل خویش بگیرند. به همین دلیل حتی المقدور سعی داشتند در تمام امور سلطنت دخالت کنند و جایگاه پادشاه را در نگاه مردم خدشه دار سازند.^۲

وقتی واجد علیشاه به کلکته رفت، کمپانی خواست با زور نظامی لکهنو را به تصرف درآورد و پس از کش و قوس های فراوان همین اتفاق افتاد و در نهایت با پیروزی نظامی کمپانی هند شرقی در مقابل سپاه اوده دوره حکومت نواب به پایان رسید و کمپانی پس از سالها به طور مطلق بر اوده تسلط یافت و اوده به عنوان آخرین ایالت هندوستان ضمیمه تصرفات انگلیسی‌ها گردید و واحد علیشاه در کلکته ماندگار شد. البته برکناری واجد علیشاه توسط ارتش انگلیس در ۱۲۷۳ ق / ۱۸۵۶ م و اشغال نظامی لکهنو به سال ۱۸۵۸ م اتفاق افتاد.^۳

حاکمان، علماء و مردم اوده مجاهدت‌های زیادی را در جهت جلوگیری از تسلط انگلیسی‌ها از خود نشان دادند.

نه تنها که حاکمان که بانوان دربار اوده نیز تمام جهد خویش را مجاهدانه به کار گرفتند تا از به هر شکل چه مذاکرات سیاسی و چه مقاومت در مقابل حمله نظامی از تسلط استعمار بر اوده جلوگیری کنند.

۱ ابواحسنی، علی، موقوفه اود ریشه ها و روند تاریخی، زمانه سال سوم شماره ۲۰ ص ۲۶
۲ سید منظر عباس رضوی، تاریخ سیاسی اوده، سخن تاریخ، شماره ششم پاییز ۸۸ ص ۷۵
۳ ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوٰه، شماره ۸۷، ص ۷۶

در زمان واجدعلی شاه نیز که کمپانی می خواست منطقه اوده را به تصرف خود درآورد، مادر او که ملکه کشور بود، نپذیرفت؛ به همین سبب، هم راه چهل نفر در بیست اگوست به انگلیس رفت و در چهارم جولای سال ۱۸۵۷ با ملکه ویکتوریا جلسه زنانه تشکیل داد در این نشست، هیچ گونه توافقی حاصل نشد و جلسه به روز دیگر موکول شد. هنوز ملکه در انگلستان بود که در کانپور مردم اوده، انگلیسی ها را قتل عام کردند. این کشتار، بر مذاکره بین او و ملکه ویکتوریا اثر منفی گذاشت و گفت گو بدون نتیجه پایان یافت. ملکه در ۲۴ ژانویه سال ۱۸۵۷ در پاریس فوت کرد و دولت فرانسه با تمام عزت و احترام او را در قبرستان مسلمانان دفن نمود و مسجدی نیز نزدیک قبر او بنا کرد.^۱ واجدعلی شاه در کلکته و همسرش در لکهنو بود. وقتی حضرت محل می خواست در نهم جولای سال ۱۸۵۷ پسر خود رمضان علی را بر تخت شاهی نشاند، سپاهیان کمپانی به لکهنو حمله کردند و تمام لکهنو به میدان جنگ تبدیل شد. در میدان سکندر باغ و عالم باغ، بین سپاهیان اوده و کمپانی جنگ در گرفت. در این جنگ ۷۵ نفر کشته شدند. بار دیگر، وقتی در میدان باره دری صف آرایی کردند، استعمار شکست خورد و جنرال نیل در میدان جنگ کشته شد و چند تن از سرداران استعمار دست گیر شدند و آن ها را به حکم حضرت محل به دار کشیدند. قبر آن ها اکنون موجود است. ولی پس از ده ماه، استعمار بار دیگر به لکهنو حمله کرد و در همان میدان که قبلاً شکست خورده بود، بین استعمار و اوده مبارزه شد. در این جنگ حضرت محل خودش می جنگید. اکثر سپاهیان باوفای او کشته شدند. در آخرین لحظات جنگ، استعمار حضرت محل را در میدان جنگ از چهار طرف محاصره کرد. در همان وقت مولانا احمدالله شاه، هم راه دو هزار جان باز، صفوف سپاهیان استعمار را شکست تا به حضرت محل رسید. احمدالله شاه گفت: «شما فرار کنید من مبارزه خواهم کرد.» حضرت محل جواب داد: «من می دانم که در جنگ شکست خوردم و بیشتر وفاداران اوده شهید شدند. با وجود این، یا پیروز خواهم شد یا در جنگ جان می دهم، اما فرار نمی کنم.» مولانا احمدالله او را گرفت و از میدان جنگ بیرون آورد و به طرف نیپال فرار کرد. در آن زمان در نیپال هم راه حضرت محل چهار هزار سرباز موجود بودند.^۲

استعمار نام میدانی را که آخرین مبارزه بین اوده و استعمار در آن به وقوع پیوست، میدان بزرگ ملکه ویکتوریا گذاشت، و در میان آن یک مجسمه بزرگ آهنی ملکه نسب کرد. اما بعد از آزادی هند، جواهر لعل نهرو آن مجسمه را برداشت و به موزه سپرد؛ به جای آن مجسمه حضرت محل را نصب کرد و اسم آن را میدان حضرت محل گذاشت. بعداً مسلمانان هند گفتند که مجسمه زن مسلمان در میدان درست نیست، لذا این مجسمه را برداشتند، اما اسم آن، همان میدان حضرت محل باقی ماند.

۱ منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) تاریخ سیاسی اوده در هند، سخن تاریخ، شماره ششم، ص ۷۶
۲ حیدر رضا ضابط، نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، تابستان ۸۴ ص ۹۷

سلطان العلماء^۱ علیه اشغال نظامی لکهنو فتوا صادر نمود که مسلمانان باید از خود دفاع نمایند و بر حکام عصر طبق حکم شرع، دفع شر کفار از اهل ایمان و اسلام و اجرای حدود بر محاربین مشرک و قصاص خون مسلمانان واجب است.^۲

این فتوای تاریخی سلطان العلماء آغازگر «اولین جنگ آزادی» در سال ۱۸۵۷م علیه ارتش اشغالگر انگلیس شد. در روز ۳۰ ژوئن ارتش مدرن و مجهز انگلستان در محل چنیت در نزدیکی شهر لکهنو به دست مردم این شهر تار و مار شد و روز بعد شهر لکهنو هم از اشغال نظامی انگلستان آزاد گردید و نزدیک به یک سال مردم لکهنو حملات مکرر ارتش انگلیس را دفع کردند. در این مقاومت تاریخی، علمای شیعه لکهنو مستقیماً شرکت داشتند.^۳

ارتش انگلستان با بهره گیری از سربازانی تازه نفس و تجهیزاتی پیشرفته در ماه ژوئن ۱۸۵۸م عملیات گسترده اشغال مجدد شهر لکهنو را آغاز کرد و در روز ۱۹ ژوئن ۱۸۵۸م شهر لکهنو دوباره توسط ارتش انگلیس اشغال گردید. در پی آن تعدادی از مراکز دینی مانند مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و کتابخانه‌ها توسط اشغالگران ویران و حسینیه عظیم آصفیه لکهنو به محل استقرار سربازان انگلیس تبدیل شد.

ارتش اشغالگر انگلیس همچنین خانه‌های فرزندان و اعضای خانواده علامه دلدار علی را در لکهنو ویران کرده، با احداث خیابانی در آن محل، آن را به نام ملکه انگلستان ویکتوریا نامگذاری نمودند. پس از این واقعه، شماری از علمای برجسته از این خانواده به اجبار لکهنو را ترک کرده، به عراق عزیمت نمودند و در شهر مقدس کربلا ماندگار شدند. با این حال، سلطان العلماء در لکهنو ماند و کوشید از آثار دینی شیعیان حفاظت نماید.^۴

فعالیت کمپانی هند شرقی در هند به استثمار اقتصادی، یا دخالت سیاسی و یا حتی جنگ نظامی محدود نشد. کمپانی در دوران تسلط خود بر هند حتی کتابخانه‌های لکهنو را که در زمان سلطنت نواب تأسیس شده بود را نیز از دستبرد خود مصون نگذاشتند و بسیاری از این کتابها چه در دوره نواب چه در دوره سلطه مستقیم کمپانی توسط انگلیسی‌ها به یغما رفت.

دکتر مهدی خواجه پیری در این باره می‌گوید:

اسطان العلماء: آیه‌ا سید محمد نقوی نصیرآبادی (معروف به «سلطان العلماء») برادر بزرگ مرحوم سید العلماء، و رئیس و پیشوای علمای شیعه هند در عصر خویش است که پس از فوت پدر بزرگوارش: آیه‌ا سید دلدار علی (متوفی رجب ۱۲۳۵ ق) «مرجع خاص و عام و استاذ علمائ کرام و ملاذ فقها فخرام» گردید و پرچم ترویج شرع انور و نشر مذهب ائمه اثنی عشر علیهم السلام را با صلابت و جدیت تمام در لکهنو برافراشت. ۷۲ سلطان العلماء (متولد صفر ۱۱۹۹ در لکهنو) در سن ۱۷-۱۸ سالگی به مقام بلند فقاها نایل شد و در ۱۹ سالگی از پدرش مفتخر به دریافت تصدیق اجتهاد گردید (۱۲۱۸ ق)

۲ضابط، حیدر رضا(۱۳۸۴)تقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۹۷

۳همان، ص ۱۰۶

۴همان ص ۱۰۶

«کتابخانه‌های بزرگ اوده و گنجینه‌های پر ارزش ایالت اوده که از بزرگترین و باشکوه‌ترین کتابخانه‌های شبه‌قاره هند در آن دوره به حساب می‌آمد با ضعف شاهان اوده و نفوذ گسترده انگلیس بر این منطقه در اندک زمانی در هم پیچیده شد و کتابها و نسخ نفیس و نادر به یغما رفت و یا در اثر عدم توجه طعمه‌موریانه‌ها شد دو هزاران نسخه به صورت کاغذهای باطله به دکانداران سپرده شد و با بر چیده شدن نظام شاهان اوده کتابخانه‌ها به ویرانه تبدیل شد.»^۱

علل نابودی کتابخانه‌های اوده و متفرق شدن کتابها سوالی است که همیشه پس از این واقعه وجود داشته است و مستشرقین در این باره نظریاتی ابراز داشته‌اند. سرجان استریچی مستشرق معروف تاریخ اوده معتقد بود که پس از خلع واجد علیشاه و تبعید وی به کلکته و سلطه انگلیسی‌ها بر این ایالت کتابها به علت عدم توجه تلف شد.

اما از اسناد و مدارک تاریخی اثبات می‌شود که سالها قبل از واقعه ۱۸۵۷ توطئه‌های زیادی در راه دستیابی به کتابخانه‌های اوده توسط ایادی انگلیس وجود داشته است چه در حقیقت سالها قبل از خلع واجد علیشاه آخرین فرمانروای اوده انگلیسی‌ها تسلط کامل بر سراسر فرمانروایی اوده داشتند و شاهان با قدرت انگلیسی‌ها به قدرت رسیدند. همچنین عزل و نصبها به دست ایشان بود و شاه هیچ گونه اختیاری از خود در امور مملکت نداشت.

در زمانی که لکهنو و شهرهای تابع آن در تب حملات پی در پی انگلیسی‌ها می‌سوخت و شعله‌های اختلاف و نفاق زبانه کشیده بود گروهی منفعت طلب که به تسلط انگلیسی‌ها بر ایالت اوده یقین داشتند و از عمال و سر سپردگان دولت انگلیس بودند خارجیان را در مقاصدشان یاری می‌کردند به امید آنکه پس از تسلط کامل انگلیس بتوانند مقام و موقعیت خود را حفظ کنند.

در اواخر دوران حکومت واجد علیشاه که عملاً تمام امور به دست نمایندگان دولت انگلیس اداره می‌شد گروهی از مستشرقین از طرف نایب السلطنه انگلیس در هند برای بررسی اوضاع مسلمانان و کتابخانه‌ها انتخاب و به لکهنو اعزام شدند.

کتابهای نادر و نفیسی که در معرض دید انگلیسیها بود انتخاب و به انگلستان ارسال گردید و باقیمانده کتابهای نفیس تا سال ۱۸۷۵ م از هند خارج گردید، اما آنچه از دستبرد حوادث ایام و یغماگری انگلیسی‌ها باقی ماند کتابخانه‌های شخصیت‌های علمی و بزرگانی بود که با انگلیس و سلطه آنان بر هند مخالف بودند و در ایامی که باقیمانده کتابهای کتابخانه‌های سلاطین کیلویی در کنار معابر به فروش می‌رسید، با فروش وسایل زندگی خود حتی زیورآلات زنانه بسیاری از کتب را از خطر نابودی نجات دادند.

مظالم بریتانیا در هند (و از آن جمله در منطقه اوده) به حدی زننده و چشمگیر است که حتی افرادی از خود انگلیسی‌ها را نیز به انتقاد واداشته و آن‌ها را وادار ساخته است که در اعتراض به رفتار

۱ خواجه پیری، مهدی (۱۳۶۷) کتابخانه‌های لکهنو، مشکوه، شماره ۱۸ و ۱۹ ص ۱۸۷

زشت هموطنان مستعمره‌چی خود در جهان اسلام کتابی با عنوان «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» بنویسند و جنایات بیشمار انگلیسی‌ها در ایالت اوده را به باد اعتراض بگیرند.^۱

شرایط دینی دوره میر حامد حسین در اوده

لکهنو در دوره میر حامد حسین به لحاظ مذهبی از برخی جهات خاص محسوب می‌شود. از یک حیث لکهنو بخشی از هند است و هند نیز مرکز وجود مکاتب فکری عقیدتی مختلف و فعالیت دینی و مذهبی این مکاتب حتی در دوره حاکمیت یک حکومت شیعی نیز امری عجیب نمی‌نماید. اما آنچه این دوره را تا حدودی از سایر دوره‌ها متمایز می‌کند این مسئله است که بیشتر گرایشهای فکری موجود در این دوره اعم از شیعه، اهل سنت، صوفیه، سلفیه، دیوبندیه، هندوها و... از نظر فعالیت‌های دینی و تبلیغی در اوج قرار دارند^۲ و تضارب آرا و افکار در اشکال مختلف خود به بالاترین سطح خود رسیده است. چراکه هر مذهبی که در دفاع از مبانی خود لحظه‌ای تعلل نشان دهد در چنین شرایطی محکوم به فنا و یا حد اقل انزواست.

جالب اینجاست که حتی در بین خود شیعیان نیز در این دوره نزاع فکری میان علمای اصولی و علمای اخباری به شکلی جدی مطرح است.

از بعدی دیگر حکومت شیعه مسلک اوده در عین حال که از تبلیغ تشیع به شکلی گسترده حمایت می‌کرد اما باید چنین جامعه‌ای را نیز مدیریت می‌کرد و از بروز انقلابات و اعتراضات تا حد امکان جلوگیری می‌کرد.

شیعیان در این دوره از آرامشی نسبی برخوردار شده بودند و تقویت رابطه دین و دولت باعث شده بود که علمای شیعه به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ارکان دینی عرصه‌هایی را تجربه کنند که تا پیش از این در هند مسبوق به سابقه نبود. نهاد های مختلف اجتماعی شیعی در این دوره تأسیس و تقویت شد. اگرچه به دلیل پررنگ‌تر شدن عنصر دین در حکومت و عرصه‌های مختلف اجتماعی و تأثیر آن بر سایر شئون زندگی مردم برخی حکومت اوده را در این دوره دارای نشانه‌های قومی گرایانه می‌دانند، اما فعالیت بسیار زیاد جریانهای غیر شیعی و نوشتن کتاب‌های بی‌شمار در این دوره در رد بر تشیع، پذیرش این نظر را منوط به بررسی‌های دقیق‌تر می‌کند.

هر کدام از این مسائل آثاری را در پی داشت که مختصراً به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

جایگاه شیعه پیش از دولت اوده

ابوالحسنی منذر، علی (۱۳۸۳) موقوفه اوده، ریشه و روند تاریخی، زمانه، سال سوم، شماره ۲۰، ص ۲۶
آخوان کل (۱۴۱۵هـ) الشیعه و الاخرون، الموسم، شماره ۲۰، قسمت نهم، ص ۶۳

قبل از مغول در هند، کسی نمی توانست اظهار کند که شیعه است و اظهار تشیع به قتل او می انجامید. در تاریخ آمده است که در زمان فیروزشاهی، رافضی ها و کتاب های آن ها پیدا شد. کتاب ها را در خیابان آتش زدند و رافضیان را به قتل رساندند.

در زمان حکومت اوده، نخستین بار تشیع گسترش یافت و تشیع در شمال هند به عنوان یک مذهب شناخته شد؛ در حالی که قبل از این حکومت، در این منطقه هیچ مسجد، مدرسه، حسینیه و عالم برجسته ای از شیعیان وجود نداشت.^۱

چنانچه بخواهیم از منظر دینی به اوده قرن هجدهم نگاهی بیندازیم این نکته بسیار مشهود به نظر می رسد که اوده قرن هجدهم از لحاظ مذهبی شرایطی را تجربه کرده که تا پیش از آن سابقه نداشت.

علمای شیعه هند به عنوان مهم ترین و تأثیر گذار ترین ارکان دینی در این دوره عرصه های جدیدی را تجربه کرد که تا پیش از این برخورداردی با آن ها نداشت. از تقویت رابطه دین و دولت گرفته تا شدت گرفتن تنشهای فکری درون مذهبی شیعیان و مخالفتهای اهل سنت، صوفی ها و هندوهای مقیم با شیعیان و.... همه از خصوصیات خاص این دوره است.

هر کدام از این تجربه های جدید آثاری را در پی داشت که در ادامه مختصراً به آنها پرداخته می شود.

ادیان و مذاهب هند در دوره میر حامد حسین شیعیان

درباره نحوه ورود تشیع به شمال هند پیش تر توضیح داده شد. اما آنچه ذکر آن مهم به نظر می رسد این است که در قرن نوزدهم میلادی علیرغم هجوم های فکری که به شیعیان می شد، تحت تأثیر عوامل متعدد میزان گرایش مردم به تشیع تا حدی بود که علمای سایر مذاهب اسلامی را برای مقابله با چنین پدیده ای به تکاپو انداخته بود.

با تبلیغات گسترده ایرانیان مهاجر در اوده تعدادی از مسلمانان اهل سنت و هندوها مذهب تشیع را برگزیدند که باعث افزایش شمار شیعیان در این منطقه گردید.^۲ به این موضوع شاه عبد العزیز دهلوی به صراحت در کتابی که در رد بر شیعه تألیف نمود، اشاره دارد:

۱ منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) *تاریخ سیاسی اوده در هند*، سخن تاریخ، شماره ششم، ص ۴۹ - ۸۱

۲ ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) *نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند*، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۹۷-۱۱۰

او در مقدمه کتاب تحفه اثناعشریه می‌نویسد: «عرض از تسوید این رساله و تحریر این مقاله آنست که... رواج مذهب اثناعشریه و شیوع آن بحدی اتفاق افتاد که کمتر خانه باشد که یک یا دو کس از این خانه به این مذهب متمذهب نباشند و راغب باین عقیده نشوند»^۱

به طور کلی چند عامل می‌توان را به‌عنوان دلیل گرایش مردم به مذهب تشیع در این دوره بیان کرد:

- ۱- مهاجرت علمای شیعه از ایران به هند و علی‌الخصوص نواحی شمالی آن
- ۲- حضور شاعران ایرانی و شیعه مسلک در شرایطی که علاقه به شعر و شعر خوانی در مردم موج می‌زد
- ۳- فعالیت صوفیان و نقش آن‌ها در گرایش مردم به سمت محبت اهل بیت
- ۴- رواج عزاداری برای سالار شهیدان به طوری که از همه گرایش‌های فکری در آن شرکت می‌کردند

زمینه سازی دولت اوده برای تبلیغ هر چه بیشتر تشیع و استفاده علمای شیعه از فضای آرام ایجاد شده تا حدود زیادی به پیشرفت تشیع انجامید و باعث شد شیعه به لحاظ تمدنی پیشرفت بسیار چشمگیری داشته باشد و نهادهای اجتماعی قدرتمندی را تأسیس کند که بی سابقه محسوب می‌شد. اما همان‌طور که گفته شد، هجمات بسیاری به تشیع صورت گرفت که این هجمه‌ها با شیب نزولی ثبات و قدرت نواب، به اوج رسید و چنانچه علمای دین نقش آفرینی نمی‌کردند، اساس تشیع در خطر می‌افتاد.

نهادهای مذهبی شیعی

همان‌طور که قبلاً هم به آن اشاره شد تشکیل حکومت شیعه در اوده باعث شد که شرایطی از نظر دینی پیش بیاید که عده‌ای آن را نشانه‌های قومی‌گرایی در اوده بدانند. چراکه در قرن هجدهم میلادی در اوده علی‌الخصوص در دهه چهلیم، علمای شیعه علی‌الخصوص علمای اصولی نفوذی قابل توجه در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی پیدا کردند و نهادهای شیعی نیز رشد چشمگیری داشتند و این اتفاقات دینی آثاری داشت که در ادامه تا حدودی به آن‌ها پرداخته خواهد شد. از جمله مهم‌ترین این نهادها که در حوزه سیاسی اجتماعی آثار چشمگیری داشت می‌توان موارد ذیل را نام برد:

نماز جمعه

اقامه نماز جمعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر حکومت دینی به شمار می‌رفت که تا آن دوران بی سابقه بود و تبعاتی داشت.

اقامه نماز جمعه اولین قدمی بود که علما و اشراف شیعه در اوده برای بنا نمودن نهاد رسمی برداشتند. درحالی‌که این قدم باعث بروز اختلافات در آن زمان شد چراکه مخالف میراث شیعی در

۱دهلوی، شاه عبد العزیز، تحفه اثنی عشریه، دهلی: کتابخانه اشاعت اسلامص ۴

شمال هند بود. اخباریون شمال هند برگزاری چنین مراسمی را غصب مقام امام دوازدهم می‌دانستند و در زمان غیبت امام معصوم جایز نمی‌شمردند. ولی افزایش تعداد علمای اصولی و نفوذ زیاد آن‌ها مسئله مهمی بود.

بازگشت علامه سید دلدار علی نقوی و نشر تفکرات اصولی تأثیر بسیار زیادی در تایید نهاد های جدید التاسیس شیعه علی‌الخصوص نمازهای جمعه داشت و تا حدودی باعث بروز اختلافات در جامعه شیعه شد.

در ابتدای سال ۱۷۸۰ و پس از آن بعد از رجوع ناصرآبادی از عراق در جامعه شیعیان اختلافی جدید رخ داد. علمای اصولی که در خارج از هند زندگی می‌کردند علاقه داشتند که در شمال هند نماز جمعه شیعیان برگزار شود درحالی‌که شیعیان هندی که پیرو مکتب اخباری بودند در مقابل این نظر مقاومت می‌کردند.

و تعداد زیادی از اخباری‌های هندی بر اساس اعتقادی که داشتند با برگزاری نماز جمعه مخالف بودند و عده دیگری نیز معتقد بودند که این حرکات منجر به سنی‌گری می‌شود.

تأسیس محاکم شیعی در اوده

محکمه قضایی

در دوره زمامداری امجد علی شاه، سلطان محکمه قضایی با عنوان «مرافعه الشریعه» تأسیس نمود تا امور قضایی مطابق فقه و قوانین اسلامی حلّ و فصل گردد. سلطان العلماء، علمای برجسته شیعی و سنی را به‌عنوان قضات در سراسر قلمرو سلطنت منصوب نمود. وی همچنین زکات اموال شاه را محاسبه، دریافت و در امور مختلف هزینه می‌کرد.

در عصر فرمان‌روایی امجد علی شاه، قوانین شیعی اوده جانشین قوانین حنفی در محاکم شرع گردید.

علمای اصولی اوده علیرغم آنچه از مراکز قدرت و ثروت در اختیارشان بود اما به تسلط بر مناصب قضاوت نیاز داشتند و تأثیر حکومت مغولان بر اوده وجود داشت. حتی زمانی که نیشابوریان پادشاهی خود را اعلام کردند نحوه اداره امور اوده به روش مغولان بود و منصب قضاوت در دست سنیان حنفی بود و همان‌طور که گفتیم سادات علی خان در عقد اول قرن نوزده پیشنهاد داد که قضاوت در اوده بنا بر احکام شیعه باشد که این پیشنهاد توسط علمای اصولی شیعه رد شد.

و اولین کسی که قدم در چنین مسیری گذاشت مفتی سید محمدقلی کنتوری بود که بعد از اینکه منصبی در محکمه بریتانیایی در میروت داشت در سال ۱۸۴۱ به لاکنو بازگشت و کتابی نوشت که در آن از این موضوع بحث کرد و به اصرار از پادشاه خواست که نظامی شیعی برای شریعت تأسیس کند و کتاب را در سال ۱۸۴۳ منتشر کرد.

وی در آن کتاب اظهار داشت پادشاه نباید اجازه دهد که کسی غیر شیعه به منصب قضاوت دست یابد و پادشاه را توصیه کرد که اینگونه مناصب را به غیر از امامی مذهب‌ان نسپارد. او فرق بین

قاضی و مفتی را روشن ساخت و بر اصرارش مبنی بر نصب مجتهدین بر هر دو منصب پافشاری کرد.^۱

اما عوام الشیعه در دوره طولانی به قضاوت زعیمان مجتهد برای حل و فصل منازعات سر سپرده بودند. امجد علی شاه نظامی غیر رسمی را نظم داد که در مسیر تأسیس محاکم شیعه بود. سید محمدحسین ناصرآبادی را تعیین کرد و این برای ریاست دادن به محکمه ای بود که به کلیه شئون شرعی محاکم اسلامی نظارت داشته باشد و سید محمد نیز پسر بزرگش را تعیین کرد و اعلام کرد که سید محمد منصف الدوله متوفی ۱۸۵۹ قاضی اول دیوان مدنی و جنایی در لکهنو است و مستشارهای قضایی فرنگی را در منصبی فرعی به کار گماشت و سید محمد مبلغ ۵۰۰ روپیه درماه مانند حقوق رسمی دریافت می کرد.

حوزه‌های علمیه اصولی شیعی

سومین نهاد مهم و قابل توجه حوزه‌های علمیه شیعه علی‌الخصوص در مسلک فکری اصولی و ضد اخباری بود. اگرچه که نواب اوده در احداث و حمایت از مدارس علمیه شیعه نقش مهمی داشتند اما تا پیش از علامه سید دلدار علی بحثی از تفکرات اصولی در هند مطرح نبود و علمای شیعه هند اخباری مسلک بودند. رشد تفکر اجتهادی و اصولی در هند به واقع مدیون تلاشهای علامه سید دلدار علی نقوی است. علامه سید دلدار علی به‌عنوان اولین مجتهد اصولی در هند پس از مسافرت به نجف، کربلا، سامرا، قم و مشهد و استفاده از محضر اساتیدی چون وحید بهبهانی به نصیر آباد بازگشت و درس اصول فقه را گسترش داد. افراد زیادی درس ایشان حاضر می شدند و به تعلم فقه و اصول شیعه می پرداختند.

در اوایل قرن نوزدهم حلقات درس اصولیین در خانه‌ها تشکیل می شد که حاصل آن تربیت مجتهدین اصولی به حد کفایت بود. علمای شیعه می توانستند از فرصتی که به سبب بسط ید آن‌ها در حکومت اوده پیش آمده بود استفاده کنند و موسسه های دینی رسمی تأسیس کنند. علمای بزرگی در مدارس علمیه رسمی شروع به تدریس نمودند که برای مثال می توان به سید محمد عباس شوشتری اشاره نمود. در عصر امجد علیشاه کمک زیادی به حوزه‌های اصولی شیعه شد و وجوهات بسیاری در اختیار مرجعیت شیعه قرار گرفت. طلاب زیادی در این مدرسه ها تربیت یافتند که همین امر باعث رشد و قدرت گرفتن حوزه‌های اصولی شیعی شد.^۲

اهل سنت

اهل سنتی که در لکهنو زندگی می کردند غالباً حنفی مسلک بودند و حتی در دوره حکومت اوده نیز نسبت به دیگر ادیان و نحل از نفوذ خوبی برخوردار بودند تا جایی که تا زمان امجد علی شاه در محاکم اوده بر اساس فقه حنفی قضاوت صورت می گرفت.

۱خوان کل (۱۴۱۵ه) الملكية الدینیة و البنیة الشیعیة، الموسم، شماره ۲۰، قسمت هشتم، ص ۵۶
همان ص ۵۲

نه تنها لکهنو و اوده بلکه تمامی شبه‌قاره در زمان علامه میر حامد حسین شاهد قدرت نمایی فکری عالم بسیار مهم اهل سنت به نام شاه ولی الله دهلوی - پدر شاه عبد العزیز - و فعالیت بسیار زیاد شاگردان و هواداران وی بود که ردیه های بسیاری بر شیعه نوشتند. شاه ولی الله از احفاد خلیفه دوم بود و فردی بسیار متعصب و ضد شیعه بود و نظرات بسیار تند و خصمانه ای نسبت به اهل بیت نیز داشته است و اهل سنت علی‌الخصوص حنفی ها را نیز در این فعالیت ضد شیعه تحریک می‌کرده است. اهمیت شاه ولی الله و ترویج تفکرات وی در هند قرن هجدهم و نوزدهم را می‌توان در کتابهایی که در تجلیل از مقام علمی وی در هند تألیف و منتشر شده است دریافت. شاه ولی الله در علوم دینی و فقهی حنفی و سایر فرق اهل سنت دارای تبحر و وجاهت علمی خاصی بوده است. تا جایی که نه تنها صوفیها وی را سرسلسله خود می‌دانند بلکه سلفیها که شدیداً با صوفیه تخاصم دارند برای شاه ولی الله احترام خاصی قائل بودند. درباره اهمیت جایگاه وی در میان اهل سنت افراد مختلف نظرات مختلفی داده‌اند. از جمله:

حضرت شاه ولی الله بیک وقت مفسر بهی تهی اور محدث بهی فقیه بهی تهی اور مجتهد بهی متکلم بهی تهی اور صوفی بهی انهون نی اصول و عقاید علم منطق علم معانی علم هندسه و حساب اور علم هیئت کا بنظر غائر مطالعه کیاتها درس و تدریس اور اپنی جلیل القدر تصانیف سی انهون نی هندوستان مین علوم و معارف کی دریا بها دیی.

ان کی علمی فیاضیون اور عظمت و جلالت کی باعث دور دراز کی ممالک سی شائقین علوم و معارف ان کی حلقه درس مین شامل هوکر علمی برکتین سمینی کی بی آتی بهال تک که علوم و سنت کی دریا سی بی شمار نهرین کت کت کر هندوستان کی گوشگی گوشگی کو سیراب کرنی لگین.^۱ شاه ولی الله هم مفسر و هم محدث، هم فقیه و هم مجتهد و متکلم و صوفی بود. وی در اصول و عقاید و در علوم گونا گوناگون مثل معانی، هندسه، حساب و هیئت مطالعه وسیع داشت. او با درس و تدریس و تصانیف جلیل القدر خودش در هند دریای علوم را جاری نمود. به خاطر علم و عظمت و جلالت ایشان طلاب از کشور های دور برای شرکت درس ایشان به هند می آمدند. سپس این شاگردها در اطراف هند با تدریس خود دریاهای علم را جاری می کردند.

تا جایی که شبلی نعمانی درباره وی گفته است:

ابن تیمیه اور ابن رشد کی بعد بلکه خود انهی کی زمانی مین مسلمانون مین جو علمی تنزل شروع هوا اس کی لحاظ سی به امید نهین رهی تهی که پهر کوئی صاحب دل و دماغ پیدا هوگا لیکن قدرت کو اپنی نیر نیگون کاتماشا دکهلانا تھا که اخیر زمانی مین جب که اسلام کانفس باز

۱ دکتر ثریا دار (۲۰۰۹ م) شاه عبد العزیز محدث دهلوی، لاهور: قاضی جاوید اداره ثقافت اسلامیہ ص ۱۱

پسین تنها شاه ولی الله جیسا شخص پیدا هوا جس کی نکتہ سبخیون کی آگی غزالی رازی اور ابن رشد کی کارنامی بھی ماند پرگئی^۱.

بعد از ابن تیمیه و ابن رشد حتی در زمان خودشان در بین مسلمانها تنزل علمی به وجود آمد. از این جهت امیدی دیگر نمانده بود که کسی صاحب دل و دانا پیدا شود. قدرت می خواست کارهای را این گونه جلوه دهد که در زمان اخیر شخصیتی مثل شاه ولی الله به دنیا آمد که دانای غزالی، رازی و ابن رشد نزد دانای و تیزهوشی او چیزی نبود.

شاه ولی الله علاوه بر جایگاه علمی در بین علما نفوذ بسیار خوبی نیز در لایه های مختلف اجتماعی احناف داشته است. درباره وی گفته اند:

ان الشیخ ولی الله مثله کمثل شجرة طوبی اصلها فی بینه و فرعها فی کل بیوت من بیوت المسلمین فما من بیت و لا مکان من بیوت المسلمین و امکتهم الا و فیه فرع من تلک الشجرة لا یعرف غالب الناس این اصلها...^۲

شاه ولی الله همانند درخت طوبی است که اصل آن در خانه اش و شاخه های آن در کل خانه های مسلمین موجود است. هیچ خانه ای و هیچ جایی از اماکن اسلامی نیست مگر اینکه شاخه ای از آن موجود است و غالب مردم نیز نمی دانند که اصل آن در کجاست.

دیوبندیها یکی از جریانهای فکری صوفی هندی بودند که در این دوران بسیار فعال بودند. دیوبند شهری از توابع سهارنپور در نود مایلی شمال شرقی دهلی از توابع اوتار پرادش است که به سبب تأسیس مدرسه ای دینی در آن شهرت جهانی پیدا کرد.

چراکه مولانا محمد قاسم نانوتوی در همین دوره در شهر زندگی می کرد. وی بنیان گذار مرکز علوم اسلامی دیوبند است.

هندوها

بخش دیگری از ساکنان اوده را هندوها تشکیل می دادند. جمعیت قابل توجهی از هندوها در اوده زندگی می کردند. تا جایی که خوان کل جمعیت هندوهای اود را در دهه پنجم قرن نوزده حدود ده میلیون نفر می داند که تقریباً ۸۷٪ جمعیت اود را تشکیل می دادند و سایر هندوها نیز به اوده رفت و آمد داشتند. چراکه شهر مقدس هندوها یعنی بنارس در اوده قرار داشت و اوده از اهمیت ویژه ای برای آنان برخوردار بود. از آنجایی که علمای اسلامی هندوها را در زمره مشرکین به حساب می آورند، مسئله تعاملات فرهنگی اجتماعی مسلمانان اعم از شیعه و سنی با هندوان از ازدواج گرفته تا معاملات تجاری و... از مسایل حاشیه ساز در جامعه اوده بود. دایره این مسائل ممکن بود حتی تا حوزه حلیت یا حرمت نذورات هندوها در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام نیز کشیده شود. مضافاً اینکه به دلیل جمعیت زیاد هندوها در اوده و ارتباطات آنها با شیعیان، بیم این می رفت که در زندگی آنها

۱۲ همان

۲۷ همان

مظاهری از مناسک هندو رسوخ کند که البته این مسئله موجب انتقاد برخی شخصیتها به تشیع نیز شد.^۱ برخی علمای شیعه از جمله سید دلدار علی نقوی و مفتی محمدقلی کتوری در این رابطه اظهار ناراحتی می کردند و اعلام کردند که هندوها غیر طاهر محسوب می شوند. علامه سید دلدار علی تاکید داشت بر اینکه حکومت باید سیاستهایی مخالف با مشرکین داشته باشد و علامه محمدقلی نیز کتابی با عنوان "تظهير المومنين عن النجاسة المشركين" نوشت.

اما هندوها نیز به شرایط موجود در اوده، یعنی مسلمانان و آنچه تبعیض پادشاهان شیعه می نامیدند، انتقاد و اعتراض داشتند و گاهی نیز این اعتراضات رنگ خشونت و کشتار به خود گرفت. از جمله این موارد می توان به موضوع معبد فایزآباد اشاره نمود که موجب بروز درگیری و خونریزی میان اهل سنت و هندوها شد.

صوفی ها

از جمله جریانات فکری که در هند قرن هجدهم علی الخصوص در اوده فعالیت بسیاری داشتند، صوفی ها بودند. صوفی ها به دلیل اینکه نحوه زندگی ساده ای داشتند و با مردم به زبان خودشان صحبت می کردند، مورد توجه مردم بودند و عده زیادی به آن ها گرایش داشتند.^۲ صوفی هایی که در اوده زندگی می کردند، دارای گرایشات متفاوتی بودند. همان طور که اشاره شد، برخی طریقت ها و شخصیت های صوفی خود را منتسب به شاه ولی الله و شاه عبد العزیز دهلوی می دانستند و این در حالی بود که میزان مخالفت شاه ولی الله و فرزندش با تشیع بر همگان روشن بود. افراد شاخصی نیز از میان شاگردان آن ها برخاستند که جایگاه قابل توجهی در بین مردم داشتند. یکی از چهره های برجسته صوفی و سنی که در این دوره ظهور کرد، سید احمد بریلوی بود که از شاگردان شاه عبد العزیز دهلوی و عبدالقادر دهلوی به شمار می رفت. سید احمد با انگلیسی ها و سیک ها مبارزه می کرد و بازگرداندن حکومت اسلامی و اجرای نظام شریعت در هند، هدف اصلی او بود و پیروانی نیز داشت. وی با مظاهر فکر شیعی از جمله تفضیل علی بن ابیطالب بر سایر خلفا و تکریم امام حسین علیه السلام بیش از صحابه پیامبر مقابله می کرد.^۳

اما در عین حال صوفیهایی نیز بودند که نقش زیادی در ترویج تفکر شیعی در اوده داشتند. صوفیان چشتیه معتقد بودند که چشتیه فرقه های است که در شب معراج به پیامبر اکرم هدیه داده شد و بعداً به حضرت علی (علیه السلام) منتقل گشت و درخواست سه خلیفه که آرزوی استفاده از آن را داشتند، طبق دستور الهی رد شد و یا اینکه. در خطبه های شیخ نظام الدین اولیا، شیخ نصیرالدین چراغ دهلوی (متوفی ۷۵۷ ق) و خواجه بندهنواز گیسودراز، آمده است که حضرت علی (علیه السلام) در

۱خوان کل (۱۴۱۴ه) تکوین الدولة الشیعیة فی اوده و العلماء، الموسم، شماره ۱۹، قسمت دوم، ص ۶۴
۲منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۹) نقش شاعران و صوفیان در گسترش تشیع در اوده، سخنان تاریخ، شماره نهم، ص ۷۶

۳خوان کل (۱۴۱۵ه) الشیعه و الاخرون، الموسم، شماره ۲۰، قسمت نهم، ص ۷۳

عظمت روحی، جوانمردی و علم، بر سه خلیفه اول برتری داشت. شیخ اولیا مانند شیعه، حدیث مربوط به آیه تطهیر را نقل میکند. شیخ نصیرالدین نیز عقیده دارد که آیه و "یطمعون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمان و اسیراً" به خاطر از خودگذشتگی حضرات پنج تن پاک (علیه السلام) نازل شده است. به اعتقاد خواجه بنده نواز گیسودراز، بیعت حضرت علی (علیه السلام) با ابوبکر اجباری بود.^۱

سطح پایین سواد عموم شیعیان اوده و تغییر نگرش و حتی مناسک آن‌ها بر اثر اختلاط با ادیان و مذاهب دیگر همواره باعث نگرانی علمای شیعه بود. این نگرانی در مورد رواج تفکرات صوفی نیز در میان مسلمانان صادق بود. علیرغم اینکه صوفی‌ها به دلیل ارادتی که نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله داشتند و تبلیغات زیادی که می‌کردند، از تعصب مذهبی غیر شیعیان می‌کاستند، لکن فعالیت آن‌ها به حدی بود که مفتی محمدقلی در کتاب فتوحات حیدریه افعال آن‌ها از جمله موسیقی، رقص و قبر پرستی رهبران را به شدت رد کرد.^۲

شرایط فرهنگی اجتماعی دوره میر حامد حسین

بررسی برخی مسائل فرهنگی اجتماعی مانند توجه به علم، فرهنگ و ادب، معماری و یا مسائلی مانند رفاه آحاد جامعه و عمران و آبادانی و... نشان می‌دهد که در قرون نوزدهم و بیستم علیرغم همه ضعف‌های موجود و انتقاداتی که عده‌ای سابقاً و حالیا به شرایط فرهنگی اجتماعی آن دوره داشته و دارند، اوده از شرایط نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده است.

شاهان اوده نه تنها در مسائل مختلفی مانند عمران و آبادانی، معماری، علم، فرهنگ، ادب و هنر سیاست‌های حمایتی در پیش گرفتند، بلکه در مواردی اهتمام شخص شاه به فعالیت‌های ادبی و هنری باعث شد که اهمیت اینگونه مسائل نزد نواب برای سایرین نیز روشن شود.

درباره وضعیت فرهنگی اجتماعی اوده علی‌الخصوص وضعیت رفاهی این دوره نوشته اند که با اعتبار نعیم بذل و احسان و تخصیص فراوانی، ذخایر زر و گوهر نمایان و تکلفات استعمال لباس‌های پاکیزه و موزون و تصرفات در ترکیبات اطعمه لذیذه، لطافت مشحون از ملک سبز و سبا بخاست، به اعتبار جمعیت ارباب فضل و کرم و مجمع دانش مندان و جلائل صناعت بر یونان تفوق می‌جست.^۳

در مورد فرهنگ دوستی شاهان اوده مطالب مختلفی در کتب و مقالات متعدد نوشته شده است. حتی در این باره کتابهایی نیز به صورت مستقل نوشته شده است که مستقلاً از میزان علاقه برخی

۱منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۹) نقش شاعران و صوفیان در گسترش تشیع در اوده، سخن تاریخ، شماره نهم، ص ۸۴

۲ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۸

۳منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) تاریخ سیاسی اوده در هند، سخن تاریخ، شماره ششم، ص ۷۵

نواب اوده به فرهنگ و ادب حکایت دارد برای مثال می‌توان به کتاب «واجد علی‌شاه کی ادبی اور ثقافتی کلمات»^۱ اشاره کرد که در آن مطالبی در باب علاقه واجد علی‌شاه - از نواب هم عصر علامه میر حامد حسین - به هنر و ادب آمده است. مؤلف کتاب نقل می‌کند که خود واجد علی‌شاه آن‌چنان به ادبیات علاقه مند بود که گاهی شعر نیز می‌سرود.

همانطور که پیشتر نیز گفته شد شاعرانی چون میرانیس شاعر برجسته که فضایل و مناقب اهل بیت (علیه‌السلام) را به وسیله شعر به مردم می‌رساند، مورد احترام شاهان اوده بود. نواب اوده علاقه زیادی به فرهنگ ادب و معماری از خود نشان میدادند و بناهای اسلامی زیادی نظیر حسینیه‌ها و امام باره‌ها ساخته شد.

تعظیم شعائر علی‌الخصوص عزاداری محرم در بین مردم اعم از شیعه و سنی و غیر مسلمان افزایش یافته بود

شیعه و غیر شیعه در کنار هم زندگی می‌کردند و تضارب آرای علمی و تألیف کتاب بین شیعه و سنی وجود داشت

. در آن زمان شعر گفتن هنر بود. هر کس شعر می‌گفت، مورد احترام قرار می‌گرفت. شعر گفتن این قدر عام بود که هر کوچک و بزرگی شعر می‌گفت و می‌خواند

شعر گفتن در زمان دولت اوده هنر بود و اشعار، بهترین وسیله برای تبلیغ اسلام و تشیع و گسترش فرهنگ کربلا به‌شمار می‌رفت. وقتی در هند مجالس عزای امام حسین (علیه‌السلام) برپا شد، مرثیه‌خوانی آغاز گردید. در آن زمان خطیب مثل امروز وجود نداشت بلکه شاعران واقعیات، احادیث و روایات را به وسیله اشعار بیان می‌کردند و مردم می‌شنیدند.

اما از جمله نکاتی که می‌توان به‌عنوان ویژگی منفی اجتماعی لکهنو در این دوره به آن اشاره کرد، شریعت‌گریزی و عامه‌گرایی مفرط در سبک دینداری بسیاری از مردم لکهنو و افول اخلاق‌گرایی بود که این مسئله خود باعث انتقاد برخی علمای شیعه به جامعه دینی لکهنو بود.^۲

البته شرایط اجتماعی ایده آل لکهنو با شروع زوال حکومت نواب رو به افول بود. آقای صدر الافاضل در مطلع الانوار درباره اوضاع اجتماعی سالهای پایانی حکومت نواب و عصر میر حامد حسین می‌نویسد:

حکومت اوده در حال زوال و کشور دچار مشکلات بود، اغتشاشات سیاسی و فکری فضای کارهای علمی را به تباهی کشیده بود. اقتدار و قدرت شیعه از بین رفت. لکهنو آماجگاه طوفان بود.

۱ کوکب قدر سجاد علی میرزا (۱۹۹۵) واجد علی‌شاه کی ادبی اور ثقافتی خدمات، نیو دهلی: ترقی اردو بیورو

۲ تاج الدینی، ژاله (۱۳۸۹) دیدگاه‌های آقا احمد بهبهانی درباره تشیع در هند، پیام بهارستان، شماره ۷

زیر دستان صاحب قدرت شده بودند. سازمانها از هم گسیخته بود. حمله های سیاسی و مذهبی بر شیعیان شدیدتر شده بود. علما پراکنده شدند. کتابخانه ها از بین رفتند. آرامش وجود نداشت.^۱

جایگاه دینی علامه میر حامد حسین

در میان علمای یک مذهب، آن دسته از علمایی که با سلاح منطق و استدلال به پاسخگویی به هجمه مخالفین می پردازند، حق زیادی بر ذمه پیروان آن مذهب دارند. چراکه زنده مانده یک مکتب فکری مروهون مجاهدت های این بزرگواران است. استاد حکیمی در این رابطه می نویسد:

اهمیت هر دین و مرام به محتوای عقلی و علمی آن است. به سخن دیگر مهم ترین بخش از یک عقیده بخش اجتهادی آن است نه بخش تقلیدی. چون این یک بخش است که هویت اعتقادی و شخصیت دینی فرد را می سازد. آنچه این شخصیت را پدید می آورد، بخشی است که انسان با تشخیص و اجتهاد خود آن را می یابد و یقین می کند و معتقد می شود و چه بسیار اتفاق می افتد که در راه همین یقین و باور جان خود را نثار می کند. این است جوهر اصلی و مضمون نهادی دین. بنا بر این کوشندگانی که با پیگیریهای علمی و پژوهشهای بیکران خویش، مبانی اعتقادی را توضیح می دهند و حجم دلایل و مستندات دین را بالا می برند و بر توان استدلالی و نیروی برهانی دین می افزایند، و نقاط نیازمند به استناد و بیان را مطرح می سازند و روشن می کنند، اینان در واقع هویت استوار دین را می شناسانند و جاذبه منطق مستقل آیین حق را نیرو می بخشند.^۲

علامه میر حامد حسین زمانی به این امر بسیار مهم همت گماشت که با مشکلات بسیار زیادی دست و پنجه نرم می کرد. علیرغم همه نکات مثبتی که درباره دوره حکومت نواب در اوده ذکر شد و موقعیت هایی که برای بسط تشیع به وجود آمد، اما تشیع آماج حملات فکری بسیار شدیدی بود و به صورت روزافزون این حملات افزایش پیدا می کرد. غارت و هرج و مرج نیز به جامعه اوده راه پیدا کرده بود و حتی کتابخانه خود علامه نیز دستخوش غارت شده بود. علاوه بر همه اینها خود علامه نیز از بیماری رنج می برد و رنج مداوم و مصائبی که برای تهیه کتب مورد نیاز خود تحمل می کرد پایانی نداشت. اما علامه مجاهد و نستوه آن چنان به رسالت خود جامه عمل پوشاند که اعجاب همگان را بر انگیخت. مجاهدت علامه در دفاع از مکتب اهل بیت آن چنان بود که علمای بسیاری از بلاد مختلف اسلامی نامه هایی را به نشانه تشکر به لکهنو فرستادند. نامه های بسیاری که در اسناد خاندان عبقات گرد آوری شده است.^۳ بخشی از این نامه ها تقریظاتی بود که بر کتب علامه نظیر عبقات الانوار نوشته می شد. تعدادی از این نامه ها و تقریظات در فصول بعدی ذکر خواهد شد. اما

۱ صدر الافاضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴) مطلع الانوار، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ص ۱۷۹

۲ حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ما ص ۱۵۶

۳ حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۹۲ش) اسناد صاحب عبقات، قم: مجمع ذخائر اسلامی مقدمه

جایگاه علمی و دینی علامه از منظر علمای و فقهای مهم تشیع در همان دوره و دوره های بعد به خوبی مشخص است.

نه تنها تقریظات و توصیفات علمای تشیع که علمای اهل سنت نیز نتوانستند جایگاه والای ایشان را در علوم شرعی و اسلامی انکار کنند و به حق علامه بزرگوار بزرگ مرزبان حریم تشیع بوده و آثارش نیز حجت کبرای حقانیت اهل بیتند. آثاری که مخالفین از پاسخگویی به آن در مانده شده و نتوانسته اند پاسخی در طراز علمی کتب علامه ارائه دهند.

جایگاه اجتماعی سیاسی علامه میر حامد حسین

همان طور که گفته شد در دوره پادشاهی نواب اوده، علمای شیعه علی‌الخصوص علمای اصولی فعالیت بسیار زیادی داشتند و نواب نیز شرایط مساعد برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم کرده بودند. اما برای بررسی نقش سیاسی اجتماعی علامه میر حامد حسین باید به نکته بسیار مهمی توجه نمود و آن نکته این است که باید فعالیت‌های علمای شیعه برای تحقق تمدن اسلامی شیعی را به صورت مجموعه فعالیت‌هایی توأمان و مکمل در نظر گرفت. به این معنی که علیرغم اینکه سید دلدار علی نقوی و شاگردانش از جمله مفتی محمدقلی (والد میر حامد حسین) و سید العلما در کنار فعالیت‌های علمی در مناصب دولتی اشتغال داشتند و از هر فرصتی برای حاکمیت احکام و معارف شیعی در عرصه های فردی و اجتماعی استفاده می نمودند، لکن با توجه به اسناد و قرائن تاریخی به نظر می رسد جایگاه اجتماعی و سیاسی علامه میر حامد حسین در مجاهدت‌های علمی ایشان تعریف می شود و در حالی که سایر علمای شیعه به ساماندهی اوضاع سیاسی حکومت و کمک به بهبود اوضاع اجتماعی می پرداختند، علمایی نیز در نهایت اخلاص در جهت تحقق تمدن شیعی، به تدوین دایره المعارف عقاید شیعه و مبارزه در حوزه عقیده و تفکر مشغول بودند. جالب است که برحسب ظاهر علامه فعالیت اجتماعی چشمگیری به نسبت دیگران و حتی فرزندش سید ناصر حسین نداشته و حتی بخشی از زندگی خود را نیز به خانه نشینی پرداخته است. تا جایی که این سیره و نوع زندگی، اعتراض و نصیحت سایر علما را نیز در پی داشته است. برای مثال برخی از علمای عراق در نامه هایی که به سید ناصر حسین می نویسند و از خانه نشینی علامه ابراز ناراحتی می کنند.^۱

اما آقای صدرالافاضل درباره نقش اجتماعی علامه در دوران هرج و مرج اوده در مطلع الانوار

می گوید:

در این بحران مولانا حامد حسین شمع فروزان علوم اسلامی را در دامن خود پهن کرده و از حوادث مصون نگه داشته و به کار خود مشغول و در حال پیشرفت کارهای علمی خود بود.^۲

اهمان

۲. صدرالافاضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴) مطلع الانوار، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ص ۱۷۹

حقیقت این است که فارغ از خرده فعالیت‌های اجتماعی علامه مانند تأسیس کتابخانه ناصریه، تعمیر و ساخت بارگاه بر مزار قاضی نور الله شوشتری^۱ و یا استعمار ستیزی‌هایی که در زندگی شخصی ایشان نیز مشهود است باید گفت که نقشی که علامه میر حامد حسین در ترسیم تمدن شیعی داشته چنانچه بیشتر و اساسی‌تر از سایر علما نباشد، قطعاً کمتر نیست. چراکه علامه دقیقاً عرصه‌هایی را برای فعالیت انتخاب کرد که به علل مختلف سایر علما قادر به فعالیت در آن حوزه نبودند. علامه میر حامد حسین هندی توانست با نوشتن کتب مستدل و با ارزش خود آن‌چنان سدی در مقابل حملات مخالفین به تشیع ایجاد کند که هیچ مجالی برای خودنمایی متعصبانه متعرضان به ساحت اهل بیت باقی نماند و با این کار علمای مخالف و موافق را وادار به تحسین کند. کشمیری در تکمله نجوم السما می‌نویسد:

از جانب مخالفین منتهی الکلام ظاهر شد. بعد از شیاع آن مخالفین از راه استکبار عرصه را بر عوام اهل حق بلکه بر خواص ایشان تنگ تصور می‌نمودند و فخرها بر ظهور چنین کتاب می‌کردند. خود مؤلف منتهی الکلام بالاخوانی و هرزه‌دراستی را از حد گزرانیده بود و احدی را از اهل حق قادر بر جواب آن نمی‌دانست. حتی اینکه می‌گفت اگر اولین و آخرین شیعه جمع شوند کتاب مرا جواب نتوانند نوشت. علمای عصر مثل سلطان العلماء و سید العلماء و جناب مولوی سید احمد علی محمد آبادی و جناب حجه الاسلام مفتی الانام السید محمد عباس تستری و دیگر اعلام رحمهم الله بسبب اشتغال احوال سلطنت لکهنو و دیگر عوائق از توجه به جواب کتاب مذکور ممتنع بودند لیکن صاحب ترجمه بحمدالله تعالی این مهم را در عرصه شش ماه انجام داد و کتاب استقصاء الافحام فی نقض منتهی الکلام را تصنیف فرمود. بعض مباحث آن را علمای عصر ملاحظه نموده و حیرتها می‌نمودند و به استماع مضامین کرامت آگین را وجد می‌فرمودند مباحث تایید اصولیین آنرا بسبب ذوق فقاهاست جناب سید العلماء طاب ثراه بیش از پیش استجاده می‌کردند و به کلمات مستفحله و استعظام تمام آن را مذکور می‌ساختند.^۲

نه تنها علامه از وقایع اجتماعی سیاسی فاصله نگرفته که حتی در مواقعی که الزامی در کار بوده از جایگاه دینی و اجتماعی خود در جهت فعالیت‌های علمی تحقیقی نیز بهره برده است. آنچه از برخی از نامه‌های علامه - که در کتاب الدرر السنیة جمع آوری شده است - بر می‌آید این است که موضوع برخی نامه‌هایی که علامه برای عمال سلاطین اوده می‌نوشته، نگرانی‌های ایشان درباره چاپ کتاب بوده است. برای مثال نامه‌ای به امین الدوله المعزول برای چاپ کتاب «تمام المطاعن الخالفه الاول» و به چاپ رساندن کتاب‌های دینی و وقف آن‌ها می‌نویسد و ارسال می‌کند.^۳

۱. ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۱۰۸

۲. کشمیری، میرزا محمد مهدی (۱۳۹۷) نجوم السماء فی تراجم العلماء، مکتبه بصیرتی قم ص ۲۹

۳. موسوی، سید جواد (۱۳۸۹) بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین، سفینه، شماره ۲۶، ص ۱۶۹

رابطه و علاقه علامه میر حامد حسین به سلطان العلماء نیز قابل توجه است. علاوه بر اینکه علامه در محضر سلطان العلماء تلمذ نموده، علاقه خاصی نیز نسبت به ایشان داشته و شمه ای از آن را نیز در مکتوبات خود ذکر کرده است و از ایشان با القابی چون افضل العلماء و المجتهدین، مولانا و مولی المومنین، وحید الدهر، فرید الآوان، مجتهد العصر و الزمان، ذی المفخر البهیة و المآثر السنیة، المسدود بتایید الصمد یاد می کند.^۱

اما همان طور که اشاره شد با توجه به شرایط سیاسی دوران علامه میر حامد حسین و رابطه علما و دستگاه حاکم و... به نظر میرسد آن چنان که نسبت به علمای این دوره متصور است، علامه در فعالیت های سیاسی اجتماعی نقش آشکاری نداشته است و معمولاً نقش آفرینی سیاسی اجتماعی ایشان منحصر به فعالیت های علمی بوده است. اما آنچه قطعی و مسلم است این است که علامه زمانی به دفاع از کیان مذهب اهل بیت همت گماشت که شیعیان نه فقط به لحاظ سیاسی اجتماعی که از نظر مذهبی و اعتقادی شدیداً در معرض خطر قرار داشتند و علامه نیز به توصیه سایر علماء از جمله سلطان العلماء به حفظ و استحکام مبانی فکری جامعه پرداخت.

در مقدمه کتاب تقیه نیز علامه، ایشان درباره علت نگارش کتاب و نقش علامه سلطان العلماء در این گونه امور را ذکر می نماید.^۲

استاد محمد رضا حکیمی درباره نقش اجتماعی علامه و آثار ایشان این چنین می فرماید:
کتابهایی که به قصد رد و تخطئه مذهب آل محمد و پیروان آل محمد علیهم السلام نوشته می شود توهین به خداست و تحقیر مفاهیم عالی اسلام و رد حکومت عادل معصوم بر حق و طرفداری است از حکومت جباران و طاغوتان و خیانت است به اسلام و مسلمین و دور داشتن مسلمانان است از پیروی مکتب متعهد درگیر با ظلم و ظالم و خدمت است به دشمنان اسلام. و در این اعصار همین کتابها از جمله نوشته هایی است که آب به آسیای استعمار و استعمار گران میریزد و این چنین زیان و صدمه ای اندک اندک از سطح یک مملکت و یک امت می گذرد و دامنه آن به بشریت و مسایل عالی بشری می کشد.^۳

ویژگیهای شخصی و زندگی علمی علامه میر حامد حسین

۱) عشق به اهل بیت

اگر چه که از مبرهنات است موفقیت علامه در جهادی که در دفاع از حریم مکتب اهل بیت و تألیف کتاب های خود نمود بدون در نظر گرفتن عشق سرشار ایشان به حضرات معصومین برای احدی قابل تصور نیست و غیر ممکن می نماید و مصائبی نیز که علامه در زندگی تحمل نمود بهترین گواه بر

۱. کنتوری، میر حامد حسین بن محمد قلی، تقیه، خطی، رسول احمد لائبریری، باقر گنج سیوان بهار صفحه ۱
۲. کنتوری، میر حامد حسین بن محمد قلی، تقیه، خطی، رسول احمد لائبریری، باقر گنج سیوان بهار ص ۱
۳. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ما ص ۱۵۴

میزان ارادت حضرتش به آستان اولیاء الله است لکن نقل برخی روایات در این رابطه خالی از لطف نیست.

نقل کرده‌اند که آیت الله عسکری تهرانی صاحب مستدرک البحار از سید حسین خطیب یزدی نقل کرده‌اند:

من شنیده بودم که میر حامد حسین طاقت شنیدن مصائب ائمه اطهار به‌ویژه حضرت سیدالشهدا را ندارد. لذا در مجالسی که ایشان حضور داشت از خواندن مصائب شدید خودداری می‌کردم. تصادفاً در یکی از روزها که من در حسینیه لکهنو مشغول خواندن مصیبت بودم وی وارد حسینیه شده بود و من از ورودش بی اطلاع بودم. ناگهان دیدم که از اطراف صدا می‌زنند: ساکت ساکت. همین که متوجه شدم دیدم که میر حامد حسین غش کرده و نقش بر زمین شده است.^۱

۲) جدیت و پشتکار و سخت کوشی

عجیب‌ترین شاخصه شخصیتی علامه میر حامد حسین که مخالف و موافق را به تحسین واداشته است جدیت و پشت کار بی نظیر این عالم فرزانه است. در این باره روایتهای مختلفی از زندگی ایشان نقل شده است. در وصف پشتکار علامه همین بس که عبدالحی لکهنویی عالم اهل سنت هندی درباره علامه مینویسد:

سافر فی سنه اثنتین و ثمانین و مئتین و الف للحج و الزیارة و اقتبس من الکتب النادرة من الحرمین و رجع الی هند و انصرف الی المطالعه و التالیف و اقتناص الکتب النادرة و کثیر منها بخط مولفیهما من کل مکان و بكل طریق و انفق علیها الاموال الطائله حتی اجتمع عنده عشره الاف من الکتب منها من مصر و الشام و البلاد البعیده و کان بارعا فی الکلام و الجدل واسع الاطلاع کثیر المطالعه سائل القلم سریع التالیف و قد اضنی نفسه فی الکتابه و التالیف حتی اعترته الامراض الکثیره و ضعف قواه...^۲

در سال هزار و دویست و هشتاد و دو به سفر حج رفت و از آنجا کتابهای نادری را تهیه کرد و به هند بازگشت و وقت خود را صرف مطالعه و تالیف و ضبط کتب نادر از هر مکان و به هر روش کرد که تعداد بسیاری از آنها به خط مولف است و اموال زیادی را برای به دست آوردن این کتابها هزینه کرد تا جایی که ده ها هزار جلد کتاب از مصر و شام و سرزمینهای دوردست نزد او بود. در علم کلام و مناظره چیره دست بود. اطلاعات وسیعی داشت و بسیار مطالعه می نمود. قلم روانی داشت و به سرعت تالیف می نمود و آن قدر به کتابت و تالیف گذراند که دچار بیماریهای زیاد و ضعف قوا شد.

علامه میر حامد حسین محققى خستگى ناپذیر و متببعی بی نظیر بود او تمام لحظات عمر عزیزش را وقف مطالعه و تحقیق نمود به طوری که یک آن از تتبع غفلت نوزید. از عجائب این

۱. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاہت، قم: دلیل ما ص ۲۵۷
۲. عبدالحی لکهنویی (۱۹۴۷ م) نزهة الخواطر، بیروت: دار ابن حزم ج ۸ صفحه ۱۲۰۶

اعجوبه دهر و اسطوره قرن اینکه با دست راست می نوشت و هنگامی که دست راستش خسته می شد با دست چپ شروع به نوشتن می نمود و وقتی که هر دو دستش خسته می شد آنگاه مطالب را املاء می فرمود و کاتبش برایش می نوشت.

بر همین اساس وقتی میر حامد حسین به کتابی مخصوص از اهل تسنن احتیاج پیدا می کند و مطلع می شود که فقط یک نسخه از آن موجود و نزد یک عالم سنی مذهب در رابع شهری نزدیک مکه است، عازم سفر حجاز می شود و با وسایل سفر ابتدایی آن روز خود را از هندوستان به مکه می رساند و در کتابخانه آن شخص مشغول به خدمت می شود تا بتواند از آن کتاب در تألیف عبقات الانوار استفاده کند.^۱

مؤلف ضیاء العین می گوید:

«علامه مبرور و فهامه مغفور سه پسر و دو دختر داشتند. فرزند بزرگ خودش را در وقت روانگی به سفر حج در وطن مالوف خود گذاشته عازم حج شدند چون بعد از فراغ حج و عمره و زیارت نبی اکرم وارد کاظمین مشهد جد بزرگوار خودش موسی بن جعفر علیه السلام شدند نامه ای رسید که آن فرزندان فوت و هم آغوش موت شده. خیلی محزون و مغموم و غمگین شدند اما راضی بر قضا و قدر الهی بودند و صبر نمودند و در عتبات عالیات کاظمین و کربلا و نجف و سامرا در تحریر و مطالعه و استکتاب و اشتراء کتب مشغول بودند. بعد از مراجعت میلاد علامه ناصر حسین شد. از جهت مرض خودش مایوس بودند که این پسر شیر خوار در حیات خودش به درجه کمال برسد. از این جهت برای معاونت تصنیف عبقات دختر بزرگ خویش را تعلیم و تربیت دادند که عالمه جلیله و فاضله نبیله شد و معین و مددکار تصنیف و تألیف شد. این سیده نبیله در علوم عقلیه و نقلیه این قدر استعداد داشت که شوهرش را تعلیم علوم عقلیه نمود.»^۲

آنقدر امر تحقیق سختکوش بود که هنگام بیماری نیز مشغول تحقیق بود. آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله علیه از علامه سید ناصر حسین نقل کرده اند زمانی که جنازه مطهرش را برای تغسیل به غسلخانه بردند غسل دید روی سینه اش یک گودالی نقش بسته وقتی از فرزند ارشدش سید ناصر حسین پرسید او در جواب گفت در اواخر عمر که پدرم بیمار شد نمی توانست خود کتاب را بگیرد و مطالعه نماید به ما دستور می داد کتاب را روی سینه اش قرار می دادیم و وی مشغول مطالعه می شد. لذا این گودی بر اثر فشار و سنگینی کتاب به وجود آمده است.^۳

درباره میر حامد حسین نوشته اند در فرصت های مناسب از مطالعه و تحقیق دست بر نمی داشت. تا آن که از کثرت تألیفات و تحریرات دست راست از نوشتن باطل شد و با دست چپ

۱. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم: دلیل ما ص ۲۵۶
۲. سعادت حسین خان، ضیاء العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school Chicago ص ۱۱۵ و ۱۱۶
۳. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم: دلیل ما ص ۲۵۶

می‌نوشت^۱ و برخی گفته‌اند منظور این است که زمانی که دست راست خسته می‌شد با دست چپ می‌نوشت و دست چپ نیز که خسته می‌شد، مطالب را املا می‌فرمود.

۳) اهتمام به آموزش

نقل است که علامه میر حامد حسین در وقت تدریس و تعلیم روش‌های بدیع اختیار می‌فرمودند. هر مسئله صرفی و نحوی یا منطقی یا فقهی یا ادبی یا مسئله دیگر از علوم که در وقت درس مطرح می‌شد تلمیذ را امر می‌فرمودند که اولاً این را در کتاب‌های متعدد مطالعه کنید بعد از آن در مجلس درس بیایید تا ماله و ما علیه مسئله در نظر شما باشد.

در تعلیم پسر بزرگ خودش اهتمام خاص داشتند. چون از کثرت مطالعه مریض هم بودند از این جهت در شبها وقتی افاقه در مرض می‌دیدند ایشان را بیدار می‌کردند و می‌گفتند من حالا از مرض افاقه داشته‌ام شما درس بخوانید و به یک وقت مسئله‌ای که مطرح می‌شد آن را از کتب ابتدایی تا متب‌نهایی تدریس میکردند. چون ایشان هم ذکاوت و ذهانت و حافظه فوق‌العاده داشتند همه را می‌فهمیدند و حفظ هم می‌کردند.^۲

۴) زهد و تقوا

اهتمام علامه میر حامد حسین به مطالعه و تحقیق و سپری نمودن عمر مبارکشان به مجاهدت‌های علمی هرگز باعث نشد که لحظه‌ای از تقوای الهی غفلت داشته باشند و تا آخر عمر دیگران را نیز به رعایت تقوا توصیه می‌نمودند. تا جایی که گفته‌اند:

«این فرد فرید و یگانه روزگار و عبقری عصر چنانکه در علوم و فنون عدیم‌المثیل و فقید‌الادیل بودند در زهد و ورع و تقوی هم از امثال و اقران خود فائق و ممتاز بودند و خیلی محتاط زندگانی می‌کردند حتی آنکه قلم و دوات و کاغذ هم که برای تصنیف و تألیف لازم و ضروری داشتند به طریق مخصوص مهیا می‌کردند و بر اشیاء مشتبه دست نمی‌زدند. در مکاتب سینه و منشعات عربیه راجع به زهد و تقوی و ورع مکتوبه دارند بس عجیب و قریب.»^۳

در وصیت این بزرگوار به فرزندش این‌چنین آمده است:

فرزندم بر تو باد بر اینکه نماز و روزه و حج من را دوباره ادا نمایی زیرا اعمالی را که من انجام می‌دهم امید ندارم که درست باشد اگر امکانش باشد که این را انجام بدهی خوب است که در این کار اهتمام و تلاش بنمایی اما نسبت به این در خواست احساس پشیمانی می‌کنم زیرا عملی را که

۱. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتاب‌های اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی

۲. سعادت حسین خان، ضیاء‌العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school Chicago ص ۱۱۰
۳. همان ص ۱۱۲

بر خودم واجب بود خوب رفتار ننمودم و حال وصیت می کنم که دیگری هم برای خود و هم برای من آن را انجام دهد.

بر تو باد به تلاش و کوشش در عبادت خداوند و ادای نماز با خضوع و خشوع و دستیابی به شرایط آن و انجام تعقیبات ولو اینکه اندک باشد البته در تحصیل خشوع سعی بسیار باید نمود زیرا روح نماز است اگرچه من به آن عمل نکردم بلکه مصداق آیه شریفه اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم هستم. ولی اینها را گفتم به این امید که خداوند فرزندم را به آن موفق سازد و اعمال صالح او سبب گردد که خداوند گناهان مرا نیز ببخشد که در این باره احادیثی نیز داریم:

فان الاعمال الصالحه التي يفعلها الاولاد ربما يغفر الله بسببها الآباء

به شدت پرهیز کن از مخالفت با مادرت. زیرا این عمل از بزرگترین گناهان است و اثر بد آن در دنیا ظاهر می شود تا چه رسد به آخرت.

من تجربه کرده ام و دیده ام عملی که بر خلاف رضایت پدر و مادر انجام شود در آن هیچ برکتی نیست.^۱

۵) تاییدات الهی

مؤلف ضیاء العین درباره تاییدات الهی علامه این چنین می نویسد:

همچنانکه این دانشور یگانه و فرزانه در تصنیف و تألیف کتب علمیه مویده من الله و... من رب الجلیل بوده اند در اشتراء کتب و جمع اسفار علمیه هم تاییدات خدای بزرگ و برتر برای ایشان حاصل و آثار منظور ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین بودن ظاهر و هویدا بوده هر کتاب مهمی که محتاج الیه ایشان برای استدلال و اقامه برهان می باشد به نهجی در دست حق پرست ایشان می رسید که مایه حیرت ارباب دانش و موجب تعجب ارباب بصیرت می شد.

این چنین قضایا از حد و حصر و شمار و عد و اعتبار بیرون و خارج اند این بنده ناقابل اینجا بس نقل یک قضیه اکتفا می کنم.

ایشان برای کتابی از کتب خیلی حیران و مضطر بودند که محل احتیاج ایشان بود و هیچ وسیله ای پیدا نمی شد که این کتاب به دست آید. روزی بعضی اشیاء خانگی از دکان بقالی در خانه ملفوف به ورقه آمد نظر ایشان بر این ورقه رسید امر فرمودند که جمیع این اوراق این دکان خرید کرده بیارید چون او را از بقال خریدند و آوردند و نظر کردند که آن اوراقی که بقال ردی و بیکار می دانست کتابست مهم و سفری است از اسفار علمیه که محتاج الیه ایشان بود و این قضیه جز تایید ربانی و صمدانی دیگر چه می شود

اما تاییدات الهیه که در بین مطالعه کتب و استکتاب مطالب علمیه در کتاب خانه حرم مکه و مدینه حاصل شده بود مایه صد حیرت و موجب استعجاب ارباب خبرت است زیرا که مدار جمیع

۱. موسوی، سید جواد (۱۳۸۹) *بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین*، سفینه، شماره ۲۶، ص ۱۷۸

مصنفات ایشان بر فرقه ضاله سنیه و تکبیت و افحام ارباب جحود و ارباب لداء از متبعین ثلاثه ضاله و مضله بوده و زمان تشرف ایشان در حجاز حکومت عثمانیه قائم و مستدام بود که عصیبت او ضرب المثل و عناد اهل حق و الدادش از متبعین اهل بیت طاهیرین و مخاصمت و منازعت و محالات از فرقه حقه اثنا عشریه ظاهر و مستبین کاشراق الشمس و لمعان القمر بوده.»

خانواده صاحب العبقات نقل می کند که «از شدت عناد و لداد این بلاد وقتی که در سنه ۱۲۸۲ ه علامه میر حامد حسین و اعجاز حسین از حج و زیارت مدینه مشرفه مشرف گذشتند و خواستند که مطالب علمیه برای رد شبهات اهل سنت استنساخ کنند محافظ مکتبه را هر روز یک لیره و دو لیره تقدیم می کردند و استنساخ مطالب و استکباب براهین از کتب عامه می کردند روزی تمامی عنود به حاکم خبر کرد که این هندیها روافض اند و اشیاء مخالف مذهب اهل سنت استنساخ می کنند حاکم جاسوسی معین و مقرر کرد تا بر تحریرات این ها نظر کند و حاکم را خبر کند که چه مطالب می نویسند. تاییدات الهی برای این عالم خبیر و محقق کبیر و برادرش این شده که ایشان مشغول استنساخ مدائح و فضائل علمای اهل سنت بودند برای توثیق و استدلال از اقوال آن ها در مسئله خلافت حقه حاکم از اطلاع این معانی خوشحال و فرحناک شده و برای مطالعه و استنساخ این ها مراعاتی مرعی داشت که قبل از این حاصل نبود.»

کشف الظنون چلبی که چاپ شده و نسخه آن نادر الوجود بود در این کتابخانه ها وجود داشت. ایشان مطالب آن را استنساخ می کردند ناظر مکتبه مانع شد ایشان مبلغی عظیم در خدمت او تقدیم فرمودند و گفتند بنده در هند کتابخانه مهمی دارم و این کتاب در مکتبه بنده نیست از این جهت استنساخ می کنم بالاخره اجازه داد که هر قدر بخواهی بنویسید برای شما هیچ مانع نیست. وقتیکه از مکه قصد مسافرت مشاهد مشرفه نمودند و از مشاهد مشرفه قصد هند نمودند و بر کشتی بادی سوار شدند کتبی که بر سواحل مکه و مدینه خرید و استنساخ کرده بودند در صندوقی خیلی بزرگ گذاشته همراه داشتند در بین راه کشتی مصارف طوفانی عظیم شده و صندوق کتب از کشتی در بحر ذخار و دریای قهار افتاد ایشان برادر زاده و تلمیذ رشید خودش علامه کرامت حسین را امر فرمودند که صندوق کتب دریا افتاده سید کرامت حسین که دانشور بزرگ بود همان ساعت خودش را دریا انداخت و صندوق کتب را بر دوش گذاشته مشغول شناوری گشت وقتی که ناخدای کشتی این امر عظیم را ملاحظه نمود مامورین کشتی را امر فرمود که این سید جلیل را با صندوق کتب از دریا و امواج آن و از طوفان سجاج آن بیرون آورند. چون صندوق کتب و برادرزاده ایشان خدمت ایشان رسیدند خیلی خوشحال و فرحناک شدند و شکرخالق دوجهان و مالک ارض و سماء به جا آوردند کتب آب رسید[ه] تا هنوز در مکتبه ناصریه موجود است و آثار آب رسیدن از آن ظاهر و هویداست.^۱

۶) اهتمام به عزت مسلمانان

۱. سعادت حسین خان، ضیا العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school Chicago ص ۶۵

علامه شیخ آغا بزرگ تهرانی می‌نویسد: امری عجیب است که میر حامد حسین این همه کتاب‌های نفیس و این دایره‌المعارف‌های بزرگ را تألیف کرده است در حالی که جز با کاغذ و مرکب اسلامی (یعنی کاغذ و مرکبی که در سرزمین‌های اسلامی و به دست مسلمانان تهیه شده است) نمی‌نوشته است و این به دلیل تقوای فراوان و ورع بسیار او بوده است. اصلاً دوری وی از به کار بردن صنایع غیر مسلمانان مشهور است.^۱

زندگی علمی علامه میر حامد حسین

ایشان تعلیم را از سن ۶ سالگی با رفتن ره مکتب‌خانه و پیش شیخی به نام شیخ کرمعلی شروع کرد. اما پس از مدت کوتاهی نزد پدر خویش، جناب سید محمدقلی موسوی، از عالمان بزرگ، درس خواند و مبادی علوم و علم کلام و عقاید را فراگرفت. میر حامد حسین در سن ۱۵ سالگی و پس از رحلت پدر بزرگوارش برای تکمیل تحصیلات به سراغ اساتید دیگر رفت. مقامات حریری و دیوان‌متنبی را نزد مولوی سید برکت علی و نهج‌البلاغه را نزد مفتی سید محمد عباس تستری خواند. علوم شرعیه را نزد سلطان‌العلماء سید محمد بن دلدار علی و برادر ایشان سید العلماء سید حسین بن دلدار علی - که هر دو از علمای بزرگ شیعه در هند بودند - و علوم عقلیه را نزد فرزند سید مرتضی سید العلماء، ملقب به خلاصه‌العلماء فراگرفت.

در این زمان ایشان کتاب مناهج‌التدقیق را که از تصنیفات عالیه استادش سید العلماء بود از ایشان اخذ کرد که حواشی وی بر آن کتاب بیانگر عظمت تحقیق و قدرت نقد ایشان بود. به هر حال ایشان پس از چندین سال تحصیل به امر تحقیق پرداخت و در این زمینه ابتدا به تصحیح و نقد تصانیف پدر بزرگوارش سید محمدقلی از جمله فتوحات حیدریه، رساله تقیه، و تشیید المطاعن پرداخت.

هنوز از این کار فارغ نشده بود که کتاب «منتهی الکلام» توسط یکی از علمای اهل سنت به نام حیدر علی فیض‌آبادی در رد بر امامیه با تبلیغات فراوان نشر یافت و عرصه را بر عوام و خواص شیعه تنگ کرد؛ زیرا از یک طرف مخالفین مدعی بودند که شیعه قادر نخواهد بود پاسخی به این ایرادات داشته باشد.

جامعیت علمی علامه

آنچه از بررسی ولو اجمالی آثار علامه میر حامد حسین روشن می‌شود این است که ایشان در علوم مختلف دارای تبحر و تخصص بوده است. مهارت علامه در علوم عقلی و نقلی اعجاب و تحسین همگان را برانگیخته بود. عبارتهایی که محدث قمی رحمه‌الله علیه در فوائد الرضویه در معرفی ایشان به کار میبرد اشاره به این ویژگی علمی علامه است.

۱. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم: دلیل ما ص ۲۵۷

جایی که می فرماید :

«حامد حسین بن محمدقلی الموسوی الکتوری الهندی: السید الاجل العلامه الفقیه المتکلم المحقق و المفسر المحدث المدقق حجه الاسلام و المسلمین و آیه الله فی العالمین و ناشر مذهب آبائه الطاهرین السیف القاطع و الرکن الدافع البحر الزاخر و السحاب الماطر الذی شهد بکثره فضلہ العاکف و البادی و ارتوی من بحار علمه الضامن و الصدی.

اما التفسیر فهو بحرہ المحيط و کشاف دقائقہ بلفظہ الفائق علی و سیط و البسیط و اما الحدیث فالرحله فی الروایه و الدرايه اليه و المعول فی حل مشکلاته علیه و اما الکلام فلو رأها لاشعری لقربه و قربہ و علم انه نصیر الدین ببراهینہ و حججه المهدبه المرتبه

و اما الاصول فالبرهان لا يقوم عنده بحجه و صاحب المنهاج لا یهتدی معه الامحجه و اما النحو فلو ادركه خلیل لاتخذہ خلیلا او یونس لانس بدرسه و شفی منه غلیلا هو البحر لا بل دون ما علم البحر هو بدر لا بل دون طلعتہ البدر هو النجم لا بل دون رتبه النجم هو الدر لا بل دون منطقه الدر هو العالم المشهور فی العصر والذی به بین ارباب النهی افتخر العصر هو الکامل الاوصاف فی العلم و التقی فطاب به فی کل ما قطر الذکر محاسنه جلت عن الحصر و ازدهی باوصافه نظم القصائد و الثر^۱ نه تنها علمای شیعه بلکه علمای اهل سنت نیز در مقابل شخصیت علمی علامه سر تعظیم فرود آورده و به این مسئله اذعان نموده اند. تا جایی که گیلانی در سوانح قاسمی که شرح حال مولانا قاسم نانوتوی مؤسس دارالعلوم دیوبند است نقل کرده است که وی نیز در مقابل مقام شامخ علمی و تحت تأثیر شخصیت علامه در محضر ایشان ادب می کرده است. تا حدی که نانوتوی می گوید: بی عمامه و رومال چنانچه عادت من است بر مکانی که مولوی حامد حسین صاحب لکهنو شیعی فروکش بودند، رفتم.^۲

جمع آوری کتب ضد شیعه جهت ردیه نویسی بر آنها

تلاش علامه میر حامد حسین در جهت جمع آوری کتب ضد شیعه و سایر کتب مورد نیاز ایشان با توجه به وسائل ارتباطی و حمل و نقل در آن دوره مسئله عجیب و در عین حال ستودنی است. فعالیت میر حامد حسین در این زمینه را می توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- جمع آوری کتابهای موافقین از اهل سنت از طریق نامه نگاری

۱. محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷) فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، قم: دفتر نشر نوید اسلام ص ۱۶۱
۲. گیلانی، مناظر احسن، سوانح قاسمی، لاهور: مکتبه رحمانیه ج ۳ و ۲ ص ۶۵

علامه در نامه‌ای به یکی از دوستان چنین می‌نویسد:

دلم بسیار شیفته تحصیل کتاب‌های مناقب اهل بیت است که توسط عالمان اهل سنت نوشته شده و اینگونه به ذهنم خطور می‌کند که در شهر بغداد که محل اجتماع اهل عناد و تجمع بزرگان مشهور آنهاست در این موضوع کتاب‌های بسیار موجود می‌باشد اگر شما تلاش کنید و کمر همت ببندید و جناب شیخ عبدالحسین طهرانی را به تهیه این کتابها تحریک کنید حتما تعدادی از این کتاب‌های با ارزش را به دست خواهید آورد. من در این نامه فهرستی از نوشته‌های اهل سنت در مورد فضائل حضرت علی علیه‌السلام را می‌نویسم تا عاملی برای تحقق این درخواست و بردارنده موانع باشد.

۲- جمع آوری از طریق خرید کتاب‌های در دسترس

اهتمام میر حامد حسین به جمع آوری کتب نفیس مسئله‌ای در خور توجه است که گوشه‌ای از تلاش‌های علامه را یاد آور می‌شویم. ایشان در نامه‌ای خطاب به یکی دیگر از نزدیکان این چنین می‌نویسند:

و لا یخفی علیکم انی متهاک علی الاطلاع و العثور علی الکتب النفیسه القدیمه الی هی من غنائم الدهور لاسیما کتب الرجال و الحدیث و السیر فانها من محاسن الغرر و نفائس الدرر. فاطلب منکم فهرس خزانه کتبکم العالیه الکثیره فلعله یکون فیها کتاب من الکتب المطلوبه للحقیر فاستکتبه او ابتغی نقل بعض مقاماته....^۱

و بر شما پوشیده نیست که من بسیار مشتاق اطلاع داشتن و پیدا نمودن کتابهای قدیمی هستم که از غنیمت‌های روزگار هستند. مخصوصاً کتابهای رجال و حدیث و سیره که از گوهرهای گرانبها محسوب می‌شوند. پس از شما فهرست کتابخانه عالیتان را می‌خواهم شاید که در آن کتابی از کتابهایی که من می‌خواهم در آن موجود باشد و من از روی آن بنویسم یا اینکه برخی مطالب آن را نقل کنم.

یا در جای دیگر می‌نویسد:

انا مشعوف برویه کتاب العقد لابن عبد ربه اندلسی و هو فی خزانه کتب جنابک القدسی فلو ارسلته علی به سارده....^۲

من از دیدن کتاب عقد ابن عبد ربه اندلسی که در کتابخانه شما موجود است خوشحال شدم و اگر شما آن را برای من بفرستی به شما باز خواهم گرداند.

و یا اینکه:

فاذا الصحاف فی بعض الدکاکین و عنده هذه المجلدات الثلاثه یرید بیعها علی بعض معتقدی الثلاثه فدنوت منه فاخذت المجلدات و قلت: انا اشتريها... انا اذهب الآن بالمجلدات و تعال غدا فی

۱. موسوی، سید جواد (۱۳۸۹) بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین، سفینه، شماره ۲۶، ص ۱۶۷
۲. همان

مسکنی اعطیک قیمتها بما ترضی...^۱

وما سطرتم من حال الاسفار التي في معروض البيع فقد اطلعت عليه و لكن يصعب تيسر القيمة في هذه الحال...

در دکانی فروشنده این سه مجلد را داشت و قصد فروش آنها را داشت. نزد او رفتم و به او گفتم که من این کتاب را خریداری می‌کنم. فردا به منزل من بیا تا قیمت کتاب را به اندازه ای که راضی شوی به تو پرداخت کنم.

در صفحاتی از نامه های خود ماجرای خرید صندوقچه آهنین در بندر را باز می‌گوید که حاوی کتاب شرح علامه العبری علی منهاج الاصول الی علم الاصول بیضای بوده است. اما سرور ایشان وقتی بیشتر می‌شود که در این کتاب بیان صریح این عالم سنی بر ساختگی بودن حدیث مرفوعه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - اقتدوا بعدی بابی بکر و عمر - را مشاهده می‌کند.^۲

مصادر تحقیقی میر حامد حسین

علیرغم اینکه بخشی از کتاب‌های مورد نیاز علامه میر حامد حسین در کتابخانه پدری ایشان موجود بود اما همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد علامه برای دسترسی به منابع تحقیقی بیشتر علی‌الخصوص منابع اهل سنت زحمات زیادی متحمل شد. گاهی با نامه نگاری و تقاضای تهیه کتاب از سایرین منابع مورد نیاز را تهیه می‌نمود و گاهی نیز رنج سفرهای طاقت فرسا را به جان خرید و نتیجه این زحمات و مصائب این بود که علامه در نهایت به نتیجه مطلوب دست یافت. چراکه در هر سه کتاب مهمی که علامه در رد بر شبهات اهل سنت نوشت، آنچه آثار ایشان را از سایر آثار علمای شیعه حتی والد بزرگوارشان متمایز می‌کرد، تعدد منابع مورد استفاده علی‌الخصوص منابع اهل سنت بود. البته وجه تمایز آثار ایشان با سایر آثار علماء تنها در تعداد منابع مورد استفاده ایشان نبود و در رابطه با ابعاد منحصر به فرد آثار ایشان در ادامه بیشتر بحث خواهد شد. علامه حتی در سفرهای زیارتی خود نیز از مراجعه به کتابخانه‌های مهم اسلامی مانند کتابخانه‌های مکه و مدینه و عراق و تهیه منابع مورد نیاز غافل نبود.^۳

جالب است که ایشان تنها در نوشتن این سه کتاب یعنی عبقات، استقصاء و... از ۸۵۰ منبع اهل سنت استفاده نمود.^۴

۱. همان

۲. همان ص ۱۶۸

۳. زیدی، سید سبط حیدر (۱۳۸۸) متکلم نابغه / امیر کلام، سفیر، شماره یازده ص ۶۷

۴. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتاب‌های اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی

اسلوب علامه در گفتگوی دینی

مسئله ادب الخلاف در مباحثات عقیدتی مذهبی همواره از دغدغه های بسیار مهم علمای شیعه بوده است. با نگاهی به مهم ترین کتاب های علمای شیعه در مباحث مختلف علی الخصوص در مباحث اختلافی بین مذاهب در می یابیم که علمای شیعه در پاسخ به شبهات وارده از سوی مخالفین تا حدی خود را ملتزم به بحث علمی می دانستند که ذره ای به اعتقادات سایر مذاهب توهینی نمی کردند و از چهارچوب مباحثات علمی و مستند خارج نمی شدند.

علامه میر حامد حسین زمانی کمر همت به دفاع از تشیع بست که شیعه آماج حملات شدید فکری از سوی مخالفین علی الخصوص احناف بود. اما علیرغم شرایط خاص آن دوره با نگاهی به آثار علامه در می یابیم که ایشان در عین حالی که به کامل ترین شکل به اساسی ترین شبهات وارد بر تشیع پاسخ متقن و منطقی دادند اما در عین حال سر سوزنی به وحدت مسلمین در هند خدشه ای وارد نکردند. ایشان چند اصل مهم را در تألیفات خود رعایت می کردند

- ۱- رعایت ادب الخلاف و عدم طرح هر گونه مطلب توهین آمیز و احترام به علمای مذاهب
- ۲- نقل مطلب مورد بحث از کتاب مخالف به صورت کامل با رعایت امانت
- ۳- استدلال به مسائل مورد اتفاق طرفین
- ۴- بررسی مطلب مورد بحث از جهات مختلف

آثار علمی علامه

درباره تعداد مجلدات تألیفات علامه اختلاف نظر زیادی وجود دارد. از برخی از بزرگان نقل شده است که مجموعه مجلدات تألیفات ایشان به ۲۰۰ جلد می رسد.

نکته بسیار مهم اینجاست که به دلیل اشتباهی که در برخی از کتابها رخ داده است برخی آثار دیگر علما مانند سید محمد عباس به علامه میر حامد حسین نسبت داده شده است و سایر مولفین نیز با استناد به همین نوشته ها اشتباه مذکور را تکرار کرده اند. از جمله این کتابها می توان به الظل المدود و الطلح المنضود، الشریعه الغراء و الشعلة الجواله اشاره کرد که همان طور که اشاره شد در شمار آثار علامه درآمده اند. اما در اصل از تألیفات محمد عباس هستند و نسخه آن ها به همت حضرت حجة الاسلام طاهر عباس اعوان در کتابخانه مرکز احیاء آثار بر صغیر قم موجود است. البته کتاب تراجم الوضاعین احتمالاً همان کتابی است که از آن با عنوان رجال میر حامد حسین یاد می شود و این کتاب نیز به اشتباه به میر حامد حسین نسبت داده شده است. تصویر صفحه اول برخی از این کتابها که حاوی نام مؤلف است در صفحات ضمائیم در انتهای پایان نامه آمده است.

اما آنچه می توان فهرست وار از آثار علامه نام برد به شرح ذیل است:

۱. عبقات الانوار فی امامه الائمة الاطهار
۲. استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی نقض منتهی الکلام (مجلد)

۳. شوارق النصوص (مجلد)
۴. مشق المعضلات فی حل المشكلات
۵. الغصب التبار فی مبحث آیه الغار
۶. افحام اهل الیمن فی رد ازاله الغین
۷. النجم الثاقب فی مسئله الحاجب فی الفقه
۸. الدرر السنیه فی المکاتیب و المنشآت العربیه
۹. زین الوسائل الی تحقیق المسائل
۱۰. اسفار الانوار عن وقایع افضل الاسفار
۱۱. الذرائع فی شرح الشرائع فی الفقه
۱۲. شمع المجالس
۱۳. الطارف، مجموعه الغاز و معمیات
۱۴. صفحه الالماس فی احکام الارتماس
۱۵. العشره الکامله
۱۶. شمع و دمع
۱۷. رجال المیر حامد حسین
۱۸. دره التحقیق

اما در میان تمام تألیفات علامه سه اثر ایشان - بنا به فرموده خودشان و اعتراف سایرین - از سایر آثار مهم تر می باشد. چراکه همان طور که گفته شد علامه در تألیف این سه کتاب در جمع آوری و استفاده از منابع متعدد اهل سنت مجاهده ای عظیم نمود و حدوداً از ۸۵۰ منبع اهل سنت استفاده نمود و هر سه کتابی که علامه در رد بر کتاب های اهل سنت نوشت در موضوع خود بهترین و متقن ترین آثار شیعه به حساب می آمدند و کتابی در جواب آن ها نوشته نشد. خود علامه می فرماید: من پس از اتمام علوم رسمی و مقدماتی مشغول علم کلام و مناظره با مخالفان شدم تا اینکه سه کتاب عظیم الشان و عظیمه البرهان نوشتم:

عبارات الانوار فی امامه الائمه الاطهار در رد حرفهای نابجای صاحب تحفه اثنا عشریه
 وشوارق النصوص فی تکذیب فضائل اللصوص. من در آنجا شرح دادم فضیلت هایی که در مورد خلفا آمده همه ساختگی است. البته در کتاب نصهایی از بزرگان با شخصیت و بی نظیر آن ها در مسائل علمی بسیار دقیق اند نقل نمودم و دلائلی آوردم که دانشمندان قوی آن ها را قبول می کنند.
 و استقصاء الافحام فی نقض منتهی الکلام^۱
 جالب اینجاست که عظمت علمی کتاب های علامه میر حامد حسین تا جایی است که در

۱. موسوی، سید جواد (۱۳۸۹) *بازخوانی حیات علمی علامه میر حامد حسین*، سفینه، شماره ۲۶، ص ۱۷۲

بسیاری از کتب اسلامی از ایشان به عنوان صاحب عقبات و صاحب استقصاء یاد می‌شود. چراکه استقصاء اولین کتابی بود که علامه به کمک برادرش در رد بر شبهات اهل سنت نوشت.

استقصاء الافحام

هنگامی که شاه عبدالعزیز تحفه اثنی عشریه را به نام خود منتشر کرد فردی به نام سبحان علی خان بریلوی پنج رساله به نام الوجیز اما در عین حال مستدل در رد بر تحفه نوشت. موضوع یکی از آن رساله‌ها مربوط به حدیثی به نام حدیث حوض بود که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

بینا انا قائم، فإذا زمره حتی إذا عرفتهم، خرج رجل من بینی و بینهم، فقال: هلم. فقلت: این؟ قال: إلی النار و الله. قلت: و ما شأنهم؟ قال: إنهم ارتدوا بعدک علی ادبارهم القهقری. ثم إذا زمره حتی إذا عرفتهم خرج رجل من بینی و بینهم، فقال: هلم. قلت: این؟ قال: إلی النار و الله. قلت: ما شأنهم؟ قال: إنهم ارتدوا بعدک علی ادبارهم القهقری، فلا أراه یخلص منهم الا مثل همل النعم.

آن چنان است که من ایستاده‌ام. جمع به من رسند وقتی این جمع را شناختم مردی میان من و آن‌ها حایل شود و گوید بیاید.

می‌پرسم به سوی کجا؟ جوابم می‌دهد: به سوی آتش.

- مگر چه کرده‌اند؟

- این قوم پس از توبه قهقری بازگشته‌اند.

جمعی دیگر درآید. تا این جمع را هم شناختم مردی به میان افتد و گوید:

- بیاید.

- می‌پرسم به کجا؟

- به سوی آنان.

- مگر چه کرده‌اند.

- بعد از توبه جاهلیت گذشته بازگشته‌اند.

سرانجام از میان امت من جز اندکی روی نجات و رستگاری نیینند.

شخصی به نام حیدر علی فیض آبادی فرزند محمد حسن کتابی در پاسخ به کتاب مذکور نوشت به نام تنبیهات اهل الخوض لاعتراض علی حدیث الخوض که این کتاب به منتهی الکلام معروف شد و شامل دو مسلک و یک خاتمه بود.

علامه میر حامد حسین هندی کتاب استقصاء الافحام را در رد بر کتاب حیدر علی نوشت که کتابی بسیار محکم و متقن بود به گفته محققین بهترین کتاب در رد بر منتهی الکلام به شمار رفته و می‌رود و تا به حال ردیه‌ای بر آن نگاشته نشده است. گفته شده که خود حیدر آبادی نیز در ابتدا کتاب خود را بدون جواب می‌دانست. اما استحکام محتوایی کتاب استقصاء او را نیز متحیر ساخت. محتوای کتاب را موضوعاتی چون مسئله تحریف قرآن، روایات تحریف، اثبات افتراءات فیض آبادی، اثبات

تضادهای فیض آبادی، بحث درباره مسلک اصولی و اخباری و تأیید به مسلک اصولی، بحث درباره وجود حضرت حجت ابن الحسن (ع) العسکری (ع) مسئله بداء، بحث درباره گروه مجسمیه در مذهب اهل سنت، اثبات خیانات فیض آبادی در نقل عبارت کتب شیعه، اثبات تکفیر اهل سنت نسبت به یک دیگر، مطاعن عمر بن عاص، بحث درباره اسلام اباء و اجداد انبیاء (ع) و... می باشد.^۱

همان طور که در ابتدای بحث اشاره شد درباره تعداد مجلدات برخی آثار علامه اختلاف نظر وجود دارد. از آن جمله کتاب استقصاء الافحام است که تذکره نویسان نظرات متفاوتی درباره تعداد مجلدات آن داده اند. بعضی می گویند تعداد مجلدات را فقط دو جلد می دانند. افراد دیگری نیز تعداد آن ها را هشت، ده و... نیز دانسته اند.

آیت الله سید علی حسینی میلانی استقصاء الافحام موجود را در سه جلد به زبان عربی به نام استخراج المرام من استقصاء الافحام خلاصه کرده و مطالب پراکنده را یک جا به این ترتیب آورده است:

جلد اول مربوط به عقاید، جلد دوم مربوط به ائمه مذاهب اهل سنت، و جلد سوم بحث درباره تفسیر و مفسران و صحاح سته و صاحبان آن

این کتاب در سال (۱۳۸۳ هـ ش، ۱۴۲۵ هـ ق) به چاپ رسیده است. قبلا از قلم همین عالم فرزانه کتاب عظیم عبقات الانوار خلاصه و به عربی ترجمه و در ۲۰ جلد منتشر شده است. چاپ اول به نام خلاصه عبقات الانوار چاپ شده بود - لکن چاپ دوم این کتاب به نام نفحات الازهار خلاصه عبقات الانوار چاپ شده است.

کتاب شوارق النصوص

کتاب شوارق النصوص یکی از سه کتاب مهم علامه است که با استناد علمی و دقت محققانه منحصر به فرد ایشان تألیف شده است. کتاب شوارق النصوص در رد فضائل ساختگی اهل سنت برای خلفا نوشته شده است و از خصوصیات آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

استدلال بلاواسطه علامه میر حامد حسین به آنچه اهل سنت به صراحت در منابعشان ذکر کرده اند و عدم اعتماد آنچه از منابع سنی در منابع شیعه نقل شده است.

بحث درباره سند روایت از نظر وثاقت یا ضعف راوی بر مبنای منابع رجالی اهل سنت و ذکر شرح حال راویان آن ها با استفاده از منابع عامه

تحقیق دقیق درباره اقوال ناقلین حدیثی که به آن استناد شده از منابع عامه

ذکر شرح حال راویان هنگام اسقاط آن ها از درجه اعتبار و ذکر فهرست کسانی که راوی را جرح کرده اند.

۱. کتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۳۱۵هـ) استقصاء الافحام، لکهنو: مطبع اعجاز محمدی

بعد از همه موارد فوق علامه شروع به بیان اشکالات می کند و به صورت علمی و مستدل پاسخ می دهد.

و بعد اقوال علمای اهل سنت را در رد بر دیگر علمای سنی به عنوان شاهد مثال می آورد تا احتجاجش را تکمیل کند.

علامه کتاب شوارق النصوص را در شش باب و یک خاتمه تألیف نموده است. در باب اول فضائلی را نقل می کند که اهل سنت به خلیفه اول نسبت داده اند. در باب دوم به فضائل ساختگی خلیفه دوم پرداخته شده و در باب سوم مناقب ساختگی برای شیخین آمده است. اما متأسفانه سایر ابواب کتاب شوارق النصوص مفقود شده و حتی نسخه کتابخانه ناصریه آن هم در دست نیست.^۱ کتاب بعدی علامه میرحامد حسین که از اهمیت بسیار زیادی نسبت به سایر کتب برخوردار است کتاب عبقات الانوار می باشد که شرح آن در فصل آینده خواهد آمد.

۱. کتوری، میرحامد حسین بن محمدقلی (۱۳۸۱) شوارق النصوص فی تکذیب فضائل اللصوص، قم: دلیل ما، مقدمه

فصل چهارم

توصیف و تشریح

کتاب عبققات الانوار

عبارات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار

کتاب عبارات الانوار فی مناقب الائمه الاطهار مهم‌ترین یادگار و شاهکار علمی علامه میر حامد حسین رحمه الله علیه است. در حقیقت عبارات در نقض و رد باب هفتم تحفه در زمینه ادله امامیه بر امامت امیر مومنان علی علیه‌السلام نگاشته شده است و دایره‌المعارفی عظیم از عقاید شیعه است که به خوبی اتقان عقاید مکتب اهل بیت را در مقابل منویات مکتب خلفا در پیش روی بشریت و حق جویان به نمایش می‌گذارد. اهمیت کتاب عبارات الانوار به حدی است که پس از تالیف این کتاب خاندان کنتوری به آل عبارات مشهور شدند. کتاب عبارات الانوار در پاسخ به کتاب شاه عبدالعزیز دهلوی در سی جلد و دو منهج قرآنی روایی تالیف شده است که شرح تفصیلی ساختار آن پس از معرفی اجمالی شاه عبدالعزیز و کتابش در ادامه خواهد آمد.

شاه عبد العزیز و تحفه اثنی عشریه

میر حامد حسین فصل اول را به نقد تحفه اثنا عشریه اختصاص داده که تألیف شاه عبدالعزیز محدث دهلوی فرزند شاه ولی الله محدث دهلوی (۱۱۱۴ - ۱۱۷۶هـ) است و به‌عنوان سراج الهند شهرت یافته است. در مورد شاه ولی الله در فصل دوم سخن گفته شد. این پدر و پسر هر دو از صف اول علمای هند به حساب می‌آیند و هر دو تألیفات فراوانی دارند. و اتفاقاً هر دو صوفی المشرب و در رد شیعه خیلی متعصب بودند. شاه ولی ۳ جلد کتاب در رد شیعه به نام‌های «قره العین»، «ازله الخفاء» و «شرح رد الروافض» اثر مجدد الف ثانی (۹۷۱-۱۰۳۴هـ) نوشته است و خود عبدالعزیز نیز کتابی به نام تحفه اثنا عشریه که نام اصلی این کتاب نصیحه المؤمنین و فصيحه الشياطين است. در چاپ اول کتاب به دلیل ترس از نواب نجف علی خان شیعی خود را به نام حافظ غلام حلیم ابن شیخ قطب الدین ابن شیخ ابوالفیض معرفی کرد.

شاه عبد العزیز در سال ۱۱۵۹ در شهر دهلی متولد شد. تمام علوم را از پدر اخذ نمود. نسب وی از سی و چهار واسطه به خلیفه دوم می‌رسد به همین خاطر با لقب فاروقی هم مشهور است. عبدالعزیز شاگردان زیادی تربیت کرده بود. در آخر عمر ایشان وهابیت توسط برادر زاده ایشان محمد اسماعیل دهلوی و عبد الحی داماد این خانواده از عربستان به هند رسید. البته خود ایشان به گفته بعضی از علمای بریلوی اهل سنت در رد وهابیت کتاب نوشته بود. وی در سال ۱۲۳۹هـ در دهلی درگذشت.^۱

در اول قرن سیزدهم یعنی سال ۱۲۰۴ کتابی بلندآوازه به نام تحفه اثنا عشریه نوشته شد. بعد از چاپ تحفه کسی به صورت دقیق از اصل ماجرای کتاب تحفه و مؤلف اصلی آن مطلع نبود. البته در حال حاضر هم عده بسیاری هستند که نمی‌دانند موضوع کتابت تحفه چیست. لکن با مرور ایام زود

۱. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتاب‌های اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی ص ۷۹

این راز فاش شد که تحفه اثناعشریه در اصل مسروقه همان صواقع موبقه نصرالله کابلی است،^۱ هیچکدام از تذکره‌نویسان اعم از عربی، فارسی، اردو احوال کابلی را ننوشته‌اند، کتاب ایشان عربی بود و آن را دهلوی با اندک اضافات و ترمیمات لازم به فارسی ترجمه کرده و به نام خود انتشار داد، این راز در زمان حیات دهلوی فاش نشده بود بعداً چون نسخه اصلی صواقع موبقه بدست علماء شیعه رسید وقتی آنرا با تحفه مقابله کردند مشخص شد که دهلوی سرقت کرده است لذا بعداً کتابهایی که در رد تحفه نوشته می‌شد مثل عباقات الانوار و غیره در حاشیه آن‌ها با اصل عبارت صواقع، هم نوشته می‌شد

همان‌طور که در فصل دوم کتاب نیز گفته شد هندوستان در قرون نوزدهم و بیستم میلادی مستعمره انگلیسی‌ها بود و کمپانی برای نیل به اهداف شوم استعماری خود نیاز شدیدی به اختلاف افکنی بین فرق و مذاهب اسلامی داشت و به این مسئله چشم امید دوخته بود. لذا افرادی نیز بودند که دانسته و یا ندانسته در جهت تحقق اهداف استعماری انگلستان و در پوشش فعالیت علمی به این کار پرداختند و موجبات تفرقه میان مسلمانان و تسلط بیگانگان بر اوده فراهم نمودند. علامه حکیمی در این باره می‌گوید:

«دوران پس از رنسانس برای مسلمانان نیز دوران حساسی بود. حدود دو قرن از تجدید حیات و تحولات فرهنگی و عقلی اروپا می‌گذشت و مشخصاً کشورهای که به تجدد صنعتی رسیده باشند به دنبال کشف منابع طبیعی و معادن و ثروتهای سایر بلاد ممکن است از هر موقعیتی در جهت چپاول و استعمار سایر کشورها و بلاد بزنند. علی‌الخصوص با توجه به وضعیت کشور های اسلامی در قرون هجده و نوزده میلادی که ایام ضعف روزافزون خود را سپری می‌کردند. غرب با علم به اینکه نمی‌توان یوغ استعمار را به گردن اقوام و ملت‌های متحد و منسجم گذاشت بهترین راه حل مشکل خود را حمایت از فعالیت‌های تفرقه افکنانه و مذهبی دید و هند آن روز با توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی گزینه مطلوبی برای استعمار به حساب می‌آمد»^۲

علت تصنیف تحفه اثناعشریه

آنچه عبد العزیز دهلوی در مقدمه کتاب خود نقل می‌کند نشان از این دارد که در زمان حیات او مذهب تشیع تبلیغات وسیع و موفقیت‌های چشمگیری داشته است و جمعیت شیعیان رو به افزایش بوده است. چراکه دهلوی در مقدمه کتاب می‌گوید:

«عرض از تسوید این رساله و تحریر این مقاله آنست که... رواج مذهب اثناعشریه و شیوع آن بعدی اتفاق افتاد که کمتر خانه باشد که یک دو کس از این خانه به این مذهب متمذهب نباشند و

۱. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ما ص ۱۱۷

۲. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ما ص ۱۱۲

راغب باین عقیده نشوند.»^۱ سپس در ادامه می‌نویسد: «این رساله را تیمناً و تبرکاً بعدد ائمه اثنا عشر(ع) بر دوازده باب مرتب کرده شد.^۲

کتاب را محدث دهلوی به در دوازده باب به مطابق تعداد دوازده امام تحریر کرده است و در هر باب بحثهای گوناگون مطرح شده‌اند. بخاطر اهمیت تحفه، و جوابیه‌های متعدد از طرف علمای شیعه نوشته شد که بیشتر آن‌ها نادرالوجود یا اصلاً الآن مفقودالاثر هستند. برخی از این ردیه‌ها بر کل کتاب تحفه و برخی دیگر بر بخشهایی از کتاب تحفه نوشته شد. البته شناخت ساختار کتاب تحفه نیز در بررسی ردیه‌ها اهمیت دارد:

موضوعات ابواب تحفه اثنی عشریه

باب اول

دهلوی در این باب درباره پیدایش مذهب شیعه و حالات فرق الشیعه نوشته است، ابتدا فرقه‌های غالی که در مذهب شیعه پیدا شده بودند معرفی شده‌اند و قبل از بحث در مورد غلاة نوشته است که بعد از وفات خلیفه سوم در میان مسلمین چهار فرقه مهم بوجود آمده‌اند. اول شیعیان اولی یا شیعیان مخلص‌اند که مقتداء و پیشوای اهل سنت و الجماعت هستند^۳ بعداً به علت اشتراک لفظی با شیعه تبرائی و غلاة، آن‌ها اسم خود را اهل سنت و جماعت انتخاب نموده‌اند. بعداً می‌نویسد که، هر کجا در تاریخ قدیم برای اهل سنت لفظ فلان من الشیعه او من شیعتہ^۴ نوشته شده است مرادش همین شیعیان مخلص یا شیعه تفضیلی‌اند که بعداً هر دو با اسم اهل سنت معروف شده‌اند.

باب دوم: باب المکائد

شیعیان در تبلیغ مذهب خود حيله‌هایی را به کار می‌برند و عوام اهل سنت را با این‌گونه روشها جذب مذهب خود می‌کنند. از جمله اینک:

۱. می‌گویند که اهل سنت عصمت انبیاء را انکار می‌کنند.
۲. می‌گویند اهل سنت نسبت ظلم به خدا می‌دهند.
۳. اهل سنت دشمن اهل بیت هستند.
۴. قضیه احراق بیت فاطمه سلام الله علیها را مطرح می‌کنند.
۵. شیعه‌ها خود کتب می‌نویسند و بعداً به علماء اهل سنت نسبت می‌دهند.
۶. شیعه‌ها در کتب احادیث، تفسیر و تاریخ اهل سنت تصرف می‌کنند، و غیره الی ما شاء الله.

۱. دهلوی، شاه عبد العزیز، تحفه اثنی عشریه، دهلی: کتابخانه اشاعت اسلام، ص ۴

۲. همان

۳. همان ص ۲۶

۴. همان ص ۴۰

باب سوم: حالات اسلاف شیعه

در این باب دهلوی اسلاف شیعه را به عنوان طبقات معرفی کرده است و ۷ طبقه را ذکر کرده است. مثل،

طبقه اول: عبدالله بن سبا و یارانش.

طبقه دوم: دوستان علی (ع) که به ظاهر مخلص و در باطن منافق بودند. مثل یاران عبدالله بن سبا و قاتلین خلیفه سوم.

طبقه سوم: اصحاب امام حسن مجتبی (ع) که به آن حضرت خیانت کردند.

طبقه چهارم: اصحاب امام حسین (ع) که به ایشان نامه‌های زیادی نوشته بودند.

طبقه پنجم: آن کسانی که از حضرت امام زین العابدین روگردان شده و حضرت محمد حنفیه را امام خود می‌دانستند.

طبقه ششم: آن کسانی که حضرت زید بن علی (ع) را تنها در میدان کارزار رها کرده و فرار کرده بودند.

طبقه هفتم: اصحاب ائمه که ائمه معصومین از ایشان راضی نبودند و بر آن لعن می‌کردند.

باب چهارم: اقسام و اسناد احادیث شیعه

باب پنجم: مسائل الهیات

در این باب دهلوی درباره بحث الهیات ۲۲ عقیده شیعه را نقل کرده است و گفته است که شیعه با این عقاید از مسلمین اختلاف می‌کند. مانند:

۱- عقیده بدا.

۲- شیعیان قائل به حلول هستند.

۳- مسلمین می‌گویند که مومنین در روز قیامت خدا را می‌بینند لیکن شیعه می‌گوید که دیدار خداوند کریم ممکن نیست.

۴- اسماعیلیه منکرند که اراده خداوند کریم قدیم است.

۵- خداوند کریم به کفر هیچ کس راضی نیست مگر اینکه شیعه انکار می‌کند. و غیره.

باب ششم: ایمان به انبیا و نبوت آنها

آقای دهلوی در این باب پانزده مورد عقیده درباره نبوت نقل کرده است که شیعه با دیگر مسلمین اختلاف دارند. مانند:

۱- ائمه از تمام مخلوقات افضل‌اند.

۲- بعضی انبیاء از قبول رسالت عذرخواهی کرده بودند.

۳- بعض شیعه‌ها می‌گویند که علی ابن ابی طالب (ع) خاتم النبیین است.

۴- شیعه‌ها می‌گویند که بر علی (ع) وحی نازل می‌شود و غیره

باب هفتم: امامت

در این باب آقای دهلوی بحث را در سه محور مطرح کرده است.

اول. شش عدد مسئله کلی که شیعه با مسلمین در مسئله امامت اختلاف دارند.

مثلاً ۱. مسلمین می‌گویند که باید امام ظاهر باشد لکن شیعه منکرند. ۲. شیعه معتقدند که باید

امام معصوم باشد و مسلمین می‌گویند که معصوم بودن امام لازم نیست،

دوم. بحث درباره امامت و خلافت بلافضل، شیعه‌ها با ادله قرآنی و احادیث و عقل امامت

بلافضل را برای حضرت علی(ع) ثابت می‌کند که آقای دهلوی ادله را ذکر کرده و به زعم خود

همه‌اش را رد کرده است .

البته از دهها آیه قرآنی که شیعه با آن آیات امامت و خلافت بلافضل حضرت علی(ع) را ثابت

می‌کند دهلوی فقط هفت عدد آیه قرآنی را ذکر کرده است. از جمله:

(۱) آیه الولاية

(۲) آیه التطهير

(۳) آیه الموده

(۴) آیه المباهله

(۵) آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد

(۶) آیه وقفوهم انهم مسئولون

(۷) آیه السابقون السابقون اولئك المقربون

از تمام احادیثی که شیعه با آن احادیث خلافت و امامت بلافضل حضرت علی(ع) را اثبات

می‌کند، شاه عبدالعزیز دهلوی فقط ۱۲ حدیث ذکر کرده است. مانند:

۱- حدیث منزلت

۲- حدیث طیر

۳- حدیث نور

۴- حدیث مدینه

۵- حدیث غدیر

۶- حدیث ثقلین

۷- حدیث قتال

۸- حدیث خیبر

۹- حدیث «من ناصب علیاً لخلافته فهو کافر»

۱۰- حدیث «من ارادا أن ينظر الی آدم فی علمه»

۱۱- حدیث حق

۱۲- حدیث

و شش عدد دلیل عقلی شیعه که برای اثبات امامت بلافصل مطرح می‌کند. مانند اینکه:

۱- باید امام معصوم باشد.

۲- امامت باید از نص ثابت شود.

۳- امام کسی باشد که در زندگی حتی برای یک لحظه نسبت به خداوند متعال کافر نباشد.

در رد این باب تحفه کتب فراوان نوشته شده که فهرست آن‌ها و توضیحاتی درباره آن‌ها

از جمله مفصل‌ترین ردیه این باب کتاب بی نظیر عباقات الانوار در ادامه خواهد آمد.

باب هشتم: معاد

در این باب دهلوی هفت مسئله مرتبط با معاد مطرح کرده است که به گفته وی شیعه با

اهل سنت اختلاف دارند. مانند:

۱- عقیده رجعت

۲- تناسخ

۳- شیعه می‌گوید که عقلا حشر و نشر بر خدا واجب است.

۴- شیعه می‌گوید که روز قیامت شیعیان علی(ع) به طور کلی از عذاب محفوظ و معصون‌اند

اگر چه مرتکب گناهان کبیره هم باشند و...

باب نهم: احکام فقهی

در این باب آقای دهلوی با بیان برخی مسائل متفرقه و با این عنوان که احکام فقهی شیعه با

تقلین اختلاف دارد از کتاب طهارت گرفته تا دیات، برخی مباحث دیگر را مطرح نموده است. از جمله:

۱- لعن بر کبار صحابه بعد از نماز

۲- عید غدیر

۳- عید ۹ ربیع‌الاول

۴- عید مجوس یعنی عید نوروز

۵- سجده تعظیمی برای پادشاهان ظالم

۶- شیعه شراب را پاک می‌داند

۷- نوحه و ماتم را بر میت جایز می‌داند، و...

باب دهم: مطاعن

دهلوی در این باب که مفصل‌ترین باب تحفه اثناعشریه است مطاعن خلفاء ثلاثه و دیگر کبار

صحابه را مطرح کرده است که شیعیان این اعتراضات یا مطاعن را در کتب خود ذکر می‌کنند و بعد

دهلوی به این اشکالات جواب داده است. تعداد مطاعنی که دهلوی درباره خلفا از شیعه نقل کرده

است، حدوداً به ۵۶ مورد می‌رسد.

پانزده اشکال درباره خلیفه اول از جمله فدک، تخلف از جیش اسامه، قصاص جاری نکردن

بر خالد بن ولید و...

یازده اشکال درباره عمر احراق باب حضرت فاطمه زهرا سلام... علیها، بدعات عمر مانند امتناع عمر از متعه، جاری نکردن حد زنا بر مغیره بن شعبه با وجود ۴ گواه و... ده اشکال بر عثمان مانند امتیازات خاص وی برای نزدیکان، بدعات عثمان و... ده مورد از مطاعن عایشه مانند جنگ جمل، مخالفت عایشه با حکم رسول خدا (ص) و... ده مورد از مطاعن برای دیگر خلفاء مانند قضیه یوم الخمیس و اینکه صحابه پیغمبر را در اثناء خطبه تنها گذاشته بودند و...

باب یازدهم: خصائص مذهب شیعه

دهلوی در این باب مطالبی را در باب توهمات و تعصبات شیعه مطرح نموده و سپس مطالبی را در باب عقاید خاص شیعه مانند تقیه، نفاق شیخین، تحریف قرآن، عقیده مهدی منتظر، متعه و... مطرح نموده است.

باب دوازدهم: تولا و تبرا

دهلوی در این باب با بیان دو مقدمه مفهوم تولا و تبرا را مطرح کرده است و نوشته است که اولاً میزان تولا و تبرا باید دین باشد و عداوت دینی کفر است.

عواقب نوشتن تحفه و کتابهایی که در رد تحفه نوشته شد

کتابهایی که در رد تحفه علماء اعلام شیعه نوشته بودند بر سه قسمند:

۱- کتب که در جواب تمام کتاب تحفه نوشته‌اند.

۲- کتبی که در رد برخی از ابواب تحفه نوشته شده‌اند.

۳- کتبی که در رد بعضی از شبهات کتاب تحفه نوشته شده‌اند.

بخش اول: کتبی که در جواب تمام کتاب تحفه نوشته شده‌اند:

۱- تجهیز الجیش لکسر صنمی قریش،

مؤلف حسن بن امان دهلوی عظیم آبادی نزیل کربلاء (... حدود ۱۲۶۰ هـ)

۲- تحفه السنه ۱۵ مجلدات نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مدرسه الواعظین لکهنو

موجود است، به زبان اردو است.

مؤلف، علامه میرزا محمد هادی، بن میرزا محمد تقی لکهنوی (۱۲۷۵ - ۱۳۵۰ هـ)

۳- سیف الله ال مسلول علی مخزی دین الرسول، ملقب به (الصارم البتار لقط الفجار و قط

الاشرار و الکفار)

مؤلف آیه الله ابوالاحمد میرزا محمد اخباری بن عبدالنبی (۱۱۷۸ - ۱۲۳۲ هـ) مقتول

معروف به محمد اخباری و فاضل اکبرآبادی (بعضیها گفته‌اند که تعداد مجلدات کتاب ۶ جلد است

و عده‌ای نیز گفته‌اند که این کتاب در ۳ یا ۲ جلد نوشته شده است و قرائن نظریه دوم را تأیید می‌کنند.

۴- نزهة اثنا عشریه ۱۲ جلد هر جلد در جواب هر باب تحفه، از آقای میرزا محمد کامل دهلوی (ره) (۱۱۵۰ - ۱۲۳۵ هـ). این کتاب که در زمان مؤلف تحفه نوشته شده بود کتابی بود بلندآوازه و به عنوان اولین ردیه که در دوازده جلد توسط میرزا محمد کامل دهلوی (ره) (۱۱۵۰ - ۱۲۳۵ هـ) به رشته تحریر درآمد. به علت اینکه این کتاب در نهایت موجب شهادت مؤلف کتاب شد، میرزا محمد کامل در هند به عنوان شهید رابع معروف هستند.

۵- الهدایة السنیة فی رد التحفه الاثنا عشریه. آیت الله محمد هادی نقوی عمده العلماء بن سید مهدی نصیرآبادی (۱۲۲۸ - ۱۲۷۵ هـ)

۶- هدیة السنیة در ۲ جلد مؤلف آقای ملک آفتاب حسین مدظله
۷- هدیة العزیز، آیت الله خیرالدین اله آبادی (۱۲۵۰ هـ)

بخش دوم: کتبی که در رد بعضی از ابواب تحفه اثنا عشریه نوشته شده اند:

رد در باب اول تحفه

۸- سیف ناصری آیه الله العظمی سید مفتی محمدقلی (ره) (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰) والد امیر حامد حسین، ۱۳۰۶ هـ صاحب عبقات الانوار

۹- پاسخ باب اول تحفه آیه الله شیخ سعادت حسین، افتخار العلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۰۷ م - ۱۹۸۹ م)

ردود باب دوم تحفه

۱۰- تقلیب المکائد. از آیه الله العظمی مفتی محمدقلی (ره) (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ هـ) مطبوع ۱۸۴۶

دهلی

۱۱- جواب باب دوم تحفه آیه الله شیخ سعادت حسین، افتخار العلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ

۱۹۰۷ - ۱۹۸۹ م)

ردود باب چهارم تحفه

۱۲. جواب باب چهارم تحفه. آیت الله شیخ سعادت حسین، افتخار العلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ

۱۹۰۷ - ۱۹۸۹ م)

بعضی از نویسندگان کتاب هدیة العزیز آقای خیرالدین اله آبادی (متوفی ۱۲۵۰ هـ) را جواب باب رابع تحفه دانسته اند مگر قول آیه الله العظمی سید محمد سلطان العلماء وتصریح آقای سید اعجاز حسین کنتوری (ره) این احتمال را باطل می کند که فرموده بودند سمعت من والدی (ره) انه کتب علی جملة الابواب الخ و الله عالم

ردود باب پنجم تحفه

۱۳. صوارم الهیات، از آیه الله العظمی سید دلدار علی نقول نصیر آبادی غفران مآب (ره)

(۱۱۶۶ - ۱۲۳۵ هـ)

۱۴. جواب باب پنجم تحفه. آیه‌الله شیخ سعادت حسین، افتخارالعلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۰۷ - ۱۹۸۹ م)
- ردود باب ششم تحفه
۱۵. حسام الاسلام. از آیه‌الله العظمی آقای سد دلدار علی نقول نصیر آبادی معروف به غفران مآب (ره) (۱۱۶۶ - ۱۲۲۳ هـ)
۱۶. جواب باب ششم تحفه. آیه‌الله شیخ سعادت حسین، افتخارالعلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۰۷ - ۱۹۸۹ م)
- ردود باب هفتم تحفه
۱۷. عبقات الانوار در سی جلد مفصل کتابت شد (معرفی مفصل این اثر عظیم در فصل سوم خواهد آمد).
- از علامه میر حامد حسین (ره) (۱۲۴۶ - ۱۳۰۶ هـ)
۱۸. برهان السعادة از آیت الله العظمی سید مفتی قلی (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ هـ)
۱۹. بوارق موبقه نوشته آیه‌الله العظمی سید محمد سلطان العلماء (۱۱۹۹ - ۱۲۸۴ هـ)
۲۰. جواهر عبقریه آیت الله العظمی سید محمد عباس مفتی (۱۲۲۴ - ۱۳۰۶ هـ)
۲۱. برهان الصادقین، از آقای علامه ابوعلیخان جعفر بنارسی (... ۱۲۸۰ هـ)
۲۲. بهجة البرهان، خلاصه برهان الصادقین
۲۳. تتمه صوارم الهیات، آیه‌الله العظمی سید دلدار علی غفران مآب (۱۱۶۶ - ۱۲۲۳ هـ)
- مطبوع ۱۲۹۵ - ۱۸۷۸ م
۲۴. الامامة (سید محمد سلطان العلماء ۱۱۹۹ - ۱۲۸۴ هـ)
۲۵. حدیقه سلطانیه در مسائل ایمانیه (باب چهارم) آیت الله العظمی سید حسین علین مکان سیدالعلماء (۱۲۱۱ - ۱۲۷۳ هـ)
۲۶. ثمرات، سید محسن نواب (۱۳۲۹ - ۱۳۸۹ هـ) آقای محسن نواب خلاصه عبقات الانوار حدیث مدینه العلم را هم تحریر کرده است.
- ردود باب هشتم تحفه
۲۷. احیاء السنه از آیه‌الله العظمی سید دلدار علی غفران مآب (۱۱۶۶ - ۱۲۳۵ هـ)
- ردود باب دهم تحفه
۲۸. تشییدالمطاعن آیت الله العظمی سید مفتی محمدقلی (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ هـ)
۲۹. تکسیرالصنمین آقای علامه ابوعلیخان جعفر بنارسی (۱۲۸۰ هـ)
۳۰. جواب باب دهم تحفه، آیت الله شیخ سعادت حسین، افتخارالعلماء (۱۳۲۵ - ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۰۷ - ۱۹۸۹ م)
- ردود باب یازدهم تحفه

۳۱. مصارع الافحام از آیه‌الله العظمی سید مفتی محمدقلی (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ هـ ق)

ردود باب دوازدهم تحفه

۳۲. ذوالفقار، آیه‌الله العظمی سید دلدار علی غفران مآب (۱۱۶۶ - ۱۲۳۵ هـ ق)

۳۳. طرد المعاندين للدين عن رحمه رب العالمين فارسی آیه‌الله العظمی سید حسین علیین

مکان (۱۲۷۳. ۱۲۱۱ هـ) فرزند آیه‌الله العظمی سید دلدار علی (- ۱۲۳۵ هـ) مطبوع ۱۲۶۵

۳۴. رد بعض ابواب تحفه از آیت الله سید احمد علی محمد آبادی (۱۳۰۶ - ۱۷۹۲ هـ)

۳۵. رد تحفه اثنا عشریه. آقای شیخ الجامعه علامه اختر عباس (۱۳۴۱ - ۱۴۲۰ هـ ق ۱۹۲۳ -

۱۹۹۹ م) البته دقیقاً مشخص نیست که این کتاب پاسخ تمام تحفه است یا برخی از ابواب آن.

بخش سوم: کتبی که در رد برخی از شبهات تحفه نوشته شده اند:

۳۶. ادله نقيه در ثبوت تقیه از سید حافظ علی نهتوری بجنوری لدهیانه مجمع البحرين ۱۲۸۲

۳۷. بارقه ضیغیمیه، آیت الله العظمی سید محمد سلطان العلماء (ره) بن سید دلدار علی

(۱۱۹۹ - ۱۲۸۴ هـ ق)

بحث درباره متعه

۳۸. بررسی تناقضات تحفه اثنا عشریه

۳۹. تحفه حنفیه به جواب تحفه اثنا عشریه، از زین العابدین خان ۱۲۷۵ هـ

۴۰. تکمیل قرآن (رد تحفه بحث مربوط به قرآن و شیعه) از آقای سید محمد حسین دهلوی.

۴۱. التميز بين صواعق الكابلي و تحفه عبدالعزیز از حکیم سید حسین گریان مطبوع تصویر

عالم لکهنوی ۱۹۷۹

۴۲. جاگیر فدک رد بحث فدک از تحفه اثنا عشریه و کتب دیگر.

۴۳. سهم مسموم فی جواب نکاح ام کلثوم رد بحث تحفه و غیره مربوط به عقد ام کلثوم

مؤلف دو کتاب اخیر، آقای غلامحسین نجفی (۱۹۳۹ - ۲۰۰۵) هستند که به شهادت

رسیدند.

۴۴. حدیث ثقلین رد بحث حدیث ثقلین در تحفه اثنا عشریه تألیف آقای حکیم امجد علیخان

بن حکیم ابوعلی خان

۴۵. رساله نافع در جواب تحفه اثنا عشریه. علامه آقای سید مقرب علی زائر (۱۲۵۹ - ۱۳۴۵

هـ ق)

۴۶. طعن الرماح آیه‌الله العظمی سید محمد سلطان العلماء (۱۱۹۹-۱۲۸۴ هـ ق) مطبوع ۱۲۶۸

هـ بحث فدک و قرطاس

۴۷. تحفه منقلبه - فارسی از آقای سید رضا الحسن بن سید باقر علی نقوی - لکهنو مطبوع

احمدی ۱۳۱۳

۴۸. غیبت امام. فارسی / آیت الله العظمی سید دلدار علی (۱۱۶۶ - ۱۲۳۵ هـ) ناشر سلطان المطابع ۱۲۶۹
۴۹. کشف الشبه عن حکم المتعه، فارسی ۱۲۲۵ هـ ۶۶ ص از آقای احمد بن محمد علی بن استاد کل آقای بهبهانی (۱۱۹۱ - ۱۲۳۵ هـ) صاحب مرآة الاحوال
۵۰. المرافعات از علامه سید علی اظهر کهحوی هندی ۱۳۵۲۷۱۲۷ هـ ق
۵۱. النار الحاطمه القاصد احراق بیت فاطمه، هر دو از آقای سید مقرب علی بن سید شیرعلی نقوی (۱۲۵۹ - ۱۳۴۵ هـ ق)
۵۲. نفاق الشخین بحکم صحیحین، فارسی - آیه الله العظمی سید محمدقلی (۱۱۸۸ - ۱۲۶۰ هـ ق) مطبوع
۵۳. نفحات الرياحین فی احوال سیدنا خاتم النبیین
۵۴. هدیه اثنا عشریه ترجمه نزهه اثنا عشریه جلد نهم از آقای سید حسین بریلوی
۵۵. هدیه حسینی به جواب تحفه اثنا عشریه، مؤلف، مجهول - بزبان اردو، مطبوع (این کتاب در فهرست منشورات کتب خانه اثنا عشریه لکهنو، سنه ۱۹۰۱، در آخر صفحه کتاب ارغام المارکین، معرفی شده است.^۱

اهمیت کتاب عباقت با توجه به دوره کتابت آن

در بیان عظمت عباقت الانوار همین بس که عباقت الانوار بزرگترین و عظیمترین بلکه جامعترین دائرة المعارف در موضوع اثبات امامه الاطهار و نقد اعتراضات است. این کتاب عظیم در سی جلد مشتمل بر ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) صفحات در رد باب هفتم تحفه اثنا عشریه که مربوط به امامت است می باشد. جالب اینجاست که باب هفتم تحفه فقط ۵۰ صفحه دارد. به عبارتی دیگر علامه مجاهد میر حامد حسین رحمه الله علیه در مقابل هر یک صفحه از شبهات دهلوی هزار صفحه پاسخ متقن از منابع شیعه و اهل سنت ارائه داده است. لازم به یادآوری است که همان طور که گفته شد شرایط اجتماعی و سیاسی شیعیان در اواخر دوره حکومت نواب به هیچ وجه مساعد نبود. صدر الافاضل در مطلع انوار پس از ذکر وضعیت ناآرام اوده در سالهای پایانی حکومت نواب نوشته است: « حمله های سیاسی و مذهبی بر شیعیان شدیدتر شده بود، علماء پراکنده شدند کتابخانه ها از بین رفتند آرامش وجود نداشت در این بحران مولانا حامد حسین شمع فروزان علوم اسلامی را دامن خود پنهان کرد و از حوادث مصون نگه داشته و به کار خود مشغول و در حال پیشرفت کارهای علمی خود بود کتابخانه ای با ارزش بنا کرد و دائرة المعارف عظیمی درباره به اختلافات شیعه و سنی نوشت...»

ساختار کلی عباقت

۱. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتابهای اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی ص ۸۹

عبارات الانوار همانند خود کتاب تحفه در دو منهج تألیف شده است. منهج اول درباره آیات قرآنی است که شیعه برای اثبات امامت ائمه معصومین به عنوان دلیل پیش می‌کند که آن‌ها را صاحب تحفه به زعم خود رد کرده بود ولی متأسفانه تا هنوز از سواد به بیاض نیامده است البته به همان روش آقای میلانی حفظه الله جلد بیستم نفعات الازهار را تحریر فرموده تا حدی این خسارت را جبران کرده است؛ آقای میلانی در این باره می‌نویسد:

«اما قسم الايات منه فلم نحصل عليه حتى الان، الا انا قد بحثنا عن تلك الايات في كتابنا (تشديد المراجعات و تفنيد المكابرات) مع التعرض لكلام صاحب (التحفه) و بنفس اسلوب صاحب (العبارات) فاخرجناها في هذا الجز من الكتاب؛ نزولا عند رغبة بعض الصحاب»^۱

اما بخش آیات که تا الان به دست ما نرسیده است غیر از اینکه ما در کتاب تشدید المراجعات و تفنید المکابرات با اشاره به کلام صاحب تحفه و به همان سبک صاحب عبارات آن آیات را جستجو نموده ایم و این بخش از کتاب را استخراج نموده ایم...

آیات قرآنی که مورد بحث دهلوی بودند و فقط آن‌ها را دلیل شیعه برای اثبات امامت ائمه می‌دانست تنها هفت مورد بود. غافل از اینکه آیات مورد استناد شیعه بیش از اینهاست و این هفت آیات هم جز آیاتی بودند که شیعه برای اثبات امامت ائمه ذکر میکند، نه این که انحصار در این آیات باشد. این آیات عبارت اند از:

۱. آیه ولایت ۲. آیه مودت ۳. آیه مباهله، ۴. آیه انما انت منذر و لكل قوم هاد، ۵. آیه وقفوههم انهم مسئولون، ۶. و آیه و السابقون السابقون، اولئك المقربون و ۷. آیه قل لا اسئلكم عليه اجرا

منهج دوم درباره احادیث است، صاحب تحفه اثنا عشریه دوازده احادیث را در باب امامت ذکر کرده بود که شیعه با این احادیث امامت علی(ع) و دیگر ائمه را ثابت می‌کند و سپس صاحب تحفه به زعم خود این احادیث را با اعتراضات و شبهات متفرقه رد کرد و گفت اثبات امامت بلافصل علی(ع) تمسک با این احادیث کامل نیست.

صاحب عبارات الانوار در منهج دوم کتاب احادیث دوازده گانه را مجدداً برای اثبات امامت ائمه معصومین باده‌ها دلیل به اثبات رساند و تمام اعتراضات محدث دهلوی؛ فخرالدین رازی – ابن تیمیه و دیگر هم مذہبان اینان طوری رد کرد که برای ابد مجال لب گشائی برای معاندین ائمه اطهار(ع) نماند مثلاً ابن جوزی در کتاب «العلل المتناهیة فی ال احادیث الواهیة» درباره حدیث ثقلین گفته بود که این حدیث صحیح نیست صاحب عبارات حرف ابن جوزی را با ۱۵۶ دلیل رد کرد و همان طور ابن تیمیه درباره حدیث سفینه گفته بود که سند این حدیث معتبر نیست در رد این کلام ابن

تیمی از امام شافعی تا زمان خود ۹۲ نام علماء اهل سنت با همراه عبارات آن‌ها در حق حدیث سفینه تحریر کرد.

خلاصه کلام این که سید بزرگوار میر حامد حسین این منهج دوم را نیز به دو حصه تقسیم کرد. حصه اول: مربوط به سند حدیث - حصه دوم مربوط به دلالة حدیث. یعنی اولاً سید بزرگوار سند آن حدیث را با ادله قاطع اثبات می‌رساند بعد از اثبات رساندن سند حدیث، متوجه دلالت این حدیث بر امامت بلافصل امام المتقین علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شود و دهها دلائل عقلی و نقلی مربوط به همین حدیث موضوع را ثابت می‌کنند به همین خاطر آقای سید گفته بود که اگر چه ما صدها حدیث برای اثبات امامت داریم لکن چون دهلوی فقط چند حدیث را ذکر کرده بود ما هم با همین بحث می‌کنیم لکن اینها باید بدانند که طوری که ما وارد بحث می‌شویم فقط یک حدیث هم برای اثبات امامت علی (ع) کفایت می‌کند.

احادیث مطرح شده در منهج دوم کتاب که حال حاضر پیش بنده هستند عبارتند از:

۱. حدیث غدیر / ۶۰۰ ص قطع رحلی - چاپ خانه شرکت چاپ دوم طبع اول حدیث غدیر در سال ۱۲۹۴ هـ از هند شده بود.
۲. حدیث ثقلین ؛ سنداً؛ ۹۴۴ ص.
۳. حدیث ثقلین ؛ دلالة؛ ۶۶۰ ص، ناشر هر دو جلد مؤسسه نفائس مخطوطات اصفهان ۱۳۷۹

هـ.ق.

۴. حدیث الولایه ؛ سنداً و دلالة / ۵۹۲ ص
۵. حدیث مدینة العلم ؛ قسم سند ۷۹۶ ص
۶. حدیث مدینة العلم ؛ قسم دلالة / ۶۰۰ ص
۷. حدیث نور؛ سنداً و دلالة / ۷۹۲ ص
۸. حدیث تشبیه ؛ سنداً / ۴۵۶ ص
۹. حدیث تشبیه ؛ دلالة / ۲۵۰ ص
۱۰. حدیث الطیر؛ سنداً / ۵۱۲ ص
۱۱. حدیث الطیر؛ دلالة / ۲۲۶ ص

این مجلدات توسط منشورات مدرسه امام المهدی قم چاپ شده‌اند و همه آن‌ها در قطع رحلی هستند و چاپ اول این مجلدات در هند به این تاریخ شده بودند. حدیث ولایت در سال ۱۳۰۳ هـ حدیث مدینه در سال ۱۳۱۷ هـ حدیث نور ۱۳۰۳ هـ حدیث تشبیه ۱۳۰۱ هـ حدیث طیر ۱۳۰۶ هـ ۱۲ حدیث منزلت، بقیه احادیث عبارتند از:

۱. حدیث المناصبه سنداً و دلالة ۲. خبیر: سنداً ۳. حدیث الحق ۴. حدیث قتال؛ سنداً و دلالة طبق فرمایش آقای میلانی حدیث الحق - و قسم دوم از حدیث خبیر نوشته نشده است.

اسلوب تحریر برای رد این شبهات اسلوب خاصی دارد مثلاً اولاً کلام مخالف را کاملاً نقل می‌کند و از جمیع جهات اعتراضات مطرح شده را ذکر می‌کند و بعد پاسخ می‌دهد؛ و از جمیع جهات پاسخی علمی و منطقی ارائه می‌کند. به صورتی که برای مخالف مجال اعتراض باقی نمی‌گذارد. آیت الله سید علی میلانی در این رابطه می‌گوید:

فهو حينما يا خد بالرد على استدلال الخصم بحديث من الاحاديث، او بكلام له في الطعن على استدلال الاماميه. لا يغفل عن جانب من جوانب البحث فيه، و لا يكتفي بالرد عليه من ناحيه او ناحيتين - بل يعالجه علاجاً جزئياً و يهدم ماتفوه به من الاساس هدماً كلياً...^۱

و مسئله مهم دیگر این که این خاصیت فقط مختص به صاحب عقبات است که تمام ابحاث مطرح شده را از کتب مخالفین نقل کرده است. حتی در باب احوال زندگی علماء اهل سنت و معانی لغت هم از کتب لغت اهل سنت استفاده شده است.^۲

وی کتاب خود را در دو منهج به همان صورتی که در باب هفتم تحفه آمده است، سامان بخشیده است:

منهج نخست: در آیات (مشمول بر شش بخش است، چون دهلوی به ۶ آیه از آیاتی که شیعه به آن استدلال می‌کند اشاره کرده است).

منهج دوم: در روایات (در این منهج برای هر حدیث یک یا دو بخش به صورت زیر تالیف شده است).

۱. دفتر نخست: ویژه حدیث «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» معروف به حدیث غدیر در دو بخش است:

بخش نخست: نام بیش از یکصد تن از صحابه و تابعین و تابع تابعین و حفاظ و پیشوایان حدیث سنی از آغاز تا روزگار مؤلف همراه با گزارشی از احوال آنها و توثیق مصادر روایت بخش دوم: بررسی محتوایی خبر و قراین پیچیده آن بر امات امیر مومنان (ع) و پاسخ به شبهات دهلوی

بخش اول در یک مجلد ۱۲۵۱ صفحه ای و بخش دوم در دو مجلد بیش از ۱۰۰۰ صفحه در زمان حیات مؤلف (۱۲۹۳ و ۱۲۹۴ ه.ق) چاپ سنگی شده و هر سه مجلد در ده جلد حروفی با تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی در قم به چاپ رسیده است.

خلاصه این دفتر نیز با نام «فیض القدر» از شیخ عباس قمی در ۴۶۲ صفحه در قم به چاپ رسیده است.

۱. میلانی، سید علی نفحات الازهار، ج ۱، ص ۱۲۳
۲. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتاب‌های اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی ۲۲۱

۲. دفتر دوم: ویژه خبر متواتر « یا علی انت منی بمنزله هارون منموسی الا انه لا نبی بعدی » معروف به حدیث منزلت است که مانند حدیث غدیر در دو بخش اسناد و دلالت ها سامان یافته است. این دفتر در زمان حیات مؤلف در ۹۷۷ صفحه بزرگ در لکهنو به سال ۱۲۹۵ ه. ق چاپ شده و به مناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت مؤلف در اصفهان افست شده است.

۳. دفتر سوم: ویژه حدیث « ان علیا منی و انا منه و هو ولی کل مومن بعدی » معروف به حدیث ولایت.

این دفتر در ۵۸۵ صفحه به قطع رحلی در سال ۱۳۰۳ در هند چاپ شده است.

۴. دفتر چهارم: ویژه حدیث « اللهم ائنی باحب خلقک الیک یا کل معی من هذا الطیر » که درباره داستان مرغ بریان و آمدن حضرت علی (ع) به خانه پیامبر (ص) پس از گفتن این جمله توسط حضرت (ص) می باشد. (معروف به حدیث طیر)

این دفتر در ۷۳۶ صفحه در دو مجلد بزرگ در سال ۱۳۰۶ ه. ق در لکهنو به چاپ رسیده است. (مطبع بستان مرتضوی)

۵. دفتر پنجم: ویژه حدیث « انا مدینه العلم و علی بابها... » این دفتر در دو مجلد بزرگ نوشته شده است که مجلد نخست آن در ۷۴۵ صفحه به سال ۱۳۱۷ ه. ق و مجلد دوم آن در ۶۰۰ صفحه به سال ۱۳۲۷ ه. ق انتشار یافته است. (به اهتمام سید مظفر حسین)

۶. ویژه حدیث « من اراد ان ینظر الی آدم و نوح... فینظر الی علی » معروف به حدیث تشبیه این دفتر هم در دو مجلد یکی در ۴۵۶ صفحه و دیگری در ۲۴۸ صفحه به سال ۱۳۰۱ ه. ق چاپ شد است. (در لکهنو)

۷. دفتر هفتم: درباره خبر « من ناصب علیا الخلفه بعدی فهو کافر » که پاکنویس آن به انجام نرسیده است.

۸. ویژه حدیث « کنت انا و علی مورا بین یدی الله قبل ان یخلق الله آدم... » معروف به حدیث نور

۹. دفتر نهم: پیرامون خبر رایت در پیکار خیبر که روی کاغذ نوشته نشده است. (در یک مجلد)

۱۰. دفتر دهم: ویژه خبر « علی مع الحق و الحق مع علی (ع) » که دستنوشته ناقصی از پیش نویس آن در کتابخانه ناصریه وجود داشته است.

۱۱. ویژه خبر « ان منکم یقاتل علی تاویل القرآن کما قاتلت علی تنزیله ». (در ۳ مجلد)

۱۲. در بررسی اسناد و دلالت خبر متواتر و معروف ثقلین به پیوست حدیث سفینه

همچنین فشرده مباحث و فواید تحقیقی این مجموعه را می توان در کتاب « نفعات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار» به زبان عربی به قلم آقای سید علی میلانی به دست آورد که در ۲۰ جلد متوسط در قم چاپ شده است.

در مجموع از این دوازده دفتر، پنج دفتر به دست مرحوم میر حامد حسین، سه دفتر توسط فرزندش سید ناصر حسین و دو دفتر آن توسط سید محمد سعید فرزند سید ناصر حسین با همان اسلوب حامد حسین به تفصیل ذیل به انجام رسیده است:

الف: مرحوم میر حامد حسین:

۱. حدیث غدیر از نظر سند و دلالت
۲. حدیث منزلت از نظر سند و دلالت
۳. حدیث ولایت از نظر سند و دلالت
۴. حدیث تشبیه از نظر سند و دلالت
۵. حدیث نور از نظر سند و دلالت

ب: مرحوم سید ناصر حسین:

۱. حدیث طیر از نظر سند و دلالت
۲. حدیث باب از نظر سند و دلالت
۳. حدیث ثقلین و سفینه از نظر سند و دلالت

ج: مرحوم سید محمد سعید:

۱. حدیث مناصبت از نظر سند و دلالت (به زبان عربی)
۲. حدیث خیبر، از نظر سند فقط (به زبان عربی)

البته این دو حدیث تا کنون چاپ نشد هاند.

البته این پنج حدیث آخر ار که توسط فرزند و نوه میر حامد حسین انجام شده است را به نام مرحوم میر حامد حسین قرار دادند تا از مقام شامخ ایشان تجلیل شود.^۱

چگونگی بحث و سبک استدلال در کتاب عبقات الانوار

علامه میر حامد حسین در روش مقابله حدیثی خود ابتدا سند حدیث را با توجه به منابع اهل سنت مورد بررسی قرار می دهد. از این جهت که ثابت می کند حدیث قطعی الصدور بوده، متواتر و دارای سند است. سپس به توثیق و تعدیل روایان حدیث از منظر قول دیگر صحابه و تابعین و کتب رجال و تراجم و منابع مورد اعتماد اهل سنت پرداخته است. سپس با تجزیه و تحلیل متن در رابطه با دلالت حدیث بحث می کند و وجوهی را که شیعه از حدیث برای اثبات منویات خود استفاده می کند

۱. کتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه علمیه، مقدمه

بیان می کند و تمامی اعتراضات اهل سنت را نیز در انتها یک به یک مطرح و بررسی می کند و پاسخ می دهد.

قدرت علمی کتاب عبات الانوار

قدرت علمی و احاطه فوق العاده مؤلف از سراسر این کتاب به خوبی هویداست. مثلاً یک جا دلالت حدیث ثقلین را بر مطلوب شیعه به ۶۶ وجه بیان فرموده و در جای دیگر تخطئه ابن جوزی نسبت به دلالت حدیث بر مطلوب شیعه را به ۱۶۵ نقض و تالی فاسد جواب داده است و در ابطال ادعای صاحب تحفه مبنی بر اینکه عترت به معنای آقارب است و لازمه اش واجب الاطاعه بودن در همه نزدیکان پیغمبر است نه اهل بیت فقط، ۵۱ نص و اعتراض بر او وارد کرده است.

همچنین ایشان در هر مطلب و مبحث که وارد می شود کلیه جهات و جوانب قابل بحث آن را مد نظر قرار داده است و حق تحقیق و تتبع را نسبت به موضوع مورد بحث به منتهی درجه اداء می فرماید و مطالعه کننده را برای هرگونه تحقیقی پیرامون موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده از مراجعه به کتب و مصادر دیگر بی نیاز می کند، خصوصاً در مورد تراجم رجال حدیث که شرح حال آنان را نوعاً از تمامی کتب رجالی و مواضعی که مورد استفاده واقع می شود به عین الفاظ نقل فرموده است.

ایشان به این مقدار هم اکتفا نکرده و کلمات صاحب تحفه و استدلالات وی را از سایر کتب او و حتی کلمات اساتید وی همچون پدرش شیخ ولی الله ابن عبد الرحیم و خواجه نصر الله کابلی صاحب کتاب صواقع که در حقیقت تحفه برگردان فارسی این کتاب است، و سایر مشایخ و بزرگان اهل سنت را نقل کرده و پاسخ می دهد.

رعایت آداب مناظره و قواعد بحث در کتاب عبات الانوار

صاحب عبات در احتجاج با مؤلف تحفه چند مسئله را رعایت می کند. اول اینکه کلام صاحب تحفه را در مسئله مورد بحث به طور کامل بیان می کند. یعنی نه چیزی از آن را از قلم می اندازد و نه به آن اضافه می کند. دوم اینکه به منابع و مراجعی احتجاج می کند که برای اهل سنت و علی الخصوص شاه عبدالعزیز نیز قابل استناد است و منبع معتبر به حساب می رود. سوم اینکه علامه در تمامی مباحث مطرح شده در عبات تماماً حقیقت را نقل کرده ولو اینکه شاه عبد العزیز حتی برای دفاع از مکتب خود چنین موضوعی را نیاورده باشد. یعنی صاحب عبات همان طور که احادیثی را که خود می خواهد به آن ها استدلال کند از طرق اهل سنت مستند می کند، روایاتی را که طرف مقابلش به آن استناد کرده را نیز مستند می کند و در این راه کوتاهی نکرده و به نقل یکی دو نفر بسنده نمی کند، بلکه همه اسناد آن را نقل می کند.

شیوه رد کردن در کتاب عبات الانوار

الف: نقل کلام خصم به طور کامل

همان طور که قبلاً گفته شد ایشان کلام دهلوی را بدون کم و زیاد نقل می کند و حتی آن را نقل به معنا نیز نمی کند.

ب: بحث و تحقیق همه جانبه

ایشان به هر موضوعی که وارد شده تمام جوانب آن را بررسی کرده و مورد دقت قرار می دهد. لذا زمانی که می خواهد حرف طرف مقابل خود را ابطال کند به یک دلیل و دو دلیل اکتفا نمی کند؛ بلکه همه جوانب را بررسی کرده و به اندازه ای دلیل و مدرک ارائه می کند که استدلال طرف مقابل از پایه و اساس نابود می شود. لذا زمانی که به قدح ابن جوزی در حدیث ثقلین وارد می شود، ۱۵۶ وجه در رد آن بیان می کند.

ج: تحقیق کامل

مرحوم میر حامد حسین در هر موضوعی که مورد بحث قرار داده است، تمامی اقوالی را که درباره آن موضوع مطرح شده نقل می کند و به آن پاسخ می دهد. حتی اقوالی را که ممکن است در این موضع گفته شود مطرح می کند. لذا زمانی که در رد قول دهلوی وارد بحث می شود، کلام افراد دیگری چون نصرالله کابلی و ابن حجر و طبری و... را نیز نقل کرده و به پاسخ دادن می پردازد. مثلاً زمانی که دهلوی حدیث سفینه را مطرح کرده و دلالت آن بر امامت علی (ع) را انکار می کند اما متعرض سند آن نمی شود. صاحب عباقت ابتدا ۹۲ نفر از کسانی که این حدیث را نقل کرده اند نام می برد. (چون از نظر ایشان بحث از سند مقدم بر بحث از دلالت است) و علت مطرح کردن نام این افراد آن است که ابن تیمیه این حدیث را بی سند دانسته و منکر سند - حتی ضعیف برای آن می شود و سپس نام کتب معتبری که این حدیث در آن ها نقل شده را ذکر می کند.^۱

د: ریشه یابی بحث

یکی از قواعدی که صاحب عباقت در رد استدلال طرف مقابل خود به کار برده ریشه یابی اقوالی است که به آن ها استدلال شده و به عنوان دلیل مورد استفاده قرار گرفته است و از این راه توانسته به اهداف خوبی دست پیدا کند:

۱. ایشان در صدد آن بوده که روشن کند دهلوی مطلب جدیدی را در کتاب خود مطرح نکرده است، بلکه تمام مطالب او در کتاب های پیش از وی نیز مطرح شده است و لذا با تحقیقات خود ثابت می کند که دهلوی صواقع نصرالله کابلی را به فارسی برگردانده و علاوه بر آن مطالبی را از پدرش حسام الدین سهار نبوری، صاحب المرافض، به آن افزوده است و آن را به عنوان «تحفه اثنی عشریه» ارائه کرده است و یا اینکه «بستان المحدثین» وی بگردان «کفایه المتطلع» تاج الدین دهان است.

۱. کنتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عباقت الانوار، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه علمیه، مقدمه ص ۲۷

۲. ایشان در ریشه یابی اقوال به این نتیجه می‌رسد که بعضی از اقوال یا نسبت‌هایی که به بعضی افراد داده شده حقیقت ندارد. مثلاً زمانی که درباره حدیث طبر از قول شعرانی در یوایت مطرح می‌شود که ابن جوزی آن را در شمار احادیث موضوعه آورده می‌گوید: «... اولاً ادعای ذکر ابن جوزی این حدیث را در موضوعات از اقبیح افتراآت و اسمج اختلافات و اوضح کذبات و افصح خزعبلات است و قطع نظر از آن که از تفحص و تتبع تام کتاب «الموضوعات» ابن جوزی که نسخه عتیقه آن بحمدالله الغافر پیش قاصر موجودست هرگز اثری از این حدیث پیدا نمی‌شود. سابقاً دریافتی که حافظ علای تصریح نموده به اینمعنی که ابوالفرج یعنی ابن جوزی این حدیث را در کتاب الموضوعات ذکر نکرده، و ابن حجر نیز صراحه افاده فرموده که ابن جوزی در موضوعات خود آن را ذکر ننموده، پس اگر شعرانی اصل کتاب الموضوعات را ندیده و بر تصریح حافظ علای هم مطلع نگردیده بود، کاش بر افاده ابن حجر که در لوائح الانوار نهایت مدحت سرایی او نموده مطلع می‌گردید و خوفاً من الخزی و الخسران گرد این کذب و بهتان نمی‌گردید و...»

۳. صاحب‌عبقات با این شیوه خود تحریفات و تصرفاتی که در بعضی اقوال و انتساب‌ها روی داده را کشف کرده است. مثلاً درباره حدیث نور دهلوی می‌گوید: «این حدیث به اجماع اهل سنت موضوع است و در اسناد آن... در این زمینه به کلام ابن روزبهان که معمولاً مستند نصر الله کابلی است که دهلوی هم از کابلی مطالب خود را اخذ می‌کند مراجعه می‌کنیم. وی در این باره می‌گوید: «ابن جوزی این حدیث را در کتاب موضوعات آورده و نقل به معنا کرده است و این حدیث موضوع بوده و در اسناد آن...» سپس کابلی می‌گوید: «و این حدیث باطل است چون به اجماع اهل خبر وضعی است و در اسناد آن...» پس اجماع اهل خبر را در اینجا کابلی اضافه می‌کند. اما اینکه ابن جوزی آن را در کتاب موضوعات خود نقل کرده، مربوط به حدیث دیگری غیر از حدیث نور است... قال رسول الله (ص): خلقت انا و هارون بن عمران و یحیی بن زکریا و علی ابن ابیطالب من طینه واحده.

ه: ذکر موارد مخالف التزام

- ایشان در موارد متعدد، به رعایت نکردن قواعد بحث توسط دهلوی و آنچه وی خود را ملتزم به آن دانسته، اشاره می‌کند. مثلاً دهلوی خود را به این مطالب ملتزم دانسته است:
۱. در نزد اهل سنت قاعده آن است که هر کتاب حدیثی که صاحب آن خود را ملتزم به نقل خصوص اخبار صحیح نداند، احادیث آن قابل احتجاج نیست.
 ۲. هر چه که سند نداشته باشد، اصلاً به آن گوش داده نمی‌شود.
 ۳. باید در احتجاج بر شیعه با اخبار خودشان بر آن‌ها احتجاج نمود، چون اخبار هر فرقه‌ای نزد فرقه دیگر حجیت ندارد.
 ۴. احتجاج با احادیث اهل سنت بر شیعه جایز نیست.

اما در عمل موارد زیادی بر خلاف آن‌ها عمل کرده و صاحب‌عقبات به این موارد توجه داده است.^۱

و: رد بر مخالفین با کلام خودشان

صاحب‌عقبات در رد مطالب دهلوی گاهی به کلمات وی در جای دیگر کتابش یا به کلمات پدرش و سایر علماء اهل سنت جواب داده و آن را نقض می‌کند.

ز: بررسی احادیث از همه جوانب

صاحب‌عقبات زمانی که وارد بحث از احادیث می‌شود آن را از نظر سند، شان صدور و متن حدیث مورد بررسی قرار می‌دهد و در هر قسمت با کارشناسی دقیق مباحث لازم را مطرح می‌کند.

ح: نقض و معارضه

ایشان در موارد متعدد استدلال مخالفین را با موارد مشابه - که خود آن‌ها نسبت به آن اذعان دارند- نقض می‌کند. مثلاً زمانی که دهلوی در جواب حدیث غدیر می‌گوید: «اگر نظر پیامبر (ص) بیان کردن مسئله امامت و خلافت بود آن را با لفظ صریح می‌گفتند در آن اختلافی نباشد». صاحب‌عقبات آن را با حدیث «الائمة من بعدی اثنا عشر» که مورد قبول محدثین اهل سنت است، نقض می‌کند. همچنین در حواب بعضی استدلال‌ات آنان به معارض آن‌ها از کتب و اقوال خودشان استدلال می‌کند. لذا استدلال دهلوی به حدیث «اصحابی کالنجوم فبایهم اقتدیتم اهدیتم» را با احادیثی که در ذم اصحاب در کتب اهل سنت وارد شده نقض می‌کند.^۲

ناتوانی در پاسخگویی به عقبات

یکی از نکات بسیار جالب درباره عظمت علمی کتاب عقبات این است که تا به امروز فردی پیدا نشده که بتواند جوابی در خور کتاب عقبات الانوار بنویسد. البته فردی به نام مولانا محمد نافع در کتابی به نام حدیث ثقلین ادعا نموده که در بحث حدیث ثقلین ردیه‌ای بر باب ثقلین علامه نوشته است. البته حجم کتاب تألیف شده که نشان می‌دهد که ابداع چنین کتابی نمی‌تواند از لحاظ علمی با کتب علامه و عمق و جامعیت آن‌ها برابری کند. البته حتی همین کتاب نیز از طرف شیعه‌ها بی‌پاسخ ماند و کتابی با عنوان تحقیقات الفریقین فی حدیث الثقلین در جواب آن نوشته شد.

تقریظ بر عقبات الانوار

درباره کتاب عقبات الانوار چه در زمان خود مؤلف و چه در زمان حیات فرزند بزرگوارشان سید ناصر حسین تقریظی درباره کتاب عقبات الانوار نوشته شد که بعد از زمان مؤلف در کتابی جمع آوری شد. لازم به ذکر است در میان کسانی که به ترویج کتاب «عقبات» پرداختند به نام‌های عالمان

۱. همان ص ۲۸

۲. همان ص ۲۹

بزرگی برمی‌خوریم: میرزا محمد حسن شیرازی، شیخ زین‌العابدین مازندرانی، حاج میرزا حسین نوری، سید محمدحسین شهرستانی، حاجی میرزا ابوالفضل تهرانی، صدر الافاضل دهدشتی، حاجی ملا اسدالله خویی، شریف‌العلما خراسانی، حاج آقا میر قزوینی، حاج سید اسماعیل صدر، سید ریحان‌الله کشفی، شیخ الشریعه اصفهانی.

آیت‌الله العظمی میرزا شیرازی بزرگ صاحب فتوی تحریم تنباکو (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲هـ) درباره این اثر عظیم نوشته بود که: الحکم بلزوم قراءة هذا الكتاب علی کل مسلم و الامر بوجوب نشره و ترویجه بكل طریق ممکن آیه الله العظمی الشیخ زین‌العابدین المازندرانی الحائری متوفی ۱۶ ذی‌قعدة - ۱۳۰۹ هـ برای مقلدین خود که در هند بودند حکم صادر کرده بودند: بالمبادرة فی اسرع وقت الی طبع اجزاء الكتاب بمجرد خروجها من السواد الی البیاض، و ان من الواجب المحتم علیهم ان یغصوا كافة قد ارتهم المالیه و غيرها تحت تصرف السید ممتثلین جمیع اوامره

همچنین در بخشی از نامه خود خطاب به صاحب‌عبقات چنین می‌نویسد:

«واحد احد اقدس عزت اسمائه گواه است همیشه شکر نعمت وجود شریف را می‌کنم و به کتب و مصنفات رشیده جنابعالی مستانسم و حق زحمات و خدمات آن وجود عزیز را در اسلام نیکو می‌شناسم. انصاف توان گفت: تا کنون در اسلام در فن کلام کتابی به اینگونه نافع و تمام‌تصنیف نشده است، خصوصاً کتاب عبقات الانوار که از حسنات این دهر و غنائم این زمان است. بر هر مسلم متدین لازم است که در تکمیل عقاید و اصلاح مفاسد خود به آن کتاب مبارک رجوع نماید و استفاده نماید و هر کس به هر نحو تواند در نشر و ترویج آن‌ها به اعتقاد احقر باید سعی و کوشش را فرو گذاشت ندارد تا چنانچه در نظر است اعلا کلمه حق و ادحاض باطل شود که خدمتی شایسته تر از این بطریقه حقه و فرقه ناجیه کمتر در نظر است.»

در نامه‌ای دیگر که به زبان عربی نگاشته شده است، چنین می‌گوید:

«من در کتاب شما، مطالب عالی و ارجمندی خواندم، نسیم خوش تحقیقاتی که شما برای پیدا کردن این مطالب به کار برده اید، بر هر مشک پرورده و معجون دماغ پروری برتری دارد. عبارات رسای کتاب، دلیل پختگی نویسنده است و اشارات جهل زدای آن مایه دقت و آموختن. و چگونه چنین نباشد؟ درحالی که کتاب از سرچشمه‌های فکری تابناک نشأت گرفته و به دست مجسمه‌اخلاص و تقوی تألیف یافته است. آری کتاب باید از این دست باشد و مؤلف از این گونه و اگر غیر از این باشد هرگز مباد و مباد.»

و عالم جلیل شیخ عباس بن احمد انصاری هندی شیروانی نیز، رساله مخصوصی به نام «سواطع الانوار فی تقریظات عبقات الانوار» تألیف کرده و در آن تا بیست و هشت تقریظ از علماء طراز اول نقل نموده است که در بعضی از آن‌ها بر این مطلب تصریح شده که به برکت آن کتاب در یک سال جمع کثیری شیعه و مستبصر شده‌اند.

این کتاب در زمان حیات مؤلف به سال ۱۳۰۳ ه.ق در لکهنو به چاپ رسیده است. همچنین منتخبی از این کتاب در سال ۱۳۲۲ ه.ق به چاپ رسیده که در دو بخش مرتب شده است، بخش نخست تقریظ‌ها و نامه‌هایی که در حیات صاحب‌عقبات رسیده و بخش دوم آنهایی است که بعد از وفات وی و خطاب به فرزندش سید ناصر حسین نوشته شده است.^۱

همچنین شیخ زین‌العابدین مازندرانی نامه‌هایی به بزرگان هند می‌نوشن و در آنها از میر حامد حسین و تألیفات ایشان تجلیل می‌کند و آنان را تشویق می‌نماید تا دیگر آثار میر حامد حسین را به چاپ برسانند و ضمن نامه مفصلی خطاب به مرحوم میر حامد حسین چنین می‌گوید:

«... کتابی به این لیاقت و متانت و اتقان تا الان از بنان تحریر نحری سر نزده و تصنیفی در اثبات حقیقت مذهب و ایقان تا این زمان از بیان تقریر خبر خیبری صادر و ظاهر نگشته. از عقباتش رائحه تحقیق وزان و از استقصایش استقصا بر جمیع دلائل عیان و لله در مولفها و مصنفها...»
مرحوم شیخ عباس قمی در فوائد الرضویه می‌نویسد:

« وجود آنجناب از آیات الهیه و حجج شیعہ اثنی عشریه بود هر کس کتاب مستطاب عقبات الانوار که از قلم دربار آن بزرگوار بیرون آمده، مطالعه کند می‌داند که در فن کلام سیما در مبحث امامت از صدر اسلام تا کنون احدی بدان منوال سخن نرانده و بر آن نمط تصنیف نپرداخته و الحق مشاهد و عیان است که این احاطه و اطلاع و سعه نظر و طول باع نیست جز به تائید و اعانت حضرت اله و توجه سلطان عصر روحنا له فداء».^۲

در این باره امام خمینی فرموده است «... هر کس بخواهد اطلاع از چگونگی حدیث غدیر پیدا کند باید رجوع کند به کتاب عقبات الانوار سید بزرگوار حامد حسین هندی که چهار جلد بزرگ در حدیث غدیر تصنیف کرده و چنین کتابی تاکنون نوشته نشده و عقبات الانوار از قراری که شنیده شده؛ سی جلد است و آن چه ما دیدیم هفت هشت جلد است و در ایران شاید پانزده جلد پیدا شود و اهل سنت در صدد جمع این کتاب و تزیین آن هستند و ما ملت شیعہ در خواب هستیم تا آن گنج پر قیمت و گوهر گرانبهائی از دست برود... بر علماء شیعہ بالخصوص و دیگر طبقات لازم است که این کتاب بزرگ را که بزرگ‌ترین حجت مذهب است نگذارند از بین برود و به طبع آن اقدام کنند».^۳

۱. انصاری همدانی، شیخ عباس، سواطع الانوار فی تقریظات عقبات الانوار، خطی، لکهنو: مطبع مطلع الانوار
۲. محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷) فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، قم: دفتر نشر نوید اسلام
ص ۱۶۱
۳. موسوی خمینی، روح الله، کشف الاسرار ص ۱۴۱

فصل پنجم

نقش علامه میرحامد حسین در تقویت تشیع

همانطور که پیشتر ذکر شد اگرچه در ظاهر عمر مبارک علامه میرحامد حسین تنها به تحقیق و تالیف سپری شد، اما تاثیر فعالیتهای ایشان در جامعه شیعی هند و سایر بلاد اسلامی آنچنان عمیق بود که برای همیشه به عنوان برگی در تاریخ پر افتخار شیعه ثبت شد و شیعیان الی الابد و امداار مجاهدتهای دلسوزانه ایشان هستند. تالیفات علامه باعث شد که شیعیان سراسر جهان به ویژه شیعیان هند در مقابل شبهه پراکنی سایرین هیچ تزلزلی به خود راه ندهند و برای همیشه به حقانیت مکتب اهل بیت افتخار کنند. تا امروز نیز هیچ یک از علمای مذاهب نتوانسته به واقع مدعی شود که پاسخی مستدل و منطقی به تالیفات علامه ارائه کرده است. اما نکته مهمتر این است که فعالیتهای جزئی تر علامه نیز منشا اثر بسیاری جریانات در تشیع گردید.

سید مرتضی حسین صدراالفاضل در این رابطه می گوید:

کتابخانه ای با ارزش بنا کرد و دایرة المعارف عظیمی درباره اختلافات شیعه و سنی نوشت. راه جدیدی برای بحث و تحقیق پیدا کرد. علوم روایت و درایت را تا حد اجتهاد گسترش داد. مناظره و استدلال را احیا کرد و در فن تحریر و اظهار نظر در روایات روش جدیدی را پیش گرفت. عبققات الانوار فقط کتابی عظیم و قطور نیست. بلکه جنبه روایتی و درایتی دارد و هر کس آن کتاب را از نظر تالیف مباحث و مسایل و نیز مآخذ و مصادر و وسعت نظر و استدلال دیده است تعریف کرده است، زیرا از نظر اسلوب عبارت و نگارش فارسی و روش انتخابی خطبات عربی از طرف علمای ایران و عرب به عنوان یک سند شناخته شده است، به طوری که محدثان و محققان بزرگ و اهل دانش و بینش اروپا و آسیا و تالیف کتاب عبققات افتخار می کنند.^۱

تأثیر روش علمی علامه بر علمای کلام بعدی و تشیع هندوستان

تمام دانشوران دنیا به خاطر کارهای علمی علامه میر حامد حسین به ویژه عبققات الانوار به او گرایش پیدا کردند. و علماء ایران، عراق او را با القاب آیه الله فی العالمین، مجدد ملت، حجة الحق علی الخلق و... ملقب ساختند و سبک علمی علامه در نگارش کتب کلامی مورد توجه بسیاری علمای بعدی قرار گرفت.

همان طور که پیش تر ذکر شد، بسیاری از علماء روش علمی تمجید کردند و تقریظاتی بر عبققات نوشتند. اما میزان نفوذ علامه و دامنه تأثیر گذاری آثار ایشان علی الخصوص عبققات الانوار فراتر از حد تصور بود. تعدادی از علما در تألیف آثار خود از عبققات استفاده نمودند که می توان در این رابطه از علمای زیر نام برد:

محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل و کتاب های دیگر

ملا احمد کوزه کنانی در هدایة الموحدين

۱. صدر الافاضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴) مطلع الانوار، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ص ۱۷۹

میرزا ابوالفضل تهرانی در شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور
 سید صدیق حسن خان قنوجی از علمای اهل سنت در ابجد العلوم
 سید مرتضی حسین فتح پوری در تفسیر التکمیل
 سید سبط الحسن لکهنوی در حدیث غدیر
 حاج شیخ عباس قمی در کتاب‌های خود
 شیخ قوام الدین وشنوی قمی در حدیث ثقلین
 شاگردان آیت الله بروجردی در جامع احادیث الشیعه
 شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در اصل الشیعه و اصولها^۱

از همه مهم‌تر اینکه علمای متاخر نیز که در زمینه امامت آثار کلامی تألیف نمودند، روش علمی علامه را مبنای تألیفات خود قرار دادند. برای مثال علمایی چون علامه شرف‌الدین عاملی، علامه امینی و علامه عسکری رحمهم الله روش علمی علامه را ادامه دادند و در آثار ایشان نیز موارد زیر به چشم می‌خورد:

- تهیه و استفاده از منابع متعدد و کاملاً معتبر اهل سنت در علوم مختلف
- اثبات سند حدیث از منابع اهل سنت
- بیان وجه دلالت حدیث بر امامت اهل بیت علیهم السلام و استخراج آن از منابع اهل سنت
- عدم توهین و بلکه تمجید از علمای اهل سنت و تقید به ادب الخلاف
- بیان مسائل و وقایع تاریخی که در کتب تاریخ مذکور است
- بیان اشکالات و شبهات اهل سنت و بررسی چند جانبه و پاسخ به آنها بر اساس منابع

اهل سنت

- ذکر احادیث ساختگی و رد آنها از طریق منابع اهل سنت
 - معرفی و ذکر شرح حال راویان حدیث و جرح و تعدیل آنها بر اساس منابع مورد قبول عامه از قرون اولیه تا زمان حیات مؤلف
 - بررسی فقه الحدیث و فهم آن
- این سبک نگارش کتاب‌های کلامی آن‌چنان قابل توجه بود که حتی از آن با عنوان نهضت متن گرایي یاد می‌شود.

استاد محمدرضا حکیمی نیز درباره آنچه نهضت متن گرایي می‌نامد و علامه میر حامد حسین را چهره شاخص این جریان می‌داند اینگونه می‌نویسد:

از قدیم روزگاران عالمانی بسیار به متون دینی توجهی ویژه داشته‌اند و به‌خصوص درباره امامت کتاب‌های مهم بر اساس احادیث و متون معتبر تفسیر و حدیث و تاریخ تألیف کرده‌اند. در ۱۵۰

۱. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاہت، قم: دلیل ما ص ۲۵۲

سال اخیر نیز در میان عالمان و متفکران شیعه نهضتی پدید آمد که مراجعه به متون را به صورتی وسیع و عمیق در سرلوحه کار خویش قرار داد.

عالمان چندی این روش را به کار بردند و موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردند... اینان با موازین علمی که درباره سند شناسی و نقد حدیث در دست داشتند، حقایق را روشن کرده پیش چشم خوانندگان گذاشتند. اگر بخواهیم برجسته ترین نمونه های این جریان فکری و دینی و ارشادی و تربیتی را در یک قرن و نیم اخیر یاد کنیم، باید از این سه تن نام ببریم:

۱. علامه مجاهد میر حامد حسین هندی

۲. علامه مجاهد سید عبدالحسین شرف‌الدین

۳. علامه مجاهد شیخ عبدالحسین امینی^۱

تربیت شاگردان

علامه میر حامد حسین در طول حیات مبارک خود شاگردان زیادی را پرورش دادند و تربیت نمودند که تنها یکی از آنها علامه سید ناصر حسین رحمه‌الله بود که شرح حال مختصر ایشان در ادامه می‌آید. اما تعدادی از شاگردان شاخص ایشان به شرح ذیل می‌باشد:

سید ناصر حسین موسوی هندی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۱ ه ق) صاحب اثبات رد الشمس

سید سراج حسین موسوی هندی (۱۲۳۸ - ۱۲۸۲ ه ق)

قاضی کرامت حسین موسوی (۱۲۶۹ - ۱۳۳۵ ه ق) صاحب فقه اللسان و علم الاخلاق

سید تصدق حسین موسوی (۱۲۶۳ - ۱۳۳۵ ه ق) صاحب نور العین فی ترجمه ابصار العین

فی انصار الحسین

سید غلام حسنین کنتوری (۱۲۴۷ - ۱۳۳۷ ه ق) صاحب انتصار الاسلام

سید عباس حسین رضوی جار چوی (۱۲۴۰ - ۱۳۴۵ ه ق) صاحب کشکول عباسی و

حسام عباسی

میرزا محمدعلی کشمیری لکهنویی صاحب نجوم السماء^۲

در میان تمام آثار مبارکی که زندگی و مجاهدت‌های علامه میر حامد حسین برای شیعیان

علی‌الخصوص شیعیان هند داشت، پرورش عالم و مجتهدی یگانه و اعجوبه ای همچون سید ناصر

حسین که در علم و دانش سر آمد علمای عصر بود، بیش از سایرین به چشم می‌آید. لذا مختصری از

شرح حال سید ناصر حسین در ادامه می‌آید:

زندگانی ناصر حسین

۱. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ماص ۱۴۶ و ۱۴۷

۲. انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاقت، قم: دلیل ماص ۲۴۱

علامه سید ناصر حسین ناصر المله فرزند میر سید حامد حسین موسوی در شهر لکهنوء ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۸۴ هـ مصادف با ۱۸۶۷ م متولد شد. آقای ناصر حسین تحصیلات را در منزل شروع کرد و با توجه به اینکه محیط خانوادگی ایشان، محیطی کاملاً علمی بود در این زمینه از موقعیت ممتازی برخوردار بود. اساتید ایشان دانشمندانی همچون مفتی محمد عباس، پدر بزرگوار ایشان، میر حامد حسین و اساتید بزرگ عصر بودند. به همین جهت و بر اثر استنباط قوی و هوش سرشار در سن شانزده سالگی اجازه اجتهاد گرفت^۱ و اولین کتاب ایشان درباره وجوب سوره بعد حمد در رکعت اول و دوم به رشته تحریر درآمد.

بر اساس همین رساله اساتید نامبرده به علامه سید ناصر حسین اجازه اجتهاد عطا فرمودند. وی از سن ۱۶ سالگی به تدریس پرداخت و در ابتداء پانزده درس مختلف را تدریس می‌کرد و افراد زیادی اعم از شیعه و سنی در جلسات او شرکت می‌کردند. در تکمیل عبات الانوار با پدر همکاری می‌کرد و بعد از وفات پدر (۱۳۰۶هـ) کار تکمیل عبات را به تنهایی به عهده گرفت. وی از ۱۹ سالگی به ایراد خطبه جمعه در مسجد کوفه در محله کاظمین لکهنوء می‌پرداخت و به گفته صاحب مطلع این خطبه‌های در ماه مبارک رمضان همه روز ایراد می‌شد. درباره آیه مبارکه و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون صحبت می‌کرد و در تمام عمر همین آیه موضوع کلام او بود.

مقام و عظمت این شخص عظیم وقتی روشن می‌شود که بعد از وفات پدر بزرگوار در سال ۱۳۰۶ هـ در حالی که سن ایشان هنوز از ۲۲ تجاوز نمی‌کرد، زعامت مرجعیت شیعیان هند و تکمیل کتاب عظیم عبات الانوار به روش پدر و رفع شبهات مخالفین و جواب سؤالات مقلدین و راهنمایی دانشوران و محققین آن عصر اعم شیعه و سنی به عهده او بود. آقای مفتی عباس وصیت کرده بود ناصر حسین بر پیکر من نماز جنازه بخواند و صاحب مطلع نیز می‌نویسد که علمای ایران و عراق و مصر همیشه با او تماس بودند و خاتم المحدثین علامه نوری نیز مقام علمی ایشان را ستایش می‌کرد.^۲

تلاشهای علمی علامه سید ناصر حسین موجب فراغت ایشان از فعالیت‌های اجتماعی نشد و این عالم وارسته توانست اقدامات بسیار مهمی در جهت رشد تشیع به لحاظ اجتماعی در هند انجام دهد. از جمله این فعالیتها می‌توان به احداث چندین دارالعلوم شیعی، دارالایتام، تعمیر و مرمت قبر قاضی نوراله شوشتری، احیای شعائر دینی و... بود. مختصری از شرح حال علامه میر حامد حسین در کتاب تذکره حیات ناصر المله آمده است.^۳

۱. صدرالافاضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴) مطلع الانوار، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی ص ۶۶۶
۲. طاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتاب‌های اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی ص ۱۶۴
۳. کاظمینی، فاضل، تذکره حیات ناصر المله، لکهنوء: نظامی پریس

این پاسبان حریم امامت و مذهب اهل بیت در روز پنجشنبه اول رجب سال ۱۳۶۱ هـ به لقاء پیوست و در مزار قاضی نورالله دفن شد.

نامه هایی که در ستایش میر حامد حسین نوشته شد

عده زیادی از فرهیختگان و محققین از ایران و عراق نامه های زیادی را با موضوعات مختلف خطاب به علامه میر حامد حسین و سید ناصر حسین نوشتند که تعداد زیادی از این نامه ها در کتاب اسناد خاندان صاحب عباقت آمده است. نوع مطالب مکتوب در این نامه ها از میزان ارادت علمای عراق و ایران نسبت به صاحب عباقت دارد و تا حدود زیادی روشن می سازد که نقش علامه در تحکیم پایه های تشیع و به تصویر کشیدن حقانیت اهل بیت علیهم السلام در عالم اسلام تا چه میزان مهم و تاثیرگذار بوده است. نامه هایی که علمای بلاد برای علامه ارسال داشتند شامل موضوعات مختلفی بود که اهم آن ها به شرح ذیل است:

- تقریظات بر کتاب عباقت الانوار
- درخواست ارسال نسخه عباقت از هند به عباقت عالیات یا ایران جهت علماء و ترویج آن در محافل علمی
- نامه هایی به سید ناصر حسین و جويا شدن احوال علامه میر حامد حسین و درخواست نسخه عباقت و ادامه تنظیم بقیه مجلدات آن و به چاپ رساندن آن ها
- سفارش به صاحب عباقت در حفظ سلامتی خود
- شکایت از گوشه نشینی صاحب عباقت و ادامه ندادن چاپ کتاب
- رد و بدل شدن اطلاعاتی در باب نسخه های درخواستی صاحب عباقت جهت تکمیل تألیف خود
- کوشش علماء در جهت سرعت بخشیدن و سهولت امر چاپ عباقت در هند یا ایران
- سفارش به شاهزادگان ایران و نواب هند در باب کمک رسانی به مؤلف در باب استنساخ کتاب های وی و آماده شدن برای چاپ^۱

کتابخانه ناصریه

خاندان میر حامد حسین از آغاز سده سیزدهم به پی ریزی کتابخانه ای همت گماشتند که به مرور زمان تکمیل گشت. میر حامد حسین و فرزندش ناصر المله در توسعه کتابخانه مرجعی که مفتی محمدقلی در شهر لکهنو تأسیس کرده بود کوشش زیادی نمودند. کتابخانه مزبور معروف به کتابخانه ناصریه و دارای بیش از سی هزار نسخه می باشد که حدود پنج هزار آن را کتاب های خطی تشکیل می

۱. اسناد خاندان صاحب عباقت مقدمه

دهند و بیشتر نسخ خطی این کتابخانه از نسخه های ارزشمند و کمیاب می‌باشند. تا اینکه در دوره سید ناصر حسین به نام وی نامیده شد و در زمان سید محمد سعید فرزند سید ناصر حسین به کتابخانه عمومی تبدیل شد. علمای زیادی از گنجینه کتب نادر کتابخانه ناصریه بهره‌مند شدند و توانستند در تحقیقات و تألیفات خود به نسخی ارزشمند از کتب فرق و مذاهب مختلف دست یافتند که تنها در کتابخانه علامه میر حامد حسین وجود داشت و خود کتابخانه‌های اهل سنت نیز از داشتن این نسخ محروم بودند.^۱

اشعاری که در سوگ میر حامد حسین سروده شد

بعد از ارتحال علامه میر حامد حسین علمای زیادی از هند، عراق و... اشعاری را در رثای شخصیت و جایگاه علمی وی سرودند که هفده قصیده از مجموع آن‌ها در کتابی با عنوان القوائد المشکله فی المراثی المشکله جمع آوری شده است. شعر زیر از سیدحسین واعظ یزدی طباطبایی است که در کتاب مذکور آمده است:

فیلم من رزایا عندها الصبر یضعب	الی الله شکونا و منه اصطبارنا
و لکن فی قلبی لظی تلهب	اصبرنفسی فی عظیم رزیتی
و تهمل عینی بالدموع و تسکب	و یجزع صبری ما یرینی بلوعتی
و اظلمت الدنیا کذا الدهر یلعب	تفرق شمل العلم و الفضل و التقی
و ما سمعت اذنانی با الشمس تترب	و شمس الهدی غابت ببطن ترابها
فمالک لا تبکی و لا تتسلب	و کسر ظهر الدین موت ظهیره
معادله من یرتجیه و تطلب	مضی حافظ الدین من لیس یرتجی
بفرقته بطحاوها ثم تترب	مضی عن دیار الهند نور فاظلمت
کبدر تجلی ثم اصبح یغرب	مضی السید الحامد حسین الذی علا
اب السودد الاعلی و نور مهذب	اخ الدین و ابن العلم و الفضل و التقی
و اکرم الخلق فی العباد و انجب ^۲	و واحد دهر عند اجمال وصفه

شکایت‌مان را نزد خدا می‌بریم و از او طلب صبر میکنیم و چه بسیارند مصیبت‌هایی که صبر در مقابل آنها دشوار است. در مقابل مصیبت بزرگ صبر می‌نمایم اما در قلبم شعله زبانه می‌کشد. جمع علم و فضل و پرهیزکاری پراکنده شد. جهان را تاریک نمود و زمانه هم در حال گردش است. خورشید هدایت در خاک فرو رفت. گوشه‌ایم هرگز صدای فرورفتن خورشید را نشنید. مرگ نیمروز بنیان دین را نابود کرد. تو را چه شده که نه گریه می‌کنی و نه تسلیت می‌گویی. نگهبان دین در حالی که هیچ خواهشی ندارد عزیمت نمود. کسی که از او خواهش و تمنا کند بی جواب نمی‌ماند. در سرزمین هند

۱. فهرست کتابخانه صاحب عیقات

۲. عظیم آبادی، سید نثارحسین (۱۸۹۳م) القوائد المشکله فی المراثی المشکله، خیرالمطابع ص ۵

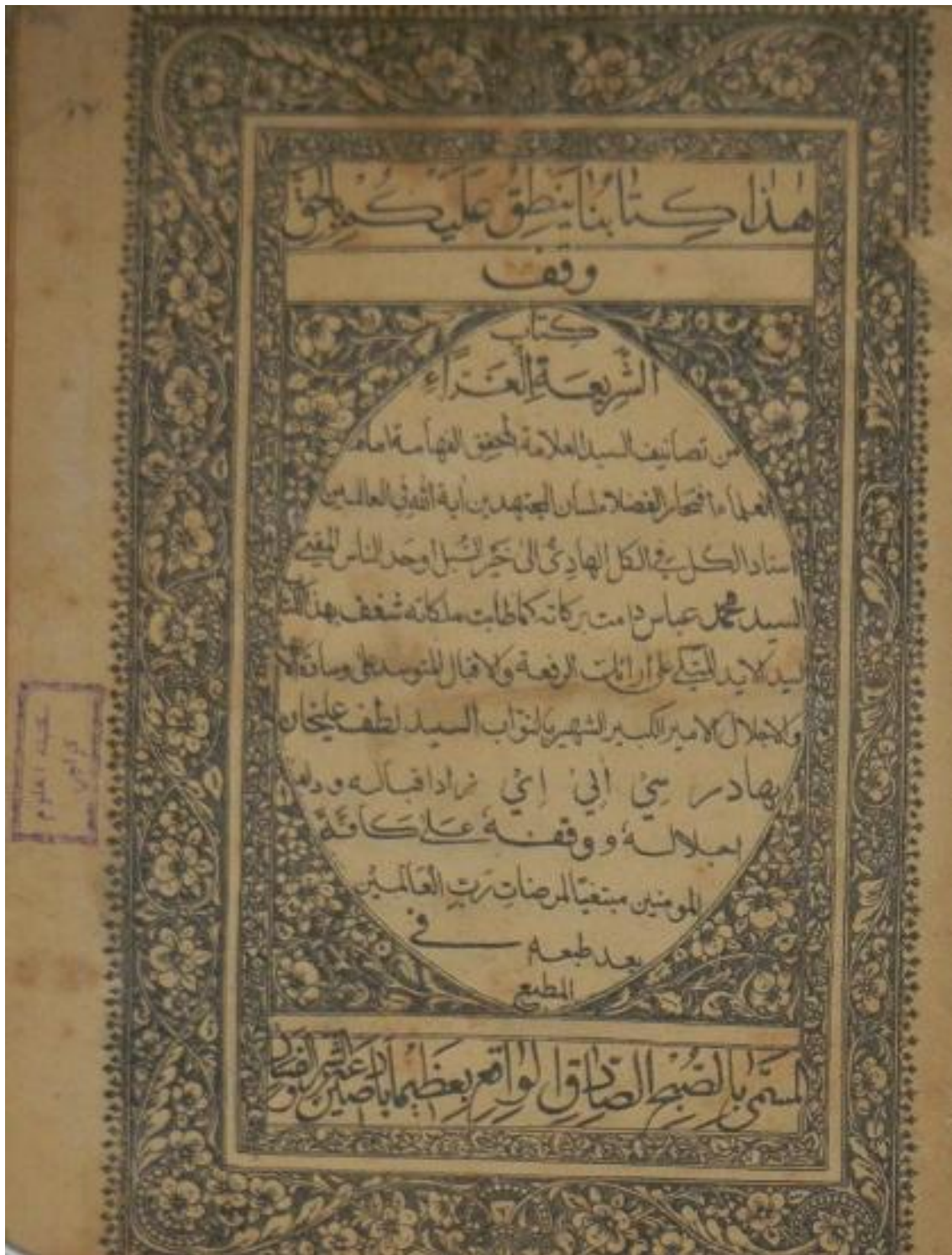
نور رخت بر بسته و تاریکی برقرار است. بر تارکش نقش بر زمین شد و در خاک در حال فرورفتن است. حافظ دین سید حامد حسین که بلند مرتبه بود، عزیمت نمود. همانند ماه ظاهر شد و سپس غروب نمود. برادر دین و فرزند علم و فضل و پرهیزکاری که روزگار در توصیف زیباییش وامانده و بهترین مردم و نجیب ترین بندگان بود.

نتیجه گیری

بررسی زندگینامه بسیاری از علمای شیعه نشان می دهد که این بزرگواران اگرچه بخش اعظم عمر مبارک خود را صرف مطالعه و تحقیق نموده اند و شاید حضور فعال آنچنانی در مسایل سیاسی اجتماعی نداشته اند، اما تاثیر تفکرات آنان بر جامعه و اذهان آحاد مردم در دوره خودشان آنچنان شگرف بوده که هیچ یک از سایر اقشار سیاسی اجتماعی نتوانسته اند اینچنین تمدن ساز باشند. و البته عمق مطالب علمی و آثار این دسته از علماء نشانگر چشم انداز روشن آنها در تمدن سازی اسلامی بوده و هست. اما در نهایت آنچه مهم است یاد آوری این مسئله است که علما و اساتید برای عالمی همچون میر حامد حسین و نقش ایشان در تاریخ مذهب شیعه، بعدی را متذکر شده اند بسیار مهم و در خور تفسیر که با توجه به شرایط امروز دنیای اسلام و حرکت ما به سمت تحقق تمدن اسلامی شیعی، توجه به آن می تواند راه گشای بسیاری از مشکلات باشد و این بعد چیزی نیست جز اقتدا. به این معنا که می توان به سیره علمی و عملی این گونه علما به عنوان الگویی سازنده در جهت تحقیقات و تألیفات ارزنده دینی نگرست و با معرفی این گونه شخصیت ها به دانش پژوهان حوزوی و دانشگاهی امید داشت که تضارب آرای مابین مذاهب اسلامی با روشی علمی و در چارچوب رعایت ادب اختلاف و وحدت مورد نظر قرآن کریم، در بالاترین سطوح صورت گیرد، بدون موضوعات غیر علمی و متعصبانه در اثبات حجیت علمی سیاسی اهل بیت مطرح شود و حتی ذره ای کدورت در قلوب مسلمین ایجاد شود.

چراکه ایمان، اخلاص، پشتکار، زهد، تقوی، گذشت، دقت، حوصله و غنای شخصیت در کنار تقید به آداب تحقیق و ذکر مباحث عالمانه است که می تواند در مسیر بازسازیهای فرهنگی و خدمات اصلاحی، اقدامات علمی و مرزبانیهای دینی، منتج به نتایج سازنده و مبارکی چون عبقات الانوار شود و بررسی زندگانی علامه میر حامد حسین موسوی لکهنوی هندی و مجاهدت های خاموش ایشان، خود شاهدهی بر این مدعاست...

ضمائم



تصویر کتاب شریعه الغرا که در آن نام سید محمد عباس صراحتا ذکر شده است.
تصویر کتاب ظل المدود

۵۱۴
اب الیما ما اجدنا فی محض وظا و ظل من
وصح الیما ما اجدنا فی محض وظا و ظل من

الرحمة لک درین زمان مسعودی تا بیدارید و دود کتاب استطابا در وجود

موسوم به

ظِلُّ مَدُونٍ

از مؤلفات

جناب آقای القاری صدر الادب، الکاملین و بدر البغفار الماهرین العالم الزمان
والفقیه الاثنان المصنف الخطیب المدره الادیب الدرری السری سیدنا
و استاذنا السید محمد عباس الشتری الجزائری دامت معالیه و
کیت عا دیه سباده و موایله تصحیح و تنقیح و حل لغات و توضیح و تبیین الفاظ
و عبارات دقیقه

مطبع و تصدیرها اصحاف میر محمدی حاجی مولوی ابونور رضوی طبع
در سنه ۱۳۴۸

منابع

کتب

کتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۴۱۶ ق) عبقات الانوار فی مناقب ائمه الاطهار، قم: جماعه المدرسين فی الحوزه علمیه

کتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۳۸۱) شوارق النصوص فی تکذیب فضائل اللصوص، قم: دلیل ما

کتوری، سید ناصر حسین فهرست کتابخانه صاحب عبقات، شماره سند: ۷۷۲۸، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی

خواجه پیری، مهدی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه راجه محمودآباد لکهنو، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران

کوکب قدر سجاد علی میرزا (۱۹۹۵) واجد علیشاه کی ادبی اور ثقافتی خدمات، نیو دهلی: ترقی اردو بیورو

عظیم آبادی، سید نثار حسین (۱۸۹۳م) القوائد المشکله فی المراثی المشکله، خیرالمطابع کتوری، میر حامد حسین بن محمد قلی، تراجم الوضاعین، خطی، شماره نسخه ۱۹۱۲۹، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتوری، میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۳۱۵ه) استقصاء الافحام، لکهنو: مطبع اعجاز محمدی کتوری، میر حامد حسین بن محمد قلی، تقیه، خطی، رسول احمد لائبریری، باقر گنج سیوان بهار کشمیری، میرزا محمد مهدی (۱۳۹۷) نجوم السماء فی تراجم العلماء، مکتبه بصیرتی قم حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۹۲ش) اسناد صاحب عبقات، قم: مجمع ذخائر اسلامی

کتوری، میر حامد حسین بن محمد قلی، الدرر السنیه، خطی کاظمینی، فاضل، تذکره حیات ناصرالمله، لکهنو: نظامی پریس تستری، مفتی محمد عباس، شعله جواله، خطی

تستری، مفتی محمد عباس، ظل الممدود و طلح المنضود، خطی جان نورمن هالیستر (۱۳۷۳) تشیع در هند، مترجم آذر میدخت مشایخ فریدونی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

کتوری، سید محمد قلی، تشیید المطاعن لکشف الضغائن سعادت حسین خان، ضیاء العین (شناسایی زندگانی علامه سید حامد حسین) the open school Chicago

انصاری قمی، ناصرالدین (۱۳۸۷) اختران فقاہت، قم: دلیل ما
دهلوی، شاه عبد العزیز، تحفه اثنی عشریه، دهلی: کتابخانه اشاعت اسلام

رضوی، سید سعید اختر (هند ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م) خورشید خاور (تذکره علمای هند و پاک) معارف پبلیشکنز گوپال پور، باقر گنج، ضلع سیوان بهار
گیلانی، مناظر احسن، سوانح قاسمی، لاهور: مکتبه رحمانیه
انصاری همدانی، شیخ عباس، سواطع الانوار فی تقریظات عبقات الانوار، لکهنو: مطبع مطلع الانوار
اطهر رضوی، سید عباس (۱۳۷۶) شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ترجمه: واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی
صدر الافضل، سید مرتضی حسین (۱۳۷۴) مطلع الانوار، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی
محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۸۷) فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، قم: دفتر نشر نوید اسلام
امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب
موسوی خمینی، روح الله، کشف الاسرار
تهرانی، آغابزرگ، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر نقباء البشر فی القرن الرابع عشر
عبدالحی لکهنوی (۱۹۴۷ م) نزهة الخواطر، بیروت: دار ابن حزم
مدرس خیابانی، محمد علی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب
دکتر ثریا دار (۲۰۰۹ م) شاه عبد العزیز محدث دهلوی، لاهور: قاضی جاوید اداره ثقافت اسلامیہ
نجفی محمد حسین، تحقیقات الفریقین فی حدیث الثقلین، مکتبه السببین
حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴ ش) میرحامد حسین، قم: دلیل ما
مقالات
راضیه نجات حسینی، راضیه (۱۳۸۹) عوامل گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند در قرون وسطی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافی دانان جهان اسلام
ابوالحسنی منذر، علی (۱۳۸۳) موقوفه اوده، ریشه و روند تاریخی، زمانه، سال سوم، شماره ۲۰، ص ۲۴ - ۳۲
الهی نصیر، مرتضی (۱۳۹۰) ز نیشابور تا هند پادشاهی اوده و تشیع در شبه قاره، زمانه، شماره ۱۴، ص ۴۴
هاشم زاده، آغاجری (۱۳۸۸) حمایت های مالی حاکمان اوده از عتبات، تاریخ اسلام و ایران، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۲، ص ۱۵۳ - ۱۸۲
منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۹) نقش شاعران و صوفیان در گسترش تشیع در اوده، سخن تاریخ، شماره نهم، ص ۷۶ - ۸۸

- منظر رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) تاریخ سیاسی اوده در هند، سخن تاریخ، شماره ششم، ص ۴۹ - ۸۱
- نصر، سید ولی رضا (۱۳۷۰) ریشه های تشیع شمال هند در ایران و عراق: مذهب و حکومت اود، ایران نامه، سال نهم، شماره ۳۵، ص ۴۸۸ - ۴۹۵
- خواجه پیری، مهدی (۱۳۶۷) کتابخانه های لکهنو، مشکوه، شماره ۱۸ و ۱۹ ص ۱۷۲-۱۹۴
- ضابط، حیدر رضا (۱۳۷۷) تشیع در شبه قاره، پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره سیزده ص ۱۵۳ - ۱۷۰
- ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۱) نقش ایرانیان در ترویج عزاداری در شبه قاره، مشکوه، شماره ۸۶ و ۸۷، ص ۱۰۲ - ۱۱۳
- زیدی، سید سبط حیدر (۱۳۸۵) نقش سید دلدار علی نقوی در گرایش شیعیان شبه قاره به مسلک اصولی، سفیر، ویژه نامه و پیش شماره ۳، ص ۲۰۸ - ۲۲۵
- جلالی حسینی، سید محمدرضا (۱۳۷۹) معرفی کتاب عقبات میرحامد حسین، پژوهش و حوزه، سال یکم، شماره سوم، ص ۱۲۴-۱۴۶
- زیدی، سید سبط حیدر (۱۳۸۸) متکلم نابغه امیر کلام، سفیر، شماره یازده ص ۵۱-۷۶
- تاج الدینی، ژاله (۱۳۸۹) دیدگاههای آقا احمد بهبهانی درباره تشیع در هند، پیام بهارستان، شماره ۷، ص ۹۰۹ - ۹۲۸
- فخرالشریعه، رضوانشهری (۱۳۷۱) نامه هایی از محدث نوری به میرحامد حسین، نور علم، شماره ۴۸، ص ۸۶-۱۰۸
- میرشریفی، سید علی (۱۳۶۷) فیض القدر قطره ای از عقبات، کیهان فرهنگی، شماره پنجاه، ص ۳۸-۴۰
- طالعی، عبدالحسین (۱۳۸۳) سه نامه محدث نوری به علامه سید ناصر حسین، سفینه، شماره سه ص ۱۴۷ - ۱۶۵
- موسوی، سید جواد (۱۳۸۹) بازخوانی حیات علمی علامه میرحامد حسین، سفینه، شماره ۲۶، ص ۱۶۰-۱۸۶
- ضابط، حیدر رضا (۱۳۸۴) نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در هند، مشکوه، شماره ۸۷، ص ۹۷-۱۱۰
- فخر الشریعه، حسن (۱۳۷۷) ستایش نامه شیخ زین العابدین مازندرانی به میرحامد حسین، علوم حدیث، شماره ۷، ص ۲۹۲
- سلیمی زارع، مصطفی (۱۳۸۸) عقبات الانوار و علامه میرحامد حسین، حدیث اندیشه، شماره هفتم و نهم ص ۶۳-۷۷

- رضوی، سید عباس (۱۳۸۸) *تقش شاهان اوده در گسترش تشیع*، سخن تاریخ، شماره ۷، ص ۳-۱۳
- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۶۹) *گذری بر عاشورای لکهنو*، نامه فرهنگ، سال اول، شماره ۲، ص ۱۰۴- (۱۱۱)
- موسوی، جمال (۱۳۷۷) *نخستین مراحل ورود اسلام به هند*، مقالات و بررسی ها، دفتر ۶۴، ص ۱۱۵-۱۳۱
- صفری، رضا (۱۳۹۰) *اسلام در هند*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۸، ص ۸۱-۸۶
- مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۳۷) *متکلمان بزرگ اسلامی هند*، ارمنان، شماره ۹، ص ۴۱۵-۴۱۹
- خوان کل (۱۴۱۵هـ) *الشیعه و الاخرون*، الموسوم، شماره ۲۰، قسمت نهم، ص ۶۳-۸۳
- خوان کل (۱۴۱۴هـ) *بداية المؤسسات الشيعية الرسمية فی اوده*، الموسوم، شماره ۱۹، قسمت پنجم، ص ۳۱۷-۳۳۳
- خوان کل (۱۴۱۵هـ) *الملکيه الدينيه و البنيه الشيعيه*، الموسوم، شماره ۲۰، قسمت هشتم، ص ۴۷-۶۲
- خوان کل (۱۴۱۴هـ) *تكوين الدولة الشيعية فی اوده و العلماء الموسوم*، شماره ۱۹، قسمت دوم، ص ۲۴۷-۲۷۴
- طباطبایی، سید ابوالفضل (۱۳۵۵) *اسلام در هند*، گوهر، شماره ۴۳، ص ۵۸۰-۵۸۳
- پایان نامه ها
- ظاهر عباس اعوان (۱۳۸۵) *کتابشناسی توصیفی تألیفات علمای شیعه در پاسخ به شبهات و کتابهای اهل سنت از صفویه تا عصر حاضر*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی

Abstract

Hamid Hussain Musavi Kintoori Lakhnowi is among the greatest Shia scholars who has written important theological books to defend the sanctity of **Shi'ism** against the opponents. Sayyid Hamid Hussain *could leave a long lasting impression in Shia history through writing books specially the book "Abaqat al-Anwar fi imamat al- 'A'immat al-athar"* as a refutation of Shah 'Abd al-aziz book called "*Tuhfehaye ithna 'ashariyyah*" which severely attacked Shi'i doctrines, beliefs and practices.

During Sayyid Hamid Hussain life, Lucknow which was historically the capital of Nawabs of Awadh suffered from political ,social and even religious chaos, because of the weakness of Nawab rulers, which consequently caused the increasing of the colonial influences as well as the religious propaganda of the other religions and their refutations against **Shi'ism**. Therefore Shiites had a horrible situation in India. Under these circumstances Sayyid Hamid Hussain rose to protect the sanctity of **Shi'ism**.

Although there are other books by other Shia scholars and even by other members of Sayyid Hamid Hussain family on refutation of "*Tuhfehaye ithna 'ashariyyah*", none of them could leave such a deep impression on Indian Shia society and other Muslim countries. Such a scientific and intellectual support of Indian Shias by Sayyid Hamid Hussain is the reason of his ever-lasting role in Shia history of civilization. Sayyid Hamid Hussain and his family known as Abaqat family made a great effort to spread the Shia doctrines. So studying about the scientific and practical manner of them and describing their efforts can be a tribute to them for defending Shia thoughts and also can play an important role in scientific and moral modeling for researchers.

Keywords: Sayyid Hamid Hussain, **Shi'ism** in India, Abaqat al-Anwar, Lucknow, Abaqat family



payame noor university

Faculty of Theology and Human Sciences

M.A Thesis

Title of the Thesis

**Survey on the position of Sayyid Hamid
Hussain in Shia History**

Thesis Advisor

Dr. Asghar Ghaedan

Thesis Reader

Dr. Karim Najafi Barzegar

By

Ehsan Ghannadzadeh

=

Summer ۲۰۱۴